

۱۶-۲

■ واکاوی چالش‌ها و راهکارهای تقویت و تربیت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌های ایرانی - اسلامی در عصر دیجیتال؛ با تأکید بر رویکرد کیفی

۲۷-۱۷

■ نقش آموزه‌های معنوی اهل بیت علیهم‌السلام در بهبود تاب‌آوری خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی: مطالعه تطبیقی با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده

۴۱-۲۸

■ پیش‌بینی بهره‌مندی موفقیت بر اساس خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی: نقش میانجی انگیزش تحصیلی

۵۱-۴۲

■ بررسی و تحلیل مفهوم خانواده و ارزش‌های اخلاقی در متون دینی و روانشناسی

۶۳-۵۲

■ اثر سبک‌های رفتاری والدین و روابط با هم‌تایان در مدرسه بر احساس تنهایی دانش‌آموزان

۷۱-۶۴

■ اثربخشی مداخلات روان‌شناختی جامع (ذهن‌آگاهی و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای) بر کاهش اضطراب، افسردگی، درد و بهبود عملکرد بیماران پس از جراحی‌های بزرگ

## Analyzing the Challenges and Solutions for Strengthening and Cultivating Religious and National Values in Iranian-Islamic Families

واکاوی چالش‌ها و راهکارهای تقویت و تربیت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌های ایرانی - اسلامی در عصر دیجیتال؛ با تأکید بر رویکرد کیفی

علی اکبر دولتی\*<sup>۱</sup> استاد یار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹ - ۱۴۶۶۵ تهران، ایران

فاطمه اکبری<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه علوم تربیتی

### Abstract

This research, with a qualitative approach and employing semi-structured interviews, aims to investigate the challenges and opportunities for strengthening and fostering religious and national values in Iranian-Islamic families in the digital age. The statistical population of this research consisted of professors from universities in Semnan province, who were selected using purposive and snowball sampling methods. The results of the research showed that the family, as the most important educational institution, faces challenges such as the influence of social media and inappropriate content in the digital age, while the media, especially cinema, can play a significant role in strengthening values by producing purposeful content and positive role models. Furthermore, the government, through financial support, investment in education, and the formulation of appropriate laws, can pave the way for raising a generation that is aware and committed to religious and national identity. Ultimately, cooperation and coordination between the family, the media, and the government, along with intelligent control and guidance of technology use, is essential for strengthening values.

**Key words:** Strengthening and nurturing, religious and national values, family, digital age, qualitative analysis.

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی چالش‌ها و فرصت‌های تقویت و تربیت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌های ایرانی - اسلامی در عصر دیجیتال، با رویکردی کیفی و استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را اساتید دانشگاه‌های استان سمنان تشکیل دادند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌ای انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که خانواده، به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی، در عصر دیجیتال با چالش‌هایی نظیر تأثیر رسانه‌های اجتماعی و محتوای نامناسب مواجه است، در حالی که رسانه‌ها، به ویژه سینما، با تولید محتوای هدفمند و الگوهای مثبت، می‌توانند نقش بسزایی در تقویت ارزش‌ها ایفا کنند. همچنین، دولت با حمایت‌های مالی، سرمایه‌گذاری در آموزش، و تدوین قوانین مناسب، می‌تواند زمینه را برای تربیت نسلی آگاه و پایبند به هویت دینی و ملی فراهم کند. در نهایت، همکاری و هماهنگی بین خانواده، رسانه‌ها و دولت، همراه با کنترل و هدایت هوشمندانه استفاده از تکنولوژی، برای تقویت ارزش‌ها ضروری است.

**کلمات کلیدی:** تقویت و تربیت، ارزش‌های دینی و ملی، خانواده، عصر دیجیتال، تحلیل کیفی.

## مقدمه

خانواده به عنوان اولین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی برشمرده می‌شود (نادری و همکاران، ۱۴۰۲؛ امیری، ۱۴۰۱؛ نیازی و همکاران، ۱۴۰۰). در رویکرد دینی نیز خانواده جایگاه بسیار مهمی دارد، چنانکه به عنوان محبوب‌ترین نهاد نزد خداوند متعال نامیده شده است (شریفی زارچی و رضوانی، ۱۳۹۹). بسیاری از نظریه‌پردازان برجسته روانشناختی استدلال می‌کنند که هویت دینی در چارچوب خانواده شکل می‌گیرد (سلمانی، ۱۴۰۱). همچنین تعهد به ارزش‌های دینی عملاً به عنوان یک سیستم ارزشی، جهت‌دهنده حرکت‌های انسان است (وحدانی و آتشی، ۱۴۰۲) و منبع اصلی هویت ملی در جوامع سنتی، دینی و سیاسی (مخصوصاً نهاد دولت - ملت) در نظر گرفته می‌شود (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۲).

با این وجود، با ورود تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی به خانواده‌ها، ارزش‌های اجتماعی خانواده تحت تأثیر قرار گرفته است (تاک و همکاران، ۱۴۰۲). برای مثال، استفاده از رسانه‌های اجتماعی تأثیرات مختلفی بر باورها و اعمال مذهبی دارد (دارابی و همکاران، ۱۴۰۲) به طوری که رسانه‌ها به منبعی برای تجربه دینی تبدیل شده‌اند، زیرا اکنون اعمال، باورها و نمادهای دینی را ارائه می‌دهند (آل زمان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). برای بشریت، علم و فناوری، ضررهای بالقوه منفی به همراه دارد (قوریب و افندی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴)، اما به طور مثال رسانه‌های اجتماعی می‌توانند فرصت‌های زیادی را در فرآیند آموزش ایجاد کنند (موفتاح<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴)، با این حال می‌توانند چالش‌هایی را نیز ایجاد کنند (بزولا و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲). در راهبرد تنوع، با بهره‌مندی از قوت‌ها در یک سازمان یا سیستم برای مقابله با تهدیدها انجام می‌شود و هدف آن به حداکثر رساندن نقاط قوت و حداقل رساندن تهدیدهاست (گلجائی و ستوده، ۱۳۹۶).

جهان امروز شاهد ظهور انواع رسانه‌های مبتنی بر اینترنت است که کاربران آن به طور شگرفی در حال افزایش هستند (قائدرحمتی و ترکیان تبار، ۱۴۰۱؛ ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس آمار، از سال ۲۰۲۲، ۹۷ درصد از نوجوانان از اینترنت استفاده می‌کنند (کریم و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۲). همچنین در عصر مدرن بیشتر ارتباطات از طریق رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد (کاپلان و یوکسل<sup>۶</sup>، ۲۰۲۳) و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، تقریباً در هر خانه‌ای وجود دارند (بزولا<sup>۷</sup>، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، استفاده مناسب از فناوری‌های دیجیتال و رویکرد آموزشی در طراحی مدل‌های یادگیری می‌تواند باعث بهبود نتایج یادگیری دانش‌آموزان شود (کریولوسی و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۱). علاوه بر این، فیلم یکی دیگر از چیزهایی است که دنیای مدرن معرفی کرده است (نویانو و سیمانجونتا<sup>۹</sup>، ۲۰۲۲). فیلم یکی از رسانه‌های ارتباط بصری در قالب تصاویر متحرک بر اساس داستان یا فیلمنامه‌ای است که طراحی شده است (هونام و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۲). همچنین فیلم‌ها با نگرش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی غالب درگیر می‌شوند و بر آنها تأثیر می‌گذارند (کیم و کیم<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۱). از طرف دیگر، ارزش‌ها بنیان خانواده را شکل می‌دهند و به آن هویت می‌بخشند؛ لذا خانواده، به عنوان یک نهاد ارزش‌محور تلقی می‌شود که فضای کافی برای انواع رفتارها و اعتقادات مذهبی را فراهم می‌کند (نیازی و همکاران، ۱۴۰۰). افزون بر این، روابط عاطفی قوی میان فرزندان و والدین، فواید متعددی برای فرزندان دارد (امیری، ۱۴۰۱). دانش‌آموزانی که روابط خوبی با والدین خود داشتند و مذهبی‌تر بودند، نسبت به دانش‌آموزانی که روابط ضعیف با والدین خود داشتند و کمتر مذهبی بودند، از سلامت روانی بهتری برخوردار بودند (سوجاروتو و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۲۳).

۱. Al-Zaman

۲. Qorib and Afandi

۳. Muftah

۴. Bozzola

۵. Karim

۶. Kaplan and Yuksel

۷. Bozzola

۸. Criollo-C

۹. Noviana and Simanjuntak

۱۰. Hanum

۱۱. Kim and Kim

۱۲. Sujarwoto

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

تحقیقات قوریب و افندی (۲۰۲۴) نشان داد که ارزش‌های نبوی، پایه‌ای اخلاقی و معنوی را فراهم می‌کنند که می‌تواند استفاده مسئولانه، انسانی و پایدار از علم و فناوری را هدایت کند. همچنین آل زمان (۲۰۲۲) به این نتیجه رسید که رسانه‌های مبتنی بر اینترنت اکنون محیط مناسب‌تری را برای مؤمنان صرف نظر از مذهبشان ایجاد کرده‌اند و دین را جدایی‌ناپذیرتر و نزدیک به زندگی روزمره آنها می‌کنند. ملکی و همکاران (۱۴۰۰) بیان داشتند که تأثیرگذاری اینترنت بر ارزش‌های خانواده از منظر هویت دینی و ملی بررسی شده و به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای روابط احساسی و آگاهی خانواده در استفاده فرزندان از اینترنت بیشترین نقش را بر ارزش‌های خانواده دارند. به همین ترتیب، ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۲) مطرح کردند که هر چه اعتیاد (وابستگی) به اینترنت بیشتر باشد، از ارزش‌های خانواده کاسته می‌شود. علاوه بر این، نادری و همکاران (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیدند که والدین نفوذ زیادی بر شکل‌گیری شخصیت کودک اعمال می‌کنند؛ آنها می‌توانند به وسیله شیوه‌هایی که نسبت به کودک رفتار می‌کنند، به رشد شخصیت او کمک کنند یا مانع آن شوند. بر اساس تحقیقات کاپلان و یوکسل (۲۰۲۳)، انتشار دانش و محتوای دینی به افراد به طور فزاینده‌ای بر ارتباطات جمعی و رسانه‌های اجتماعی متکی است. گلجائی و ستوده (۱۳۹۶) به این یافته رسیدند که انتشار اندیشه‌های اسلام ناب به کمک رسانه‌ها، مؤسسات و مراکز تبلیغاتی برای جلوگیری از تخریب عقاید مسلمانان و مبارزه با اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی در جهان بسیار مؤثر است. در این راستا، پژوهش شریفی زراچی و رضوانی (۱۳۹۹) بیان نمود که نظریه تحول فرهنگی رونالد اینگلهارت به این نتیجه رسید که بین جهانی شدن و ارزش فرزندان از سویی و بین نسل‌های مختلف و میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی از سوی دیگر رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. دارابی و قربانی (۱۴۰۲) در تحقیقی به نام فرصت‌ها و چالش‌های دین در رسانه‌های نوین با تأکید بر اینستاگرام به این نتیجه دست یافتند که با وجود چالش‌ها، رسانه‌های اجتماعی می‌توانند در جذب جوانان به فعالیت‌های مذهبی و پرورش ارتباطات صمیمانه مؤثر باشد. هونام و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی به نام معنی عشق خانوادگی در فیلم خانوادگی نتایج حاکی از آن بود که فیلم می‌تواند مکانی برای هدایت استعدادها و کارها باشد.

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که تکنولوژی سبب افزایش نقش عوامل مؤثر در تعمیق بخشی ارزش‌های دینی و ملی خانواده شده است. البته تأکیدات عمدتاً به جنبه‌های منفی این عصر معطوف می‌شود، اما نکته حائز اهمیت این است که ما می‌توانیم از فرصت‌های ایجادشده توسط فناوری در صدد تعمیق بخشی به ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌ها باشیم. با این حال سطح آگاهی خانواده‌ها نسبت به شیوه‌های والدگری کامل نیست و این ناآگاهی می‌تواند مسائلی را در برقراری روابط با فرزندان ایجاد کند (عبداللهی، ۲۰۲۰). با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه تأثیر تکنولوژی بر خانواده، هنوز کمبود پژوهش‌های جامع و متمرکز بر تأثیر آن بر ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌ها به چشم می‌خورد و راهکارهای عملی و مؤثر برای تقویت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌ها، احساس می‌شود. نقش رسانه‌ها و فیلم در انتقال ارزش‌ها، به ویژه در خانواده‌ها، نیازمند بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر است. خلاء پژوهشی در این زمینه، مانع از بهره‌گیری مؤثر از این ابزارها در جهت تقویت ارزش‌های دینی و ملی می‌شود.

## روش تحقیق

رویکرد پژوهش در این مطالعه به صورت کیفی و با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. این رویکرد به محقق اجازه می‌دهد تا ضمن حفظ انسجام و تمرکز بر موضوع پژوهش، انعطاف لازم برای پرسش‌های عمیق‌تر و دریافت پاسخ‌های تفصیلی از مصاحبه‌شوندگان را داشته باشد. با توجه به هدف پژوهش که واکاوی چالش‌ها و فرصت‌های تقویت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌های ایرانی در عصر دیجیتال است، جامعه آماری این پژوهش را اساتید دانشگاه‌های سراسر استان سمنان (شامل دانشگاه‌های سراسری، پیام نور و فرهنگیان) تشکیل می‌دهند. این انتخاب به دلیل تخصص و دانش این گروه در زمینه‌های مرتبط با خانواده، ارزش‌ها، رسانه و جامعه است. نمونه آماری به صورت هدفمند و با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌ای انتخاب شده است. در این روش، ابتدا با تعدادی از اساتید مطلع و صاحب‌نظر در حوزه‌های مرتبط مصاحبه انجام شد و سپس از آنها خواسته شد تا سایر افراد واجد شرایط را معرفی کنند. این فرآیند تا رسیدن به اشباع نظری و جمع‌آوری داده‌های کافی ادامه یافت. برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بهره برده شد. سوالات مصاحبه به شرح زیر است:

۱. چه راهکارهایی برای تعمیق بخشی ارزش‌های دینی و ملی در عصر دیجیتال وجود دارد؟
۲. رسانه‌های جمعی چگونه می‌توانند سبب ترویج فرصت‌ها در جهت تقویت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌ها شوند؟

### روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

۳. چگونه با استفاده از فیلم‌ها و تولیدات سینمایی می‌توانیم سبب ترویج ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌ها شویم؟
۴. خانواده‌ها چگونه می‌توانند چالش‌هایی که به خاطر فناوری و تکنولوژی به وجود آمده است را به عنوان فرصتی برای تقویت ارزش‌های دینی و ملی استفاده کنند؟

۵. دولت چه نقشی در راستای تقویت ارزش‌های دینی و ملی خانواده می‌تواند داشته باشد؟

قبل از انجام مصاحبه، توضیحات کلی در مورد موضوع پژوهش و اهداف آن به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد. به منظور اطمینان از دقت و صحت اطلاعات جمع‌آوری شده، تمامی مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان ثبت و ضبط شد. این امکان به محقق می‌دهد تا پس از انجام مصاحبه‌ها، به طور مجدد به گفت‌وگوها گوش دهد و از جزئیات و نکات دقیق‌تری که ممکن است در حین یادداشت‌برداری از دست رفته باشد، بهره‌برداری کند. همچنین این فرآیند به تحلیل عمیق‌تر داده‌ها و ارائه دقیق‌تر نتایج کمک شایانی می‌کند. مدت زمان هر مصاحبه با توجه به شرایط مصاحبه‌شونده بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بوده است. در طول مصاحبه، اطلاعاتی در مورد سن، مدرک تحصیلی و میزان سنوات کاری مصاحبه‌شوندگان جمع‌آوری شده و از پرسیدن سوالات شخصی خودداری شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها به روش تحلیل محتوا تحلیل شد. در این روش، ابتدا نوارهای صوتی مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شده و سپس کدهای مرتبط با موضوع پژوهش از متن پیاده‌شده استخراج شدند. این کدها در قالب دسته‌بندی‌های موضوعی سازماندهی و در نهایت، بر اساس این دسته‌بندی‌ها، نتایج پژوهش ارائه شد. در انجام این پژوهش، کلیه ملاحظات اخلاقی رعایت شده است. از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کسب رضایت آگاهانه از مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط صدای آنها، حفظ محرمانه‌بودن اطلاعات مصاحبه‌شوندگان و عدم افشای هویت آنها، اجتناب از هرگونه قضاوت شخصی در مورد دیدگاه‌ها و نظرات مصاحبه‌شوندگان، تأکید بر اینکه شرکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه است و مصاحبه‌شوندگان می‌توانند در هر زمان که بخواهند از ادامه مصاحبه انصراف دهند. با اجرای دقیق و منظم مراحل فوق، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با جمع‌آوری داده‌های کیفی و تحلیل دقیق آنها، به درک عمیق‌تری از چالش‌ها و فرصت‌های تقویت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده در عصر دیجیتال دست یابد و راهکارهای عملی و مؤثری را در این زمینه ارائه دهد.

جدول شماره ۱. مشخصات افراد مصاحبه شده

| کد              | جنسیت | مدرک تحصیلی                | میزان سنوات کاری |
|-----------------|-------|----------------------------|------------------|
| B <sup>۱</sup>  | مرد   | ارشد زبان                  | ۱۵               |
| B <sup>۲</sup>  | مرد   | دکترای ادبیات فارسی        | ۱۴               |
| B <sup>۳</sup>  | زن    | دکترای زبان                | ۲۵               |
| B <sup>۴</sup>  | زن    | دکترای زبان                | ۳۳               |
| B <sup>۵</sup>  | زن    | دکترای روانشناسی بالینی    | ۲۵               |
| B <sup>۶</sup>  | مرد   | دکترای معارف اسلامی و حقوق | ۲۰               |
| B <sup>۷</sup>  | مرد   | دکترای روانشناسی تربیتی    | ۲۲               |
| B <sup>۸</sup>  | مرد   | دکترای روانشناسی تربیتی    | ۳۴               |
| B <sup>۹</sup>  | زن    | دکترای روانشناسی بالینی    | ۱۲               |
| B <sup>۱۰</sup> | مرد   | دکترای روانشناسی خانواده   | ۱۱               |
| B <sup>۱۱</sup> | مرد   | دکترای روانشناسی تربیتی    | ۱۶               |
| B <sup>۱۲</sup> | زن    | دکترای اقتصاد              | ۲۳               |
| B <sup>۱۳</sup> | زن    | دکترای حقوق                | ۲۶               |

برای ارتقای اعتبار و پایایی یافته‌ها، از رویکردهای دقیق و جامعی استفاده شد. بدین منظور، ضمن بهره‌گیری از استراتژی‌های پیتی، تامسون و استیو<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۲) جهت تضمین اتکاپذیری، اطمینان‌پذیری، تصدیق‌پذیری و انتقال‌پذیری، از اصول نظریه

<sup>۱۳</sup>. Petty, Thomson, & Stew

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

زمینه‌ای چارمز<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۴) نیز به منظور تحلیل عمیق و ساختن نظریه از دل داده‌ها بهره گرفته شد. برای دستیابی به اتکاپذیری، فرآیند پژوهش، از جمله مراحل نمونه‌گیری، مصاحبه‌ها و کدگذاری، به صورت دقیق مستندسازی گردید. به منظور اطمینان‌پذیری، از روش‌های مثلث‌سازی داده‌ها (استفاده از مصاحبه‌های متعدد با شرکت‌کنندگان متنوع) و بازبینی اعضا (ارائه یافته‌ها به شرکت‌کنندگان جهت تایید) استفاده شد. جهت افزایش تصدیق‌پذیری، فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت شفاف و با استفاده از کدگذاری‌های چندگانه انجام شد و در نهایت، برای انتقال‌پذیری، توصیفات دقیق و جامعی از زمینه پژوهش، شرکت‌کنندگان و فرآیند تحقیق ارائه گردید. همچنین، با استفاده از رویکرد چارمز، تحلیل داده‌ها به صورت مداوم و با تاکید بر ساختن نظریه از دل داده‌ها انجام شد و نظریه‌های حاصل به صورت منظم بازبینی و اصلاح گردید. این اقدامات، ضمن افزایش دقت و اعتبار پژوهش، امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر زمینه‌های مرتبط را فراهم نمود.

## یافته‌ها

**جدول شماره ۲. چه راهکارهایی برای تعمیق بخشی ارزش‌های دینی و ملی در عصر دیجیتال وجود دارد؟**

| کد             | نمونه متن مصاحبه                                                                                                                                                      | کد اولیه                          | کد ثانویه                    |
|----------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------|------------------------------|
| B۲<br>B۶<br>B۹ | اولین کار آگاهی بخشیست چراکه تا وقتی زمینه لازم که همان آگاهی اولیه هست ایجاد نکنیم باقی کارها بی فایده است...                                                        | تقویت سواد رسانه‌ای در خانواده    | آگاهی‌بخشی و آموزش           |
| B۵<br>B۸       | ...آموزش نحوه تحلیل و ارزیابی محتواهای دیجیتال به کودکان و نوجوانان...                                                                                                |                                   |                              |
| B۸<br>B۱۳      | ...با آموزش درست به کودکان باید سبب بشویم که آنان بتوانند از بین اطلاعات مختلف، ارزش‌های درست و متناسب با فرهنگ دینی و ملی خود را انتخاب کنند                         |                                   |                              |
| B۵             | ...چون حوزه مربوط به خانواده است نباید صرفاً همه چیز برای آگاهی بخشیدن به کودکان باشد بلکه باید والدین و بزرگسالان را در نظر گرفت و برای آنان نیز برنامه‌هایی داشت... |                                   |                              |
| B۱۰            | آموزش به کودکان و نوجوانان برای انتخاب محتوای درست و متناسب با فرهنگ دینی و ملی خود از بین اطلاعات مختلف موجود در فضای مجازی.                                         |                                   |                              |
| B۱۱            | آموزش نحوه تحلیل و ارزیابی محتواهای دیجیتال به کودکان و نوجوانان و همچنین والدین، از اهمیت بالایی برخوردار است.                                                       |                                   |                              |
| B۱<br>B۴       | ...مدارس میتوانند در افزایش آگاهی هم کودکان و نوجوانان و هم والدین سهم قابل توجهی داشته باشد...                                                                       |                                   |                              |
| B۱<br>B۳<br>B۸ | ایجاد اپلیکیشن‌هایی که آموزش‌های دینی و ملی را به شیوه‌ای جذاب ارائه میدهند...                                                                                        | ساخت اپلیکیشن‌های آموزشی          | تولید و انتشار محتوای هدفمند |
| B۵<br>B۹       | ...توسعه برنامه‌های موبایلی که محتوای آموزشی و تفریحی مرتبط با ارزش‌های دینی و ملی را در اختیار خانواده‌ها قرار دهد...                                                |                                   |                              |
| B۹<br>B۱۱      | ...توسعه اپلیکیشن‌های تعاملی با محتوای دینی و ملی مثل داستان‌های قرآنی یا اسطوره‌های ملی که به صورت جذاب برای کودکان و نوجوانان طراحی شده باشد...                     |                                   |                              |
| B۵<br>B۱۲      | ... ساخت بازی‌ها و برنامه‌های سرگرم کننده که ارزش‌های دینی و ملی را به کودکان آموزش دهند...                                                                           | ساخت اپلیکیشن‌های آموزشی و تعاملی |                              |
| B۶             | طراحی و توسعه اپلیکیشن‌های تعاملی با محتوای دینی و ملی مانند داستان‌های قرآنی یا اسطوره‌های ملی به صورت جذاب برای کودکان و نوجوانان.                                  |                                   |                              |
| B۲             | ...طراحی برنامه‌هایی مثل پادکست مذهبی که ارزش‌های دینی و ملی را ترویج میدهند                                                                                          | ساخت پادکست مذهبی                 |                              |

<sup>۱۴</sup> Charmaz

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

|                                                   |                                                  |                                                                                                                                                                                                                            |                 |
|---------------------------------------------------|--------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|
|                                                   | تهیه کتاب های الکترونیکی                         | ...چون تکنولوژی سبب تسهیل کارها شده است و سطح دسترسی افزایش داده مثل کتاب های الکترونیکی میتوانیم از این راه استفاده کنیم و کتاب های مناسب تهیه کنیم...                                                                    | B۴              |
|                                                   | ایجاد شخصیت های برجسته انیمیشنی                  | ...حتی استفاده از انیمیشن های کوتاه و ایجاد شخصیت های شاخص کارتونی مثل سیاه ساکتی که سبب گسترش فرهنگ درست رانندگی کردن بود سبب می شود که نه تنها کودکان بلکه بزرگ سالان در جریان ایجاد شده همراه شوند و ارزش ها ارتقا یابد | B۵              |
|                                                   | برگزاری کلاس های آموزشی                          | ...همیشه کلاس ها و کارگاه های متعددی برگزار کرد...<br>...استفاده از برنامه و سایت آموزشی آنلاین برای برگزاری دوره های آموزشی در زمینه ارزش های دینی و ملی، که به خانواده ها کمک می کند تا با این مفاهیم آشنا شوند...       | B۱۲<br>B۱۲      |
| نقش والدین و خانواده و بهره گیری آنان از تکنولوژی | استفاده فعال توسط والدین                         | ...بهرتر است خود والدین از این فضا استفاده کنند و بجای رها سازی فرزندان خود و یا اینکه به طور کلی مانع استفاده کودکان از این فضا شوند محتوای سالم در اختیار آنان قرار دهند...                                              | B۵<br>B۹<br>B۱۳ |
|                                                   | بهره گیری والدین از تکنولوژی                     | والدین می توانند از فناوری های کنترل والدین برای محدود کردن دسترسی فرزندان به محتوای نامناسب و هدایت آنها به سمت محتوای سازنده استفاده کنند                                                                                | B۶              |
|                                                   | استفاده از شبکه های اجتماعی به شیوه ای کنترل شده | بهره گیری از فناوری های کنترل والدین برای محدود کردن دسترسی به محتوای نامناسب و هدایت کاربران به سمت محتوای سازنده.                                                                                                        | B۸              |
| نقش مدارس و نهادهای آموزشی                        | برگزاری کلاس های آموزشی                          | مدارس می توانند در افزایش آگاهی کودکان، نوجوانان و والدین نقش مؤثری داشته باشند و کلاس ها و کارگاه های آموزشی متعددی در این زمینه برگزار کنند.                                                                             | B۷              |
|                                                   | استفاده از برنامه ها و سایت های آموزشی آنلاین    | برگزاری دوره های آموزشی آنلاین در زمینه ارزش های دینی و ملی برای خانواده ها.                                                                                                                                               | B۱۰             |

با توجه به نتایج جدول ۱ نتایج سوال اول نشان می دهد که تکنولوژی، رسانه ها و فضای مجازی نقش دوگانه ای در این زمینه ایفا می کنند. از یک سو، می توانند ابزاری مؤثر برای ترویج و تعمیق این ارزش ها باشند و از سوی دیگر، چالش هایی جدی برای خانواده ها و نسل جوان ایجاد کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که خانواده به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در تربیت فرزندان و انتقال ارزش های دینی و ملی ایفا می کند. با این حال، در عصر دیجیتال، خانواده ها نیازمند آگاهی و آموزش کافی در زمینه سواد رسانه ای، نحوه استفاده صحیح از تکنولوژی و شیوه های فرزندپروری مناسب هستند. علاوه بر این، تولید محتوای دیجیتال هدفمند و جذاب، همکاری و هماهنگی بین خانواده، مدرسه، رسانه ها و دولت، و نیز تدوین قوانین و مقررات مناسب در فضای مجازی، از جمله عوامل کلیدی در تقویت ارزش های دینی و ملی در خانواده ها به شمار می روند. با بهره گیری از فرصت های موجود و غلبه بر چالش ها، می توانیم شاهد نسلی باشیم که با حفظ هویت دینی و ملی خود، در مسیر پیشرفت و تعالی گام برمی دارد.

جدول شماره ۳. رسانه های جمعی چگونه می توانند سبب ترویج فرصت ها در جهت تقویت ارزش های دینی و ملی در خانواده ها شوند

| کد                     | نمونه متن مصاحبه                                                                                                                | کد اولیه           | کد ثانویه                              |
|------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------|----------------------------------------|
| B۱<br>B۶<br>B۱۱<br>B۱۲ | ...رسانه ها به خاطر افزایشی تعاملات انسان ها جدا از مشکلاتی که میتواند ایجاد کنند میتوانند باعث شوند ارزش های ملی تقویت شوند... | تقویت ارزش های ملی | فرصت های ایجاد شده توسط رسانه های جمعی |

روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

|                              |                                 |                                                                                                                                                                              |                                                                                         |
|------------------------------|---------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------|
|                              | استفاده از اطلاعات مفید         | ...با استفاده از رسانه می‌توانیم اطلاعات زیادی به دست بیاوریم...                                                                                                             | B <sup>۲</sup><br>B <sup>۳</sup><br>B <sup>۵</sup><br>B <sup>۹</sup><br>B <sup>۱۱</sup> |
|                              | ارائه الگوهای مثبت در رسانه‌ها  | ...از طریق رسانه می‌توانیم شخصیت‌های ملی و مذهبی را برجسته‌سازی کنیم و ایجادالگو برای جامعه شویم...                                                                          | B <sup>۳</sup><br>B <sup>۸</sup><br>B <sup>۹</sup><br>B <sup>۱۲</sup>                   |
|                              | تولید برنامه‌های هدفمند         | ...تولید برنامه‌هایی که به بررسی موضوعات مرتبط با فرهنگ، تاریخ، دین و هویت ملی بپردازند...                                                                                   | B <sup>۲</sup><br>B <sup>۴</sup>                                                        |
|                              | پوشش خبری مثبت                  | ...تمرکز بر اخبار مثبت مرتبط با دستاوردها یا رویدادهای فرهنگی-ملی که حس افتخار را در جامعه تقویت کند...                                                                      | B <sup>۵</sup>                                                                          |
|                              | تشویق مشارکت عمومی              | ...ایجاد کمپین‌هایی که مردم را تشویق به مشارکت فعال در فعالیت‌های فرهنگی-ملی کند، مانند جشنواره‌ها یا مسابقات هنری...                                                        | B <sup>۶</sup>                                                                          |
| برجسته‌سازی الگوهای مثبت     | ارائه الگوهای مثبت در رسانه‌ها  | رسانه‌ها می‌توانند با پرداختن به زندگی و دستاوردهای شخصیت‌های ملی و مذهبی، الگوهای مثبت و الهام‌بخشی را برای جامعه، به ویژه جوانان، معرفی کنند.                              | B <sup>۱</sup>                                                                          |
|                              | ایجاد شخصیت‌های برجسته انیمیشنی | ساخت انیمیشن‌های جذاب و آموزنده با شخصیت‌های ملی و قهرمانان کشور، می‌تواند به ترویج ارزش‌های ملی در بین کودکان و نوجوانان کمک کند.                                           | B <sup>۷</sup>                                                                          |
| تولید و انتشار محتوای هدفمند | تولید برنامه‌های هدفمند         | تولید برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی که به بررسی موضوعات مرتبط با فرهنگ، تاریخ، دین و هویت ملی می‌پردازند، می‌تواند به افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی در این زمینه‌ها کمک کند. | B <sup>۴</sup>                                                                          |
|                              | تولید برنامه‌های گفتگو محور     | برنامه‌های گفتگو محور با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران در زمینه مسائل ملی و فرهنگی، می‌تواند به بحث و تبادل نظر در مورد این مسائل و ارائه راهکارهای مناسب کمک کند.             | B <sup>۷</sup>                                                                          |
|                              | تولید مستندهای تاریخی و فرهنگی  | ساخت مستندهای جذاب و آموزنده درباره تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم و دستاوردهای ملی، می‌تواند به تقویت حس غرور و تعلق ملی در بین مردم کمک کند.                                    | B <sup>۱۰</sup>                                                                         |
|                              | انتشار محتوای آموزشی            | رسانه‌ها می‌توانند محتواهای آموزشی و مستند درباره تاریخ و فرهنگ ملی و دینی منتشر کنند که به آگاهی خانواده‌ها و جوانان کمک کند.                                               | B <sup>۱۳</sup>                                                                         |
| قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی  | پوشش خبری مثبت                  | تمرکز بر اخبار مثبت مرتبط با دستاوردها یا رویدادهای فرهنگی-ملی که حس افتخار و غرور ملی را در جامعه تقویت می‌کند، می‌تواند به تقویت روحیه ملی و امید به آینده کمک کند.        | B <sup>۲</sup>                                                                          |
|                              | تشکیل گروه‌ها و صفحات اجتماعی   | ...ایجاد گروه‌ها و صفحات اجتماعی که در آن‌ها محتوای مثبت و آموزنده در زمینه ارزش‌های دینی و ملی به اشتراک گذاشته می‌شود...                                                   | B <sup>۷</sup>                                                                          |
|                              | تشکیل صفحات رسمی                | ...ایجاد صفحات رسمی در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام یا ایتا، روبیکا برای انتشار محتوای خلاقانه مبتنی بر ارزش‌ها مثل کلیپ‌های کوتاه...                                        | B <sup>۱۳</sup>                                                                         |

### روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

|                                 |                                                                 |                                                                                                                                                         |          |
|---------------------------------|-----------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------|
|                                 | برنامه‌های گفتگو محور                                           | ...تولید برنامه‌های تلویزیونی که به بحث و گفت‌وگو درباره ارزش‌های دینی و ملی اختصاص دارد و بینندگان را به مشارکت و تبادل نظر دعوت می‌کند...             | B۸       |
|                                 | انتشار محتوای آموزشی                                            | ...رسانه‌ها می‌توانند محتوای آموزشی و مستند درباره تاریخ و فرهنگ ملی و دینی منتشر کنند که به آگاهی خانواده‌ها کمک کند...                                | B۶<br>B۹ |
|                                 | پخش برنامه‌های آموزشی                                           | ...تولید برنامه‌های تلویزیونی باموضوعیت انقلاب و مناسبت‌های مذهبی...                                                                                    | B۱۰      |
|                                 | تبلیغات فرهنگی                                                  | ...پخش تیزرهای کوتاه با مضامین اخلاقی، دینی و ملی در ساعت‌های پربیننده...                                                                               | B۱۱      |
| استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی | ایجاد چالش                                                      | با ایجاد چالش‌های جذاب و خلاقانه در فضای مجازی، می‌توان ارزش‌های ملی و دینی را به شیوه‌ای نوین و جذاب در بین جوانان ترویج کرد                           | B۱       |
|                                 | تبلیغات فرهنگی                                                  | پخش تیزرهای کوتاه با مضامین اخلاقی، دینی و ملی در ساعت‌های پربیننده تلویزیون و فضای مجازی، می‌تواند به یادآوری و ترویج این ارزش‌ها در بین مردم کمک کند. | B۳       |
|                                 | پخش برنامه‌های آموزشی                                           | پخش برنامه‌های آموزشی در مناسبت‌های ملی و مذهبی، می‌تواند به افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی در این زمینه‌ها کمک کند.                                      | B۷       |
|                                 | تولید و پخش برنامه‌های مناسبتی در ایام و مناسبت‌های ملی و مذهبی | تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی جذاب در مناسبت‌های ملی و مذهبی، می‌تواند به تقویت حس تعلق و همبستگی ملی در بین مردم کمک کند.                           | B۱۱      |

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۳، رسانه‌ها با بهره‌گیری از راهکارهای گوناگون، نقش بسزایی در تقویت ارزش‌های ملی ایفا می‌کنند. این راهکارها شامل برجسته‌سازی الگوهای مثبت، تولید و انتشار محتوای هدفمند، پوشش خبری مثبت، تشویق مشارکت عمومی، استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، تبلیغات فرهنگی و برنامه‌های مناسبتی است. رسانه‌ها با پرداختن به زندگی و دستاوردهای شخصیت‌های ملی و مذهبی، می‌توانند الگوهای الهام‌بخشی را برای جامعه معرفی کنند. تولید برنامه‌های هدفمند و گفتگو محور، مستندهای تاریخی و فرهنگی، و انتشار محتوای آموزشی، به افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی در زمینه مسائل ملی و فرهنگی کمک می‌کند. پوشش خبری مثبت و تمرکز بر دستاوردها و رویدادهای غرورآفرین، حس افتخار و تعلق ملی را در جامعه تقویت می‌کند. تشویق مردم به مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و ملی، حس مسئولیت و تعلق به کشور را افزایش می‌دهد. استفاده از فضای مجازی و ایجاد چالش‌های جذاب و خلاقانه، به ترویج ارزش‌ها در بین جوانان کمک می‌کند. تبلیغات فرهنگی و پخش تیزرهای کوتاه با مضامین اخلاقی و ملی، به یادآوری و ترویج این ارزش‌ها در بین مردم کمک می‌کند. در نهایت، تولید و پخش برنامه‌های مناسبتی در ایام و مناسبت‌های ملی و مذهبی، به تقویت حس همبستگی و اتحاد ملی کمک می‌کند. با استفاده از این راهکارها و تلفیق آنها با روش‌های نوین و خلاقانه، رسانه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در تقویت ارزش‌های ملی در جامعه ایفا کنند و به ساخت جامعه‌ای پویا، متحد و سربلند کمک کنند.

جدول شماره ۴. چگونه با استفاده از فیلم‌ها و تولیدات سینمایی می‌توانیم سبب ترویج ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌ها شویم

| کد                                 | نمونه متن مصاحبه                                                              | کد اولیه           | کد ثانویه                                       |
|------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------|--------------------|-------------------------------------------------|
| B۲<br>B۳<br>B۷<br>B۹<br>B۱۰<br>B۱۳ | ...از طریق فیلم و انیمیشن می‌توان مفاهیم را به شکل عمیق در مخاطب ایجاد کرد... | تاثیرگذاری درمخاطب | اهمیت و ضرورت استفاده از فیلم و تولیدات سینمایی |

# روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

|                                                                       |                                                                                                                                                                                                      |                                                     |
|-----------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------|
| B <sup>۳</sup><br>B <sup>۵</sup><br>B <sup>۶</sup><br>B <sup>۱۲</sup> | ...خب فیلم و سریال ها مقبولیت بیشتر و عوام پسند هستند در نتیجه...                                                                                                                                    | مقبولیت بیشتر در جامعه                              |
| B <sup>۲</sup>                                                        | سریال ها و انیمیشن ها برای کودکان بسیار جذاب هستند و می توان از آنها برای یاد دادن ارزش های ملی و مذهبی به کودکان استفاده کرد.                                                                       | جذابیت برای کودکان                                  |
| B <sup>۴</sup><br>B <sup>۶</sup>                                      | ...سریالها و انیمیشن ها برای کودکان بسیار جذاب هستند و میتوانم از آنان برای یاد دادن ارزش های ملی و مذهبی استفاده کنیم...                                                                            | راه انتقال ارزش ها به کودکان                        |
| B <sup>۱</sup>                                                        | ...همان طور که گفتیم ایجاد فیلم ها و انیمیشن هایی که داستان های جذابی داشته باشند و در عین حال مفاهیم دینی و ملی را آموزش دهند بسیار ثمر بخش است...                                                  | افزایش تمریخی                                       |
| B <sup>۵</sup>                                                        | ...پدر و مادر میتوانند مثلا انیمیشن یا فیلم خاصی انتخاب کنند و با فرزندان به تماشای آن بنشینند و پس از آن به تحلیل مفاهیم بردارند البته قبل این اتفاقات باید فیلم هایی راچوب این موضوع ساخته شوند... | ایجاد جلسات خانوادگی برای تماشای فیلم های ارزش محور |
| B <sup>۱۲</sup>                                                       | ...مثلا والدین میتوانند فرزندانشون رو به سینما ببرن تا باهم فیلم های خوب را تماشا کنند...                                                                                                            | همراه شدن والدین برای دیدن فیلم های سینمایی         |
| B <sup>۶</sup><br>B <sup>۱۰</sup><br>B <sup>۱۳</sup>                  | ...ایجاد مستندات مربوط به شخصیت های برجسته ملی میتواند مفید باشد چون مردم با نحوه زندگی و رفتار ان فرداشنا میشوند...                                                                                 | ساخت مستندهایی مربوط به شخصیت های برجسته            |
| B <sup>۷</sup><br>B <sup>۱۰</sup>                                     | ...ساخت فیلم هایی با داستان هایی که بر اساس رویدادهای مهم کشور ساخته شده اند تا حس افتخار ملی را تقویت کنند...                                                                                       | ساخت فیلم بر اساس رویدادهای واقعی                   |
| B <sup>۷</sup>                                                        | ...ساخت فیلم هایی با داستان هایی که بر اساس شخصیت های تاریخی مهم کشور ساخته شده اند تا حس افتخار ملی را تقویت کنند...                                                                                | تهیه فیلم بر مبنای شخصیت های برجسته                 |
| B <sup>۹</sup>                                                        | ...تولید فیلم هایی که شخصیت های اصلی آنها الگوهای مثبتی از لحاظ اخلاقی، دینی یا فرهنگی باشند تا مخاطبان بتوانند با آنها همدان پنداری کنند...                                                         | نمایش الگوهای مثبت                                  |
| B <sup>۱۰</sup>                                                       | ...برگزاری جشنواره هایی که در آنها آثار سینمایی با موضوعات دینی و ملی نمایش داده می شود و بحث و تبادل نظر در مورد آنها انجام می گیرد...                                                              | برگزاری جشنواره های فیلم                            |
| B <sup>۱۱</sup>                                                       | ...استفاده از بازیگران و شخصیت های معروف که به ارزش های دینی و ملی پایبند هستند، برای ترویج این ارزش ها از طریق فیلم ها...                                                                           | استفاده از شخصیت های محبوب                          |
| B <sup>۱۲</sup>                                                       | ...ساخت آثاری با محوریت همبستگی خانوادگی، احترام به والدین، و پایبندی به آیین های ملی که برای تمام سنین جذاب باشد...                                                                                 | تولید اثرات سینمایی ارزش محور                       |
| B <sup>۱۳</sup>                                                       | ...چون هدف ما گسترش ارزش های مذهبی و ملی خانواده ها است در نتیجه باید گروه سنی مختلفی در نظربگیریم پس بهتره مستنداتی برای مخصوص قشر بزرگسال بسازم...                                                 | فراهم کردن مستندات براساس گروه های سنی              |

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۴، می توان نتیجه گرفت که فیلم ها و تولیدات سینمایی به عنوان ابزاری قدرتمند، ظرفیت بالایی برای ترویج ارزش های دینی و ملی در خانواده ها دارند. این رسانه با جذابیت و تأثیرگذاری عمیق خود، می تواند مفاهیم ارزشی را به شیوه ای مؤثر به مخاطبان، به ویژه کودکان و نوجوانان، منتقل کند. خانواده ها با ایجاد جلسات خانوادگی برای

### روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

تماشای فیلم‌های ارزش‌محور و همراهی فرزندان در انتخاب و تماشای فیلم‌های سینمایی مناسب، می‌توانند نقش مهمی در بهره‌گیری از این ظرفیت ایفا کنند. علاوه بر این، ساخت مستندهایی درباره شخصیت‌های برجسته ملی، فیلم‌هایی بر اساس رویدادهای واقعی و شخصیت‌های تاریخی، و نیز نمایش الگوهای مثبت در فیلم‌ها، می‌تواند به تقویت حس افتخار ملی و ترویج ارزش‌های اخلاقی، دینی و فرهنگی در بین مخاطبان کمک کند. برگزاری جشنواره‌های فیلم با موضوعات دینی و ملی و استفاده از شخصیت‌های محبوب در فیلم‌ها نیز از دیگر راهکارهای مؤثر برای ترویج این ارزش‌ها از طریق سینما است. در نهایت، با توجه به اهمیت گروه‌های سنی مختلف، تولید مستندات و فیلم‌های مناسب برای گروه‌های سنی مختلف، از جمله بزرگسالان، نیز ضروری است.

جدول شماره ۵. خانواده‌ها چگونه می‌توانند چالش‌هایی که به خاطر فناوری و تکنولوژی به وجود آمده است را به عنوان فرصتی برای تقویت ارزش‌های دینی و ملی استفاده کنند

| کد                     | نمونه متن مصاحبه                                                                                                                                                       | کد اولیه                                           | کد ثانویه                                                 |
|------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------|
| B۱<br>B۶               | ...به جای منع کامل والدین می‌توانند با تعیین قوانین مشخص و ارائه جایگزین‌های جذاب، از فناوری به شیوه‌ای مفید استفاده کنند...                                           | تعیین قوانین و مقررات                              | مدیریت، کنترل و هدایت هوشمندانه استفاده از تکنولوژی       |
| B۸<br>B۱۱              | ...خانواده‌ها می‌توانند زمان‌های مشخصی را برای استفاده از تکنولوژی تعیین کنند تا به جای آن، فعالیت‌های معنوی و فرهنگی را در کنار هم انجام دهند...                      | برای استفاده از فناوری                             |                                                           |
| B۹                     | خانواده‌ها می‌توانند زمان‌های مشخصی را برای استفاده از تکنولوژی تعیین کنند و در سایر اوقات به فعالیت‌های معنوی و فرهنگی، گفت‌وگو و تعامل با یکدیگر بپردازند.           | تعیین زمان‌های مشخص برای استفاده از تکنولوژی       |                                                           |
| B۱۱                    | ...بهره‌گیری از نرم‌افزارها و ابزارهای فیلترینگ محتوا که به والدین اجازه می‌دهد محتوای مناسب برای کودکان خود انتخاب کنند و از دسترسی به محتوای نامناسب جلوگیری کنند... | فیلتر محتوا                                        |                                                           |
| B۱۳                    | ...باید والدین بر فعالیت‌های آنلاین فرزندان نظارت داشته باشند...                                                                                                       | نظارت فعال                                         |                                                           |
| B۲<br>B۹               | ...تشکیل گروه‌های خانوادگی در پیام‌رسان‌ها برای تبادل مفاهیم دینی و ملی یا برنامه‌ریزی جلسات مجازی برای گفت‌وگو در باره ارزش‌های ملی و مذهبی...                        | استفاده از فضای مجازی برای تعاملات خانوادگی و دینی | راهکارهای پیشبرد فعالیت‌های خانوادگی در جهت تعمیق ارزش‌ها |
| B۲                     | ...تشکیل گروه با اعضای فعال که در مسجد اینگونه تعاملشون با افرادی است که عملشان سبب تقویت ارزش‌های مدنظرمون میشوند...                                                  |                                                    |                                                           |
| B۳<br>B۵<br>B۱۳        | آموزش به فرزندان برای تحلیل و تشخیص محتواهای نامناسب و تقویت حس مسئولیت‌پذیری نسبت به اطلاعات دریافتی.                                                                 | تقویت مهارت تفکر انتقادی در برابر محتواهای نامناسب |                                                           |
| B۵<br>B۸<br>B۱۱<br>B۱۲ | ...خانواده با حضور خود و تشویق فرزندان در شرکت در رویداد مذهبی و ملی سبب ارتقا سطح کودکان میشوند...                                                                    | تشویق مشارکت در رویدادهای فرهنگی و مذهبی           |                                                           |
| B۸                     | ...خانواده‌ها می‌توانند با تولید محتوای مثبت و آموزنده در فضای مجازی، الگوی خوبی برای دیگران باشند و ارزش‌های دینی و ملی را ترویج دهند...                              | تولید محتوا توسط خانواده                           |                                                           |
| B۹                     | ...استفاده از بازی‌های آنلاین یا اپلیکیشن‌هایی که اعضای خانواده را به انجام مراسم دینی مثل قرائت جمعی قرآن تشویق می‌کند...                                             | فعالیت‌های مشترک دیجیتال                           |                                                           |
| B۱۱                    | ...والدین کودکان خود را بجای استفاده از فضای مجازی به شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی تشویق کنند...                                                                  | تشویق به انجام فعالیت‌ها فرهنگی و مذهبی            |                                                           |
| B۱                     | ...همچنین گفتن خاطرات مربوط به مراسمات مذهبی و ملی برای ایجاد علاقه در کودکان مهم است...                                                                               | ایجاد محیط گفتگو محور در خانواده                   |                                                           |

### روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

|  |  |                                                                                                                                                                 |                                                     |
|--|--|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------|
|  |  | ...ایجاد فضایی برای گفت‌وگو درباره چالش‌ها و فرصت‌هایی که تکنولوژی فراهم می‌کند تا اعضای خانواده بتوانند نظرات خود را بیان کرده و راهکارهایی مشترک پیدا کنند... | B <sup>۷</sup><br>B <sup>۱۰</sup>                   |
|  |  | ...با گفت‌وگو و همدلی، خانواده‌ها می‌توانند فضایی ایجاد کنند که اعضا با خیال راحت درباره چالش‌های پیش رو صحبت کرده و راه‌حل‌های مناسب پیدا کنند...              | B <sup>۴</sup><br>B <sup>۷</sup><br>B <sup>۱۳</sup> |

براساس نظرات افراد مصاحبه شده، انجام اقدامات لازم در جهت کنترل و هدایت هوشمندانه استفاده از تکنولوژی نظیر تعیین قوانین و مقررات برای استفاده از فناوری، فیلتر محتوا و نظارت فعال در راستای تقویت ارزش‌های دینی و ملی موثر است همچنین استفاده از فضای مجازی برای تعاملات خانوادگی و دینی، تقویت مهارت تفکر انتقادی در برابر محتواهای نامناسب، تشویق مشارکت در رویدادهای فرهنگی و مذهبی، تولید محتوا توسط خانواده، فعالیت‌های مشترک دیجیتال، تشویق به انجام فعالیت‌ها فرهنگی و مذهبی و ایجاد محیط گفت‌وگو محور در خانواده از جمله راهکارهای پیشبرد فعالیت‌های خانوادگی در جهت تعمیق ارزش‌ها محسوب می‌گردد.

#### جدول شماره ۶. دولت چه نقشی در راستای تقویت ارزش‌های دینی و ملی خانواده می‌تواند داشته باشد؟

| کد                                                                                       | نمونه متن مصاحبه                                                                                                                                                                                     | کد اولیه                                | کد ثانویه                       |
|------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------|---------------------------------|
| B <sup>۱</sup>                                                                           | دولت می‌تواند با فراهم‌سازی بودجه مختص فعالیت‌های فرهنگی، به برگزاری رویدادها، جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی که به ترویج ارزش‌های دینی و ملی می‌پردازند، کمک کند.                                   | فراهم‌سازی بودجه برای فعالیت‌های فرهنگی | حمایت مالی و بودجه‌ای توسط دولت |
| B <sup>۲</sup>                                                                           | دولت می‌تواند با تدوین سیاست‌هایی که حمایت مالی لازم را برای پروژه‌ها یا برنامه‌هایی که هدفشان ترویج این ارزش‌هاست فراهم کند، به تقویت بنیان خانواده و ترویج ارزش‌های دینی و ملی کمک کند.            | برنامه‌ریزی مالی توسط دولت              |                                 |
| B <sup>۴</sup><br>B <sup>۶</sup><br>B <sup>۹</sup><br>B <sup>۱۱</sup><br>B <sup>۱۳</sup> | دولت می‌تواند با تأمین مالی برای انجام تمامی فعالیت‌هایی که مربوط به تقویت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده است، به نهادها و سازمان‌های فعال در این زمینه کمک کند.                                     | تامین بودجه                             |                                 |
| B <sup>۳</sup>                                                                           | تدوین سیاست‌هایی که حمایت مالی لازم را برای پروژه‌ها یا برنامه‌هایی فراهم کند که هدفشان ترویج این ارزش‌هاست...                                                                                       | سیاست گذاری حمایتی                      |                                 |
| B <sup>۸</sup>                                                                           | دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در سیستم آموزشی کشور و گنجاندن مباحث مرتبط با فرهنگ، تاریخ، دین و هویت ملی در برنامه تحصیلی مدارس، به تربیت نسل آینده‌ای آگاه و پایبند به ارزش‌های ملی و دینی کمک کند. | سرمایه‌گذاری در سیستم آموزشی            |                                 |
| B <sup>۱</sup>                                                                           | ...مثلا در بخش فیلم و سینمای که گفتم میتوان بخشی که متعلق با دولت است همکاری با کارشناسان دینی و فرهنگی برای اطمینان از صحت محتوای ارائه شده در فیلم‌ها داشته باشند...                               | همکاری با متخصصان                       | حمایت های دولت                  |
| B <sup>۶</sup>                                                                           | ...در همین امر تولیدات سینمایی باید از اثراتی که محتوای مربوط به ارزش ها دارند حمایت شود و حتی پیش زمینه لازم برای ساخت اینگونه آثار فراهم شود...                                                    | حمایت از تولید محتوا                    |                                 |
| B <sup>۵</sup><br>B <sup>۷</sup><br>B <sup>۱۳</sup>                                      | ...باید به شکل خاص از نهاد های مرتبط حمایت کرد...                                                                                                                                                    | حمایت از نهادهای فرهنگی                 |                                 |
| B <sup>۸</sup><br>B <sup>۱۰</sup><br>B <sup>۱۲</sup>                                     | ...ایجاد سیاست‌های آموزشی که در آن‌ها به ارزش‌های دینی و ملی توجه ویژه‌ای شود و در برنامه‌های درسی گنجانده...                                                                                        | تدوین سیاست‌های آموزشی                  |                                 |

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

|     |                                                                                                                                            |                              |
|-----|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------|
| B۹  | دولت می‌تواند با برگزاری رویدادهای ملی و دینی، فرصتی برای خانواده‌ها فراهم کند تا در این فعالیت‌ها شرکت کنند و ارزش‌های خود را تجدید کنند. | برگزاری رویدادهای ملی و دینی |
| B۱۱ | قوانین و مقررات مناسب برای مقابله با محتوای مضر و نامناسب در فضای مجازی و حمایت از حقوق کودکان و خانواده‌ها در این فضا.                    | تدوین قوانین و مقررات تدوین  |

با توجه به نتایج جدول ۶، دولت با اتخاذ رویکردهای گوناگون، می‌تواند نقش بسیار مهمی در تقویت ارزش‌های دینی و ملی خانواده ایفا کند. این نقش‌آفرینی از طریق حمایت‌های مالی و بودجه‌ای، سرمایه‌گذاری در آموزش، همکاری با متخصصان، حمایت از تولید محتوا، پشتیبانی از نهادهای فرهنگی، تدوین سیاست‌های آموزشی مؤثر، برگزاری رویدادهای ملی و دینی و تدوین قوانین و مقررات کارآمد در فضای مجازی، قابل تحقق است. به طور مشخص، دولت با تخصیص بودجه و حمایت مالی از برنامه‌ها و پروژه‌های مرتبط با ترویج ارزش‌ها، می‌تواند زمینه را برای فعالیت‌های مؤثر در این زمینه فراهم کند. سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی و گنجاندن مباحث مرتبط با ارزش‌ها در برنامه‌های درسی، به تربیت نسل آینده‌ای آگاه و پایبند به هویت ملی و دینی کمک می‌کند. همکاری با متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه‌های فرهنگی و دینی، از صحت و دقت محتوای ارائه شده اطمینان حاصل می‌کند. حمایت از تولید محتوای باکیفیت و جذاب در قالب فیلم، سریال، انیمیشن و سایر محصولات فرهنگی، به ترویج ارزش‌ها در بین اقشار مختلف جامعه کمک می‌کند. علاوه بر این، حمایت از نهادهای فرهنگی و مردم‌نهادها فعال در این عرصه، به تقویت و گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری مرتبط با ارزش‌ها منجر می‌شود. تدوین سیاست‌های آموزشی جامع و کارآمد، مسیر را برای تربیت نسلی آگاه و مسئولیت‌پذیر هموار می‌کند. برگزاری رویدادهای ملی و مذهبی، فرصتی برای تجدید و تقویت ارزش‌ها در سطح جامعه فراهم می‌کند. در نهایت، تدوین قوانین و مقررات مناسب در فضای مجازی، از خانواده‌ها و جوانان در برابر محتوای مضر و نامناسب محافظت می‌کند. با اجرای هماهنگ و هوشمندانه این راهکارها، دولت می‌تواند نقش بی‌بدیلی در تقویت ارزش‌های دینی و ملی خانواده ایفا کند و به ساخت جامعه‌ای پویا، متحد و سربلند کمک کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها، استفاده از تکنولوژی نقش قابل توجهی بر ارزش‌ها دارد و با استفاده از آن می‌توانیم محیط مناسبی جهت تعمیق بخشی ارزش‌ها ایجاد کنیم که این نتیجه با پژوهش آل زمان (۲۰۲۲) منطبق است. از سری داده‌های جدید مربوط به استفاده از تکنولوژی می‌توانیم به تولید محتوای دیجیتال هدفمند من جمله: ساخت اپلیکیشن، طراحی بازی، ساخت پادکست مذهبی، تهیه کتاب‌های الکترونیکی، ایجاد شخصیت‌های برجسته انیمیشنی و برگزاری کلاس‌های آموزشی اشاره کرد علاوه بر این بهره‌گیری والدین در تکنولوژی مانند نظارت و استفاده فعال و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به شیوه‌ای کنترل شده می‌تواند سودبخش باشد. رسانه‌های جمعی از عوامل دیگری بودند که بررسی شد، براساس نتایج اینترنت و رسانه‌های جمعی نقش چشمگیری در ارزش‌ها دارند که با این داده با پژوهش ملکی و همکاران (۱۴۰۰) در ارتباط است. علاوه بر این استفاده از رسانه‌های جمعی در افزایش سطح معلومات از یافته‌های دیگر پژوهش بود که با تحقیق گلجائی و ستوده (۱۳۹۶) در یک راستا است علاوه بر این وجود چالش‌ها در فضای مجازی می‌تواند در جذب اعضای خانواده در فعالیت‌های مذهبی و ملی نقش داشته باشد که با نتیجه دارایی و قربانی (۱۴۰۲) هم سویی دارد. البته استفاده از اطلاعات مفید، ارائه الگوهای مثبت در رسانه‌ها، تولید برنامه‌های هدفمند، پوشش خبری مثبت و همچنین تشکیل گروه‌ها و صفحات اجتماعی و تشکیل صفحات رسمی جز راهکارهای نوین محسوب می‌شود ضمناً برنامه‌های گفت‌وگو محور، پخش برنامه‌های آموزشی و تبلیغات فرهنگی توسط صدا و سیما زمینه‌های جدیدی را می‌تواند ایجاد کند. از دیگر داده‌های به دست آمده مربوط به فیلم‌ها و مستندات سینمایی است. این عوامل نقش بسیاری برای تعمیق بخشی ارزش‌های دینی و ملی ایفا می‌کنند که با نظر هونام و همکاران (۲۰۲۲) سازگار است افزون بر این براساس داده‌های پژوهش، ساخت مستندهایی مربوط به شخصیت‌های برجسته، ساخت فیلم بر اساس رویدادهای واقعی، تهیه فیلم برمبنای شخصیت‌های برجسته، نمایش الگوهای مثبت، برگزاری جشنواره فیلم، استفاده از شخصیت‌های محبوب، تولید اثرات سینمایی ارزش‌محور و فراهم کردن مستندات براساس گروه‌های سنی جز راهکارهای تعمیق بخشی ارزش‌ها محسوب می‌شود.

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

خانواده از دیگر عناصر مهم در تعمیق‌بخشی ارزش‌ها در نظر گرفته شده بود. پس از بررسی یافته‌ها، به این نتیجه رسیدیم که انجام اقدامات لازم در جهت کنترل و هدایت هوشمندانه استفاده از تکنولوژی نظیر تعیین قوانین و مقررات برای استفاده از فناوری، فیلتر محتوا و نظارت فعال در راستای تقویت ارزش‌های دینی و ملی موثر است همچنین استفاده از فضای مجازی برای تعاملات خانوادگی و دینی، تقویت مهارت تفکر انتقادی در برابر محتوای نامناسب، تشویق مشارکت در رویدادهای فرهنگی و مذهبی، تولید محتوا توسط خانواده، فعالیت‌های مشترک دیجیتال، تشویق به انجام فعالیت‌ها فرهنگی و مذهبی و ایجاد محیط گفت‌وگو محور در خانواده از جمله راهکارهای پیشبرد فعالیت‌های خانوادگی در جهت تعمیق ارزش‌ها محسوب می‌گردد. علاوه بر این موارد دولت جز نقش‌های مهم برشمرده شد. سیاست گذاری حمایتی، تامین بودجه، فراهم سازی بودجه برای فعالیت‌های فرهنگی، سرمایه گذاری در حوزه آموزشی جز مهم ترین اقدامات دولت در راستای نقش بر تقویت ارزش‌های ملی و دینی در خانواده در نظر گرفته شد. البته دولت‌ها اقدامات دیگری مانند همکاری با متخصصان، حمایت از تولید محتوا، حمایت از نهادهای فرهنگی، تدوین سیاست‌های آموزشی و برگزاری رویدادهای ملی می‌توانند انجام دهند.

مهم ترین عامل در به کارگیری تکنولوژی، رسانه‌های جمعی و فیلم و تولیدات سینمایی خانواده‌ها محسوب می‌شوند حتی با سیاست گذاری‌های صحیح دولت، اگر والدین نتوانند از این ابزارها به درستی استفاده کنند، چالش‌های عصر حاضر تشدید خواهند شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر راهکارهای ارائه‌شده حول محوریت فعالیت خانواده‌ها است، که این موضوع اهمیت نقش خانواده را در تعمیق‌بخشی ارزش‌های دینی و ملی برجسته می‌کند. این نتیجه با یافته‌های نادری و همکاران (۱۴۰۱) و ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۹۲) هم‌سو است. والدین باید از نقش موثر خود آگاه باشند تا بتوانند از راهکارها در راستای رسیدن به اهداف استفاده کنند در اینجا نقش دولت‌ها بسیار حیاتی است، چراکه می‌توانند با ایجاد برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، آگاهی والدین را افزایش دهند و زمینه را برای تقویت ارزش‌ها فراهم کنند. بر طبق یافته‌ها، اقداماتی مانند برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، حمایت از تولیدات سینمایی هدفمند و ایجاد برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها از جمله سیاست‌هایی است که دولت می‌تواند در این راستا اتخاذ کند.

در نهایت پژوهش حاضر نشان داد که در عصر دیجیتال، تقویت و تربیت ارزش‌های دینی و ملی در خانواده‌های ایرانی نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه است. خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی، باید با افزایش آگاهی و سواد رسانه‌ای، نظارت آگاهانه و ایجاد فضاهای گفت‌وگوی خانوادگی، نقش محوری خود را ایفا کند. رسانه‌ها، به‌ویژه سینما، با تولید محتوای هدفمند و الگوهای مثبت، می‌توانند ارزش‌ها را به شیوه‌ای جذاب و مؤثر منتقل کنند. دولت نیز با حمایت‌های مالی، سرمایه‌گذاری در آموزش، تدوین قوانین و مقررات مناسب در فضای مجازی، و همکاری با متخصصان، زمینه را برای تقویت این ارزش‌ها فراهم کند. در نهایت، همکاری و هماهنگی بین این سه نهاد، همراه با کنترل و هدایت هوشمندانه استفاده از تکنولوژی، می‌تواند به تربیت نسلی آگاه و پایبند به هویت دینی و ملی منجر شود.

## منابع:

- ابوالقاسمی، محمود، نوروزی، عباسعلی، و طالب زاده نوبریان، محسن. (۱۳۹۲). تاثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده: از منظر هویت دینی و ملی. مطالعات ملی، ۱۴(۳)، ۲۴-۳. SID. <https://sid.ir/paper/470081/fa>
- امیری، س (۱۴۰۱). بررسی نقش روابط عاطفی بین فرزندان و والدین در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی. مجله خانواده درمانی کاربردی، ۴(۳)، ۵۶۸-۵۴۸. doi: 10.22034/afj.2024.390748,2039
- تاک، افتخاری، راهله، قراعی‌نژاد و، کبری. (۱۴۰۲). اینترنت به منزله ی چالش یا فرصت در نظام آموزشی ایران. کنفرانس ملی مدیریت، روان شناسی و علوم رفتاری، ۶(۶)، ۱۴۵۷-۱۴۶۶.
- دارابی، معصومه و قربانی، محمد مهدی. (۱۴۰۳). فرصت‌ها و چالش‌های دین در رسانه‌های نوین با تأکید بر اینستاگرام. مطالعات دینی رسانه، ۶(۲۱)، ۱۴۲-۱۶۹. doi: 10.22034/jmrs.2024,208100
- سلمانی اردانی، محمدعلی. (۱۴۰۱). تاثیر ارزش‌های دینی. معنوی بر توسعه برنامه درسی هویت ساز دینی ادراک شده) مورد مطالعه دیدگاه دبیران متوسطه شهر اصفهان. (۱)، ۱-۱۱.

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

- شریفی زارچی، رضوانی، سیده زینب. (۱۳۹۸). تحکیم خانواده از منظر اسلام در فرایند جهانی شدن، چالش‌ها و راهکارها. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. ۸(۴)، ۳۹-۸۷.
- قائدرحمته، تبار، ت. (۱۴۰۱). تبیین رابطه آموزش سواد رسانه ای با خلاقیت و توسعه یادگیری الکترونیکی دانش آموزان (مطالعه موردی: شهر دورود). دانش شناسی، ۱۵(۵۷)، ۶۲-۷۳.  
<https://dorl.net/dor/۲۰,۱۰۰۱,۱,۲۰۰۸۲۷۵۴,۱۴۰۱,۱۵,۵۷,۵,۱>
- ملکی، امیر، عباسی، آمنه، صادقی، رسول، و بالاخانی، قادر. (۱۴۰۰). تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر ارزش های خانوادگی در ایران. مطالعات ملی، ۲۲(۴ پایانی ۸۸)، ۱۶۳-۱۸۵. SID. <https://sid.ir/paper/۴۱۳۵۱۶/fa>
- موردی: شهر دورود. دانش شناسی، ۱۵(۵۱) ۶۸-۱۰.  
<https://dorl.net/dor/۲۰,۱۰۰۱,۱,۲۰۰۸۲۷۵۴,۱۴۰۱,۱۵,۵۷,۵,۱>
- نادری، مژگان، حسینی، سیدحمید، و شرعیاتی، فاطمه. (۱۴۰۱). بررسی عوامل تقویت و تثبیت جایگاه خانواده و تاثیر آن بر تعالی جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶(۳)، ۴۲-۵۳. SID. <https://sid.ir/paper/۱۱۱۵۴۹۱/fa>
- نوری گلجائی، عبدالله و ستوده، محمد. (۱۳۹۶). راهبردهای استفاده از فرصت‌ها، کنترل و کاهش تهدیدهای سیاسی جهان اسلام از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. علوم سیاسی. ۲۰(شماره ۷۹ - پاییز ۹۶).
- نیازی محسن، مزروعی اسماعیل و، آقابزرگی زاده شیوا. (۲۰۲۱). تدوین سناریوهای آینده ارزش های خانواده در ایران با استفاده از سناریو ویزارد. ۱۸(۱۰)، ۸۹-۸۳.

- Abdollahi E, Taher M. The Effectiveness of Parenting Skills Training on Emotional-Behavioral Problems and Parent-Child Relationships. J Child Ment Health ۲۰۲۰; ۶ (۴): ۲۹۰-۳۰۴. URL: <http://childmentalhealth.ir/article-۱-۷۰۶-en.html>
- Al-Zaman, M. S. (۲۰۲۲). Social mediatization of religion: islamic videos on YouTube. Heliyon, ۸(۳).
- Bozzola, E., Spina, G., Agostiniani, R., Barni, S., Russo, R., Scarpato, E., & Staiano, A. (۲۰۲۲). The use of social media in children and adolescents: Scoping review on the potential risks. International journal of environmental research and public health, ۱۹(۱۶), ۹۹۶۰.
- Charmaz, K. (۲۰۱۴). Constructing grounded theory. Sage.
- Criollo-C, S., Guerrero-Arias, A., Jaramillo-Alcázar, Á., & Luján-Mora, S. (۲۰۲۱). Mobile learning technologies for education: Benefits and pending issues. Applied Sciences, ۱۱(۹), ۴۱۱۱.
- Hanum, A. M., Simanjuntak, M. B., Mayuni, I., & Zuriyati, Z. (۲۰۲۲, May). The meaning of family love in family film. In Prosiding Seminar Nasional Inovasi Pendidikan.
- Kaplan, İ., & Yuksel, A. H. (۲۰۲۳). Religious Language on Social Media: Perspectives of Content Producers and Users. Journal of Media and Religion Studies, ۶(۲), ۱۶۷-۱۸۵. <https://doi.org/۱۰,۴۷۹۵۱/mediad.۱۳۹۳۸۵۰>
- Karim, S., Choukas-Bradley, S., Radovic, A., Roberts, S. R., Maheux, A. J., & Escobar-Viera, C. G. (۲۰۲۲). Support over social media among socially isolated sexual and gender minority youth in rural US during the COVID-۱۹ pandemic: opportunities for intervention research. International Journal of Environmental Research and Public Health, ۱۹(۲۳), ۱۵۶۱۱.
- Kim, S. S., & Kim, S. S. (۲۰۲۱). Perceived values of TV drama, audience involvement, and behavioral intention in film tourism. In Visual Media and Tourism (pp. ۵۱-۶۴). Routledge.
- Muftah, M. (۲۰۲۴). Impact of social media on learning English language during the COVID-۱۹ pandemic. PSU Research Review, ۸(۱), ۲۱۱-۲۲۶.

- Noviana, D. A., & Simanjuntak, M. B. (۲۰۲۲). Representation of The Impact Of Social Gap That Affects Moral Values In The Film " Parasite". LITERACY: International Scientific Journals of Social, Education, Humanities, ۱(۲), ۶۹-۸۲.
- Petty, N. J., Thomson, O. P., & Stew, G. (۲۰۱۲). Ready for a paradigm shift? Part ۲: Introducing qualitative research methodologies and methods. Manual therapy, ۱ ۱۷(۵), ۳۷۸-۳۸۴.
- Qorib, M., & Afandi, A. (۲۰۲۴). Implementing prophetic values in the islamic life guidelines for Muhammadiyah citizens: A qualitative analysis for transforming science and technology. MIQOT: Jurnal Ilmu-ilmu Keislaman, ۴۸(۱), ۱-۲۴.
- Sujarwoto, Saputri, R. A. M., & Yumarni, T. (۲۰۲۳). Social media addiction and mental health among university students during the COVID-۱۹ pandemic in Indonesia. International journal of mental health and addiction, ۲۱(۱), ۹۶-۱۱۰.

## The Role of the Spiritual Teachings of Ahl al-Bayt (AS) in Enhancing Family Resilience in the Face of Social Crises: A Comparative Study with Family Psychology Theories

نقش آموزه‌های معنوی اهل بیت علیهم‌السلام در بهبود تاب‌آوری خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی: مطالعه تطبیقی با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده

محمد معرفت    استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### Abstract

The present study aims to analyze the role of the spiritual teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) in enhancing family resilience in the face of social crises and to compare these teachings with family psychology theories. Utilizing a qualitative methodology and employing thematic analysis techniques, this research conducts a comparative examination of resilience components within the teachings of the Ahl al-Bayt (p.b.u.t) and contemporary theories of family psychology. Through a systematic review of Hadith sources and specialized literature in family psychology, the study identifies both shared and distinctive components of these two approaches. The findings indicate that while the teachings of the Ahl al-Bayt (p.b.u.t) share common elements with psychological theories—such as attributing meaning to crises, strengthening family communication, and utilizing support resources—they offer unique and profound capacities in dimensions like sacralizing resilience, perceiving suffering as an opportunity for spiritual elevation, and emphasizing moral virtues as the core of the resilience process. Accordingly, this study proposes an indigenous Islamic model of family resilience, paving the way for advancing interdisciplinary theorization in Islamic family studies and contextualizing psychological frameworks within religious societies.

**Key words:** Family Resilience, Spiritual Teachings, Ahl al-Bayt, Social Crises, Family Psychology.

### چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل نقش آموزه‌های معنوی اهل بیت علیهم‌السلام در ارتقای تاب‌آوری خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و تطبیق آن با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده است. پژوهش حاضر با روش کیفی و بهره‌گیری از تکنیک تحلیل مضمون، به تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های تاب‌آوری در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده پرداخته و با بررسی نظام‌مند منابع روایی و متون تخصصی روان‌شناسی خانواده، مؤلفه‌های مشترک و متمایز این دو رویکرد را شناسایی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام ضمن اشتراک در مؤلفه‌هایی همچون معنابخشی به بحران‌ها، تقویت ارتباطات خانوادگی و استفاده از منابع حمایتی، در محورهای نظیر الهی‌سازی تاب‌آوری، معنا یافتن رنج به عنوان فرصت تعالی و محوریت فضایل اخلاقی در فرآیند تاب‌آوری، دارای ظرفیت‌های متمایز و عمیق‌تری نسبت به نظریه‌های روان‌شناسی خانواده هستند. بر این اساس، پژوهش حاضر با ارائه الگوی بومی - اسلامی تاب‌آوری خانواده، زمینه‌ساز توسعه نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای در حوزه مطالعات خانواده اسلامی و بومی‌سازی الگوهای روان‌شناختی در جوامع دینی خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** تاب‌آوری خانواده، آموزه‌های معنوی، اهل بیت علیهم‌السلام، بحران‌های اجتماعی، روان‌شناسی خانواده.

## مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، جایگاهی منحصر به فرد در تکوین شخصیت انسان و انتقال ارزش‌های فرهنگی و دینی ایفا می‌کند. در جهان معاصر، به دلیل گسترش بحران‌های اجتماعی نظیر فروپاشی هویتی، افزایش نرخ طلاق، گسست نسلی، اعتیاد، بزهکاری و فشارهای اقتصادی، کارکردهای اساسی خانواده به چالش کشیده شده است (Walsh, ۲۰۱۶: ۸-۱۰). این شرایط، ضرورت بازخوانی ظرفیت‌های فرهنگی و معنوی جوامع برای تقویت بنیان‌های خانواده را دوچندان ساخته است. در این میان، آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان الگوهای برتر اخلاقی و رفتاری، می‌توانند راهکارهایی بنیادین برای مواجهه با این بحران‌ها و ارتقای تاب‌آوری خانواده ارائه دهند (میرزاحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰-۴۵).

تاب‌آوری<sup>۱۵</sup> در ادبیات علوم اجتماعی و روان‌شناسی، به عنوان قابلیت بازگشت خانواده به تعادل اولیه پس از مواجهه با بحران‌ها و فشارهای شدید تعریف می‌شود (Patterson, ۲۰۰۲: ۳۵۰). نظریه‌های روان‌شناسی خانواده در دهه‌های اخیر، تلاش داشته‌اند با ارائه مدل‌هایی نظیر مدل ABCX مک‌کیوبین و پترسون (McCubbin & Patterson, ۱۹۸۳) و الگوی تاب‌آوری خانواده والش (Walsh)، به تبیین سازوکارهای مقابله‌ای خانواده در برابر تنش‌ها بپردازند. این مدل‌ها عمدتاً بر عوامل شناختی، رفتاری و اجتماعی تأکید دارند و تلاش می‌کنند از طریق آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، انعطاف‌پذیری خانواده را افزایش دهند (Walsh, ۲۰۱۶: ۲۲-۲۴).

با وجود این تلاش‌ها، به نظر می‌رسد یکی از خلأهای اساسی نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، غفلت از بُعد معنوی و الهی تاب‌آوری است؛ به گونه‌ای که در تحلیل‌های صرفاً روان‌شناختی، معنابخشی به رنج‌ها، نگرش توحیدی به بلاها و اتکاء به نیرویی برتر کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Seligman & Csikszentmihalyi, ۲۰۰۰: ۱۲). در مقابل، آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام با تأکید بر مفاهیمی چون صبر جمیل (یوسف: ۱۸)، توکل بر خداوند (آل عمران: ۱۵۹)، محبت و مودت (شوری: ۲۳) و پرهیز از دل‌بستگی افراطی به دنیا (حدید: ۲۰)، الگویی عمیق‌تر و وجودی‌تر از تاب‌آوری را مطرح می‌کنند که نه تنها جنبه‌های رفتاری و شناختی، بلکه ابعاد معنوی و هویتی انسان را نیز در بر می‌گیرد (صیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳-۷۹).

از منظر اهل‌بیت علیهم‌السلام، خانواده تنها یک نهاد زیستی و اجتماعی نیست؛ بلکه یک «واحد ایمانی» و «کانون تربیت توحیدی» است که باید در مواجهه با مشکلات، به پشتوانه ایمان و معنویت، تاب‌آور گردد. برای نمونه می‌توان به حدیث معروف امام صادق علیه‌السلام درباره مودت و رحمت در خانواده اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵: ۳۲۰). امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا خَيْرَ فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ»<sup>۱۶</sup> (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۲). این رویکرد نشان می‌دهد که تاب‌آوری در فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام، مفهومی درونی و مبتنی بر «تحول وجودی» است، نه صرفاً یک مهارت رفتاری.

در شرایطی که بحران‌های اجتماعی جدید، ریشه در بحران‌های هویتی و معنوی دارند (Frankl, ۱۹۵۹: ۱۱۰)، تکیه بر مدل‌های روان‌شناختی صرف، نمی‌تواند پاسخگوی همه ابعاد آسیب‌پذیری خانواده باشد. به همین دلیل، رویکردی که بتواند منابع الهی و وحیانی را با دانش تجربی روان‌شناسی ترکیب کند، می‌تواند الگویی جامع و کارآمد برای ارتقای تاب‌آوری خانواده در جوامع اسلامی عرضه نماید (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۷-۲۵۰). بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی نقش آموزه‌های معنوی اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده در بهبود تاب‌آوری خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی، در پی آن است که نشان دهد چگونه می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، ظرفیت‌های تاب‌آوری خانواده را فراتر از ابعاد شناختی و رفتاری، به سطحی معنوی و وجودی ارتقاء داد.

## پیشینه پژوهش

<sup>۱۵</sup> . Resilience

<sup>۱۶</sup> . به‌راستی که صبر نسبت به ایمان همچون سر نسبت به بدن است، و هیچ خیری در بدنی که سر ندارد نیست، و هیچ خیری در ایمانی که با آن صبر نباشد وجود ندارد.

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

مطالعه پیشینه پژوهش در دو حوزه اصلی، یعنی تاب‌آوری خانواده در روان‌شناسی خانواده و آموزه‌های معنوی اهل‌بیت علیهم‌السلام در تقویت بنیان خانواده صورت می‌پذیرد. بررسی این دو قلمرو به پژوهشگر کمک می‌کند تا میزان پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، خلأها و نیازهای پژوهشی را به‌درستی شناسایی نماید.

### أ. پژوهش‌های مربوط به تاب‌آوری خانواده در روان‌شناسی خانواده

در ادبیات روان‌شناسی خانواده، تاب‌آوری به عنوان یک فرآیند پویا در مقابله با بحران‌ها و بازگشت به تعادل روانی و کارکردی شناخته می‌شود (Patterson, ۲۰۰۲: ۳۵۰). نظریه Double ABCX که توسط هامیلتون مک‌کابین و جوآن پترسون ارائه شد، یکی از اولین مدل‌های جامع در تحلیل تاب‌آوری خانواده به شمار می‌رود که بر تعامل بین منابع حمایتی خانواده، ادراک خانواده از بحران و راهبردهای مقابله‌ای تأکید دارد (McCubbin & Patterson, ۱۹۸۳: ۱۲-۱۵).

در ادامه، فرما والش با ارائه مدل Family Resilience Framework، مفهوم تاب‌آوری خانواده را از یک ویژگی ثابت به یک فرآیند پویا و قابل آموزش ارتقا داد. وی تاب‌آوری را در سه حوزه کلیدی تحلیل کرد: فرایندهای باور، الگوهای سازمان‌دهی و فرایندهای ارتباطی (Walsh, ۲۰۱۶, ۲۸-۳۵). این مدل در بسیاری از پژوهش‌های معاصر به عنوان چارچوب مفهومی اصلی تاب‌آوری خانواده به کار گرفته شده است.

مطالعات دیگری نیز به بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری خانواده در جوامع مختلف پرداخته‌اند؛ برای نمونه: بتی بلک و جین لوبو در پژوهشی تجربی نشان دادند که معنویت و باورهای مذهبی، نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری خانواده‌های مواجهه با بیماری‌های سخت دارند (Black & Lobo, ۲۰۰۸: ۳۳-۳۵).

آرنولد گریف و شریل ریتمن با بررسی خانواده‌های آسیب‌دیده از فجایع طبیعی، نشان دادند که شبکه‌های حمایتی اجتماعی و مهارت‌های حل مسئله، مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری خانواده هستند (Greeff & Ritman, ۲۰۰۵: ۳۹).

### ب. پژوهش‌های مربوط به آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و تاب‌آوری خانواده

در حوزه اسلامی، پژوهش‌های مختلفی به بررسی نقش آموزه‌های دینی بویژه تعالیم اهل‌بیت علیهم‌السلام در تحکیم بنیان خانواده و مواجهه با بحران‌ها پرداخته‌اند؛ هرچند بیشتر این مطالعات، بر جنبه‌های اخلاقی و تربیتی تمرکز داشته‌اند و کمتر به تحلیل تطبیقی میان این آموزه‌ها و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده توجه شده است.

از جمله مهم‌ترین مطالعات در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

محمدحسن میرزاحمدی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش آموزش‌های دینی در سلامت فردی و اجتماعی» با استناد به آیات و روایات، تأکید کرده است که صبر، محبت، توکل و مسئولیت‌پذیری خانوادگی، از جمله مؤلفه‌های بنیادین آموزه‌های اسلامی در تاب‌آوری خانواده هستند (میرزاحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰-۴۵). اسدالله طوسی (۱۳۸۹) در کتاب سیره تربیتی و اخلاقی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در خانه و خانواده، با تحلیل سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام، نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌هایی چون صبر جمیل، حلم و گذشت، حسن خلق و زهد در دنیا به عنوان راهبردهای مواجهه با تنش‌های خانوادگی و اجتماعی مطرح شده‌اند (طوسی، ۱۳۸۹: ۸۱-۸۵). ایرج علی‌اکبری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «واکاوی مفهوم معنویت در تاب‌آوری با استفاده از آموزه‌های حضرت علی علیه السلام به منظور ارائه استلزامات تربیتی در نظام آموزش و پرورش» به تطبیق تعالیم اهل‌بیت علیهم‌السلام بویژه امام علی علیه‌السلام با مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر پرداخته و نشان داده است که آموزه‌های دینی نه تنها با مبانی روان‌شناسی خانواده تعارضی ندارند بلکه به غنای آن نیز کمک می‌کنند (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۷-۲۵۰).

### ج. پژوهش‌های تطبیقی میان آموزه‌های اسلامی و روان‌شناسی خانواده

پژوهش‌هایی که به طور مشخص به تطبیق آموزه‌های اسلامی با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده بپردازند، کمتر مشاهده می‌شود؛ اما برخی مطالعات میان‌رشته‌ای در سال‌های اخیر به ضرورت چنین رویکردی اشاره کرده‌اند:

راضیه‌سادات سیدخراسانی و محمدصادق شجاعی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مدل مفهومی تاب‌آوری روان‌شناختی بر اساس آیات و روایات» تلاش کرده‌اند با استفاده از منابع دینی و ادبیات روان‌شناسی خانواده، الگویی بومی از تاب‌آوری خانواده ارائه

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

دهند. ایشان بر این باورند که آموزه‌های دینی در بازسازی معنا و معنویت در خانواده‌های بحران‌زده نقش کلیدی دارند (سیدخراسانی و شجاعی، ۱۴۰۲: ۲۳-۳۵).

علینقی لزگی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های روان‌شناختی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی» به مقایسه تطبیقی نظریه تاب‌آوری خانواده غربی با تعالیم اخلاقی و تربیتی اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته و نقاط اشتراک و تمایز این دو رویکرد را شناسایی کرده‌اند (لزگی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۹-۱۳۸).

### د. خلأهای پژوهشی موجود

- با وجود مطالعات صورت‌گرفته، خلأهای زیر در ادبیات پژوهشی این حوزه مشهود است:
  ۱. کمبود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که به تحلیل تطبیقی نظریه‌های روان‌شناسی خانواده با آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام به شکل سیستماتیک و مدل‌محور بپردازند.
  ۲. فقدان مطالعاتی که کاربست آموزه‌های معنوی اهل‌بیت علیهم‌السلام را در مواجهه با بحران‌های نوپدید اجتماعی مانند فروپاشی هویت، فضای مجازی، و... مورد توجه قرار دهند.
  ۳. کمبود پژوهش‌های میدانی و تجربی در بررسی اثرگذاری عملی آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام بر تاب‌آوری خانواده‌ها در محیط‌های واقعی.
- پژوهش حاضر با توجه به این خلأها، تلاش دارد تا با رویکرد تطبیقی میان آموزه‌های دینی و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، الگویی تلفیقی برای ارتقاء تاب‌آوری خانواده در شرایط بحران ارائه دهد که مبتنی بر مفاهیم اسلامی و در عین حال منطبق با یافته‌های علمی روان‌شناسی خانواده باشد.

### نوآوری پژوهش

نوآوری (Innovativeness) در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، زمانی تحقق می‌یابد که پژوهش بتواند با تلفیق حوزه‌های معرفتی مختلف، به تولید مفاهیم جدید، بازتعریف نظریه‌ها و ارائه الگوهای کاربردی نوین بپردازد (Frodeman, ۲۰۱۰: ۴۵). پژوهش حاضر نیز با هدف تلفیق آموزه‌های معنوی اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، در راستای بازخوانی و بازآفرینی الگوی تاب‌آوری خانواده، نوآوری‌های ذیل را دنبال می‌کند:

#### أ. تحلیل تطبیقی میان آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده (نوآوری در چارچوب نظری)

یکی از نوآوری‌های کلیدی این پژوهش، اتخاذ رویکرد تطبیقی در مقایسه دو دستگاه معرفتی متفاوت یعنی آموزه‌های وحیانی اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده است. درحالی‌که پژوهش‌های پیشین عمدتاً یا به تبیین آموزه‌های دینی در حوزه خانواده پرداخته‌اند (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰-۴۵)، یا صرفاً به تحلیل نظریه‌های روان‌شناسی خانواده محدود شده‌اند (Walsh, ۲۰۱۶)، این پژوهش تلاش می‌کند تا با یک تحلیل تطبیقی نظام‌مند، همپوشانی‌ها، تفاوت‌ها و قابلیت‌های ترکیبی این دو حوزه را شناسایی کند. این تطبیق، امکان استخراج مدلی جامع و ترکیبی را فراهم می‌آورد که هم به ابعاد روان‌شناختی تاب‌آوری توجه دارد و هم بر جنبه‌های معنوی و الهی آن تأکید می‌ورزد.

#### ب. بازتعریف مؤلفه‌های تاب‌آوری خانواده با رویکرد معنوی – وجودی (نوآوری مفهومی)

نوآوری دیگر پژوهش حاضر، بازتعریف مؤلفه‌های تاب‌آوری خانواده از منظر آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام است. در ادبیات روان‌شناسی خانواده، تاب‌آوری معمولاً در قالب مهارت‌های شناختی، رفتاری و اجتماعی تبیین می‌شود؛ اما آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، تاب‌آوری را به عنوان یک «فرآیند معنوی و وجودی» معرفی می‌کنند که از درون انسان و از رهگذر اتصال به خداوند و پذیرش حکمت الهی شکل می‌گیرد (طوسی، ۱۳۸۹: ۸۹). این پژوهش با تحلیل مضامین روایی و قرآنی مرتبط، مؤلفه‌هایی نظیر صبر جمیل (یوسف: ۱۸)، حسن ظن به خداوند (القصص: ۷)، رضایت به قضای الهی (رعد: ۲۲) و محبت درونی (شوری: ۲۳) را به عنوان ارکان معنوی تاب‌آوری خانواده بازتعریف می‌کند.

#### ج. ارائه الگوی بومی – اسلامی تاب‌آوری خانواده (نوآوری در مدل‌سازی کاربردی)

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

بخش مهمی از نوآوری این پژوهش در ارائه الگوی بومی - اسلامی تاب‌آوری خانواده متجلی می‌شود. بیشتر مدل‌های موجود در حوزه تاب‌آوری خانواده - نظیر مدل والش - مبتنی بر جوامع غربی و با رویکردهای سکولار طراحی شده‌اند که با بسترهای فرهنگی - دینی جوامع اسلامی فاصله دارند (Walsh, ۲۰۱۶, ۴۰). پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع اسلامی، الگویی بومی ارائه می‌دهد که ضمن همپوشانی با دستاوردهای علمی، بر ویژگی‌های فرهنگی و معنوی جامعه اسلامی نیز انطباق دارد. این مدل، تاب‌آوری را صرفاً به مهارت‌های ارتباطی و حل مسأله محدود نکرده و آن را در بستری از «ایمان‌محوری»، «مفاهیم قدسی» و «تعهدات اخلاقی» تعریف می‌کند (سیدخراسانی و شجاعی، ۱۴۰۲: ۲۳-۳۵).

### د. توجه به بحران‌های نوپدید اجتماعی در خانواده‌های مسلمان (نوآوری در حوزه کاربردی)

از دیگر نوآوری‌های این پژوهش، تمرکز بر چالش‌های نوپدید اجتماعی است که در آثار قبلی کمتر بدان پرداخته شده است. مسائلی چون فروپاشی هویت خانوادگی، تأثیر فضای مجازی بر ارتباطات خانوادگی، تضعیف نقش‌های سنتی زن و مرد و بحران‌های معنایی ناشی از سبک زندگی مدرن، از جمله بحران‌هایی هستند که خانواده‌های مسلمان با آن‌ها مواجه‌اند (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۹۵). پژوهش حاضر با تحلیل آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان منابعی زمان‌ناپذیر، ظرفیت این تعالیم در مواجهه با چنین بحران‌هایی را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با نهادینه‌سازی مفاهیم دینی، تاب‌آوری خانواده‌ها را در برابر این چالش‌ها تقویت نمود.

### هـ. ایجاد پیوند میان روان‌شناسی مثبت‌نگر و آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام (نوآوری میان‌رشته‌ای)

نوآوری دیگر پژوهش در ایجاد پیوند میان روان‌شناسی مثبت‌نگر (Positive Psychology) و آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام است. در حالی که روان‌شناسی مثبت‌نگر بر مفاهیمی چون معنا در زندگی، شکرگزاری، امید و خوش‌بینی تمرکز دارد (۸: ۲۰۰۰, Seligman & Csikszentmihalyi)، آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز دقیقاً همین مؤلفه‌ها را در قالب ارزش‌های الهی و اخلاقی مطرح می‌کنند. پژوهش حاضر با تحلیل تطبیقی این دو رویکرد، به تبیین همگرایی میان معارف اسلامی و روان‌شناسی مثبت‌نگر در فرآیند تاب‌آوری خانواده می‌پردازد (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۷-۲۵۰).

## روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و کیفی - تفسیری است. این مطالعه با رویکرد مطالعه تطبیقی (Comparative Study)، به بررسی مؤلفه‌های تاب‌آوری خانواده در آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده پرداخته و سعی دارد با روش تحلیل محتوای کیفی، الگوی بومی - دینی تاب‌آوری را در مواجهه با بحران‌های اجتماعی استخراج نماید.

### أ. نوع و رویکرد پژوهش

مطالعات تطبیقی از رایج‌ترین روش‌های پژوهشی در حوزه علوم انسانی و مطالعات میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود که هدف آن، شناسایی نقاط اشتراک و افتراق دو یا چند دستگاه نظری در یک موضوع خاص است (معدن‌دارآرانی و کاکیا، ۱۳۹۹). در این پژوهش، با اتخاذ رویکرد تطبیق بین‌رشته‌ای (Interdisciplinary Comparative Approach)، آموزه‌های معنوی اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان یک منبع الهی - وحیانی، با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده که بر داده‌های تجربی مبتنی‌اند، مقایسه و تحلیل شده‌اند. این تطبیق نه تنها به کشف ظرفیت‌های مغفول آموزه‌های دینی در حوزه تاب‌آوری کمک می‌کند، بلکه امکان ارائه الگویی نوین در حوزه خانواده‌پژوهی اسلامی را فراهم می‌آورد.

### ب. روش گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش به روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای (Documentary and Library Research) گردآوری شده‌اند. منابع مورد استفاده شامل:

- منابع اولیه اسلامی (قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام بویژه منابعی همچون نهج‌البلاغه)
- آثار علمی معتبر در حوزه روان‌شناسی خانواده، مانند آثار Froma Walsh و McCubbin & Patterson.
- مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده در مجلات داخلی و بین‌المللی مرتبط با تاب‌آوری خانواده.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) استفاده شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا از طریق کدگذاری مفهومی و دسته‌بندی موضوعی، مضامین و مؤلفه‌های تاب‌آوری را در هر دو حوزه استخراج و تطبیق دهد (۲: Mayring, ۲۰۰۰).

### ج. روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در این پژوهش با روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) و با تأکید بر فرآیند استخراج مؤلفه‌های کلیدی (Key Components Extraction) انجام شده است. در این راستا، ابتدا با بررسی متون اسلامی، مضامین مربوط به تاب‌آوری در سیره و کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام شناسایی و کدگذاری شده‌اند؛ مانند صبر، توکل، محبت، مشورت و مسئولیت‌پذیری. سپس همین فرآیند بر نظریه‌های روان‌شناسی خانواده اعمال شده و مؤلفه‌هایی چون انعطاف‌پذیری شناختی، مهارت‌های ارتباطی مثبت، مدیریت هیجانات و شبکه‌های حمایتی استخراج گردیده‌اند (۳۲-۳۴: Walsh, ۲۰۱۶). در گام بعد، تطبیق مضامین دو حوزه بر اساس شاخص‌های تطبیق در مطالعات میان‌رشته‌ای - نظیر سطح مفهومی، کارکردی و بستر کاربردی - انجام گرفته و نقاط اشتراک و افتراق مشخص شده‌اند (۴۲: Creswell, ۲۰۱۳). این تطبیق، امکان شناسایی نقاط قوت و کاستی‌های هر یک از دو رویکرد را در مواجهه با بحران‌های اجتماعی خانواده فراهم ساخته است.

### د. اعتبار و روایی پژوهش

برای افزایش اعتبار و روایی داده‌ها، از روش مثلث‌سازی<sup>۱۷</sup> استفاده شده است. بدین منظور، یافته‌های استخراج شده از منابع اسلامی با تحلیل‌های نظری روان‌شناسی خانواده و همچنین با مطالعات تجربی و آماری منتشر شده در مجلات علمی داخلی و خارجی مقایسه شده‌اند (۳۰۱: ۲۰۱۷: Denzin). علاوه بر آن، بازبینی نظری (Peer Review) و بازخورد متخصصان علوم قرآن و روان‌شناسی خانواده در مراحل مختلف تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته تا از صحت مضامین و تفسیرهای ارائه شده اطمینان حاصل گردد.

### هـ. قلمرو پژوهش

قلمرو موضوعی: تاب‌آوری خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی.  
قلمرو مکانی: جوامع اسلامی با تأکید بر ایران به عنوان جامعه هدف پژوهش.  
قلمرو زمانی: بررسی و تحلیل متون اسلامی و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۴۰۳.

### سؤال اصلی پژوهش

آموزه‌های معنوی اهل‌بیت علیهم‌السلام چه نقشی در ارتقای تاب‌آوری خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی ایفا می‌کنند؟

### سؤالات فرعی پژوهش

۱. مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری خانواده در آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام چیست؟
۲. نظریه‌های روان‌شناسی خانواده چه رویکردی به مفهوم تاب‌آوری ارائه می‌دهند؟
۳. نقاط اشتراک و افتراق آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده در تقویت تاب‌آوری کدامند؟
۴. آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام چه ظرفیت‌هایی در مواجهه با چالش‌های نوپدید اجتماعی برای خانواده فراهم می‌آورند؟

### یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش که بر اساس تحلیل مضمون<sup>۱۸</sup> با رویکرد تطبیقی میان آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده استخراج شده‌اند، در سه محور اصلی قابل دسته‌بندی هستند:  
أ. اشتراکات مفهومی میان آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده در تاب‌آوری  
مطالعه تطبیقی نشان داد که آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام در بسیاری از مفاهیم بنیادین تاب‌آوری، با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده هم‌پوشانی قابل توجهی دارند. این اشتراکات در سه سطح زیر قابل تحلیل است:

<sup>۱۷</sup>. Triangulation Method

<sup>۱۸</sup>. Thematic Analysis

## ۱. مؤلفه‌های شناختی تاب‌آوری

نظریه‌های روان‌شناسی خانواده به ویژه مدل Family Resilience Framework بر اهمیت نگرش‌های شناختی مثبت نظیر معنابخشی به مشکلات، نگرش خوش‌بینانه و پذیرش واقعیت‌های تلخ زندگی تأکید دارند (Walsh, ۲۰۱۶: ۳۲). آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز همین مؤلفه‌ها را در قالب مفاهیمی چون صبر جمیل (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲: ۹۰)، حسن ظن به خداوند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲: ۷۲) و رضایت به قضای الهی (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۴) مورد تأکید قرار می‌دهند (طوسی، ۱۳۸۹: ۹۲). این امر نشان می‌دهد که هر دو رویکرد، نقش کلیدی نگرش‌های معنابخش را در فرایند تاب‌آوری مورد تصدیق قرار می‌دهند.

## ۲. مؤلفه‌های رفتاری تاب‌آوری

در نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، مهارت‌هایی نظیر حل مسأله جمعی، مدیریت هیجانات و برقراری ارتباط مؤثر به عنوان رفتارهای تاب‌آور شناخته می‌شوند (Patterson, ۲۰۰۲: ۳۵۵). اهل بیت علیهم‌السلام نیز در آموزه‌های اخلاقی خود، بر رفتارهایی چون مشورت در خانواده (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲: ۴۰)، حلم و مدارا در مواجهه با تعارضات خانوادگی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱: ۳۶؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۶۸) و عفو و گذشت در روابط خانوادگی تأکید دارند (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۱۸۲).

## ۳. مؤلفه‌های حمایتی - اجتماعی تاب‌آوری

شبکه‌های حمایتی اجتماعی و خانوادگی، یکی از ارکان کلیدی تاب‌آوری در ادبیات روان‌شناسی خانواده هستند (Black & Lobo, ۲۰۰۸: ۳۴). اهل بیت علیهم‌السلام با توصیه‌های مکرر به صله رحم، احترام به والدین و کمک به اعضای خانواده در شرایط سخت، نقش شبکه‌های حمایتی را در استحکام خانواده و مقابله با بحران‌ها تبیین می‌کنند (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

ب. تمایزات بنیادین آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده  
هرچند همپوشانی‌های مفهومی بسیاری میان این دو حوزه وجود دارد، اما یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در سه محور بنیادین، رویکردی متفاوت و عمیق‌تر نسبت به نظریه‌های روان‌شناسی خانواده دارند:

### ۱. بُعد الهی و قدسی تاب‌آوری

درحالی‌که مدل‌های روان‌شناسی خانواده بر ظرفیت‌های درونی فردی و اجتماعی تأکید دارند، آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، اتصال وجودی به خداوند و اتکال به قدرت الهی در مواجهه با مشکلات را محور اصلی تاب‌آوری معرفی می‌کنند (سیدخراسانی و شجاعی، ۱۴۰۲: ۲۳-۳۵). امام سجاد علیه‌السلام در مناجات خود می‌فرماید: «إِلَهِي لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۳) که نشانگر وابستگی مطلق بنده به پروردگار در رفع مشکلات و نشان دهنده طلب حاجت از خداوند و امیدواری به اجابت آن است.

### ۲. معنایافتگی رنج و بلا

در نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، رنج و بحران‌ها عموماً به عنوان موقعیت‌های بحرانی که نیازمند مدیریت و حل مسأله‌اند تلقی می‌شوند؛ اما در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، رنج‌ها و بلاها نقش تربیتی و تکاملی دارند و وسیله‌ای برای تعالی روحی و تقرب به خداوند تلقی می‌شوند (میرزاحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰-۴۵). این نگرش، به تاب‌آوری عمق وجودی بیشتری می‌بخشد.

### ۳. محوریت اخلاق و فضیلت در تاب‌آوری

یکی از یافته‌های مهم پژوهش، تأکید آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام بر نقش فضایل اخلاقی - مانند صداقت، تواضع، امانت‌داری، گذشت و... - در فرآیند تاب‌آوری خانواده است. این در حالی است که مدل‌های روان‌شناسی خانواده عمدتاً به مهارت‌های رفتاری و شناختی می‌پردازند و بُعد اخلاقی تاب‌آوری کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Walsh, ۲۰۱۶: ۴۵) (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

### ج. مدل پیشنهادی بومی - اسلامی تاب‌آوری خانواده (یافته ترکیبی)

بر مبنای تحلیل تطبیقی داده‌ها، پژوهش حاضر توانسته است مدل بومی - اسلامی تاب‌آوری خانواده با الهام از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام و با بهره‌گیری از چارچوب‌های علمی روان‌شناسی خانواده ارائه دهد. این مدل شامل چهار مؤلفه اصلی است:

### ۱. مؤلفه‌های شناختی - معنوی

- معنابخشی به رنج‌ها در پرتو حکمت الهی.  
تقویت ایمان و حسن ظن به خداوند در شرایط بحرانی.  
نگرش توحیدی به وقایع زندگی (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۷-۲۵۰).  
۲. مؤلفه‌های رفتاری - اخلاقی  
تقویت حلم و بردباری در روابط خانوادگی.  
ترویج مشورت و گفت‌وگو درون خانواده.  
مدیریت هیجانات و کنترل خشم با رویکرد دینی (میرزاحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰-۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۳۶).  
۳. مؤلفه‌های حمایتی - اجتماعی  
نهادینه‌سازی صله رحم و حمایت عاطفی در خانواده‌های گسترده.  
ارتقاء شبکه‌های حمایتی معنوی (نظیر مجالس اهل‌بیت علیهم‌السلام) (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).  
۴. مؤلفه‌های وجودی - قدسی  
اتکاء به دعا و مناجات در فرآیند تاب‌آوری.  
درک رنج‌ها به عنوان مسیر رشد معنوی و تقرب به خداوند.  
تعهد به ارزش‌های اخلاقی اهل‌بیت علیهم‌السلام در مواجهه با بحران‌ها (سیدخراسانی و شجاعی، ۱۴۰۲: ۲۳-۳۵).  
این مدل بومی - اسلامی نه تنها با مؤلفه‌های علمی روان‌شناسی خانواده همخوانی دارد، بلکه خلأهای معنوی و وجودی نظریه‌های سکولار را نیز پوشش می‌دهد و می‌تواند در محیط‌های فرهنگی - دینی کاربرد گسترده‌تری داشته باشد.  
۸. تحلیل و بررسی  
تحلیل و بررسی یافته‌های پژوهش حاضر با تکیه بر الگوی تطبیق مفهومی، کارکردی و کاربردی، در سه سطح انجام می‌شود: ا.  
تحلیل همپوشانی‌ها و اشتراکات؛ ب. تحلیل تمایزات و نوآوری‌های آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام نسبت به روان‌شناسی خانواده؛ ج. تحلیل کارکردی مدل پیشنهادی در مواجهه با بحران‌های نوپدید اجتماعی.  
ا. تحلیل همپوشانی‌ها و نقاط اشتراک مفهومی  
مطالعه تطبیقی نشان داد که آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، در سطح مفهومی، دارای همپوشانی‌های گسترده‌ای در تعریف تاب‌آوری هستند. در هر دو رویکرد، تاب‌آوری به عنوان فرآیندی پویا، چندبعدی و تقویت‌پذیر تعریف شده است که طی آن، خانواده‌ها در مواجهه با بحران‌ها، ضمن حفظ انسجام درونی خود، به بازسازی کارکردهای روانی و اجتماعی‌شان می‌پردازند (Walsh, ۲۰۱۶: ۳۳) (سیدخراسانی و شجاعی، ۱۴۰۲: ۲۳-۳۵).  
مؤلفه‌هایی نظیر معنابخشی به مشکلات (Meaning-Making)، تقویت ارتباطات مثبت درون‌خانوادگی، مهارت‌های مدیریت هیجانات و استفاده از منابع حمایتی (Social Support Networks) به عنوان عناصر کلیدی تاب‌آوری در هر دو رویکرد مورد تأکید قرار گرفته‌اند (Black & Lobo, ۲۰۰۸: ۳۴) (طوسی، ۱۳۸۹: ۹۰).  
آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام با مفاهیمی چون صبر جمیل، حلم و مدارا، حسن ظن به خداوند و صله رحم در حقیقت همان مبانی را تقویت می‌کنند که روان‌شناسی خانواده با اصطلاحاتی چون «Flexibility»، «Emotional Regulation»، «Positive Communication» و «Supportive Relationships» مطرح می‌سازد (Patterson, ۲۰۰۲: ۳۶۰).  
(علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۷-۲۵۰).  
این همپوشانی نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه آموزه‌های دینی در غنی‌سازی مدل‌های علمی تاب‌آوری خانواده است و نشان می‌دهد که آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، نه صرفاً به عنوان منابع اخلاقی، بلکه به عنوان یک «چارچوب روان‌شناختی بومی» قابل استفاده هستند.  
ب. تحلیل تمایزات و عمق‌بخشی آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام به مفهوم تاب‌آوری

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام با وجود اشتراکات مفهومی با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، در سه محور بنیادین دارای تمایز و عمق بیشتری هستند که این امر می‌تواند به بازتعریف مفهومی تاب‌آوری در چارچوب اسلامی بینجامد:

### ۱. بُعد الهی و توحیدی تاب‌آوری

یکی از وجوه تمایز کلیدی، تأکید آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام بر اتصال وجودی به خداوند و توحیدی‌سازی فرآیند مواجهه با بحران‌ها است. این آموزه‌ها ریشه تاب‌آوری را در ایمان قلبی به قضا و قدر الهی و پذیرش حکمت‌های پنهان الهی می‌دانند؛ در حالی که نظریه‌های روان‌شناسی خانواده عمدتاً به منابع درونی (Self-Efficacy) و حمایت‌های بین‌فردی توجه دارند (Walsh, ۲۰۱۶: ۵۰) (سیدخراسانی و شجاعی، ۱۴۰۲: ۲۳-۳۵).

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ، وَ مَنْ صَبَرَ ظَفِرَ، وَ مَنْ يَعْزُفُ اللَّهُ عَنْهُ» (قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۲۹۱)؛ این نگاه توحیدی موجب می‌شود که فرآیند تاب‌آوری در آموزه‌های دینی، صرفاً به تلاش‌های فردی و جمعی محدود نمانده و از یک پشتوانه الهی برخوردار گردد.

### ۲. معنا یافتن رنج و بلا به مثابه فرصت تعالی

در روان‌شناسی خانواده، رنج و بحران به عنوان پدیده‌ای ناخوشایند تلقی می‌شود که باید از طریق مهارت‌های مقابله‌ای مدیریت شود (Patterson, ۲۰۰۲: ۳۵۲)؛ اما در آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، رنج‌ها به مثابه فرصت‌های تعالی روحی و ابزارهای رشد معنوی تفسیر می‌شوند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱: ۱۸)؛ این رویکرد باعث می‌شود که تاب‌آوری دینی نه صرفاً یک واکنش دفاعی، بلکه فرآیندی فعال و تعالی‌بخش باشد.

### ۳. محوریت فضایل اخلاقی به عنوان راهبردهای تاب‌آورانه

آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام، به فضایل اخلاقی نظیر عفو و گذشت، تواضع، امانت‌داری و صداقت به عنوان ابزارهای کلیدی برای ارتقای تاب‌آوری توجه دارند (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). در حالی که نظریه‌های روان‌شناسی خانواده بر مهارت‌های رفتاری و شناختی تأکید می‌کنند، آموزه‌های دینی بُعد اخلاقی و فضیلتی را در مرکز فرآیند تاب‌آوری قرار می‌دهند (Walsh, ۲۰۱۶: ۴۵).

### ج. تحلیل کارکردی مدل بومی - اسلامی تاب‌آوری در مواجهه با بحران‌های نوپدید اجتماعی

یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل‌های رایج روان‌شناسی خانواده، به دلیل فقدان مؤلفه‌های معنوی و قدسی، در مواجهه با بحران‌های نوپدید اجتماعی نظیر فروپاشی هویت خانوادگی، تهدیدهای فضای مجازی و بحران‌های معنایی سبک زندگی مدرن، کارایی محدودی دارند (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۱۵)؛ اما آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام به دلیل برخورداری از ابعاد وجودی، معنوی و اخلاقی، می‌توانند به تقویت تاب‌آوری خانواده‌های مسلمان در برابر این چالش‌ها کمک کنند. چند نمونه کاربردی عبارتند از: در مواجهه با فروپاشی هویت خانوادگی

آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام با تأکید بر نقش محوری خانواده به عنوان نهاد مقدس و کانون تربیت نسل (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۵۱۰)، زمینه بازسازی هویت جمعی خانواده‌ها را فراهم می‌کنند.

### در مواجهه با تهدیدهای فضای مجازی

توصیه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام بر تقویت نظارت اخلاقی درون‌خانوادگی، مشورت و گفت‌وگو خانوادگی (ورآم، ۱۴۱۰، ۱: ۶)، می‌تواند نقش بازدارنده در برابر انحرافات رفتاری و اعتقادی در فضای مجازی ایفا کند.

### در مواجهه با بحران‌های معنایی سبک زندگی مدرن

آموزه‌هایی نظیر زهد، قناعت و پرهیز از دنیاگرایی (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳) می‌تواند به خانواده‌ها در بازتعریف سبک زندگی مبتنی بر ارزش‌های الهی کمک کند (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۷-۲۵۰).

## یافته تحلیلی

بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده، می‌توان اذعان داشت که آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام ضمن برخورداری از اشتراکات مفهومی با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، با تأکید بر ابعاد معنوی، الهی و اخلاقی، می‌توانند الگوی کامل‌تر و عمیق‌تری از تاب‌آوری

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

خانواده ارائه دهند. این آموزه‌ها به عنوان یک چارچوب بومی - اسلامی، ظرفیت آن را دارند که در مواجهه با بحران‌های اجتماعی نوپدید، کارایی بالاتری نسبت به مدل‌های سکولار روان‌شناسی داشته باشند. از این‌رو، مدل پیشنهادی پژوهش، گامی نو در جهت بومی‌سازی الگوهای تاب‌آوری خانواده در فضای فرهنگی - دینی جوامع اسلامی خواهد بود.

جدول ۱. تطبیق مؤلفه‌های تاب‌آوری خانواده در آموزه‌های معنوی اهل بیت علیهم السلام و نظریه‌های روان‌شناسی خانواده

| مؤلفه‌ها / محورهای تاب‌آوری            | آموزه‌های معنوی اهل بیت علیهم السلام                                                | نظریه‌های روان‌شناسی خانواده                                           | ویژگی متمایز اهل بیت (ع)                                              |
|----------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------|
| معنابخشی به بحران‌ها                   | بحران‌ها فرصتی برای تعالی روحی و قرب الهی است؛ رنج‌ها معنا و هدف الهی دارند         | بحران‌ها به عنوان چالش‌های روانی برای رشد و سازگاری تعریف می‌شوند      | تأکید بر «الهی‌سازی» معنا و ارزش دادن به رنج به عنوان فرصت معنوی      |
| تقویت ارتباطات خانوادگی                | تأکید بر پیوندهای عاطفی مبتنی بر محبت، صبر و گذشت؛ روابط خانوادگی مقدس شمرده می‌شود | برقراری ارتباطات مؤثر و حل تعارضات برای حفظ انسجام خانواده اهمیت دارد  | بعد قدسی و اخلاقی قوی‌تر در حفظ و تقویت روابط خانوادگی                |
| استفاده از منابع حمایتی                | تکیه بر دعا، توکل به خدا و بهره‌گیری از حمایت معنوی اهل بیت (ع) به عنوان پشتوانه    | استفاده از حمایت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و منابع بیرونی برای تاب‌آوری | منابع حمایتی معنوی و الهی به عنوان پشتوانه اصلی تاب‌آوری              |
| الهی‌سازی تاب‌آوری                     | تاب‌آوری نه صرفاً توان روانی، بلکه ظرفیت اتصال به منبع الهی و معنوی است             | تاب‌آوری بیشتر بر ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی متمرکز است               | تاب‌آوری به عنوان فرآیندی مقدس و متصل به ایمان و معنویت               |
| معنا یافتن رنج به عنوان فرصت تعالی     | رنج‌ها و مصیبت‌ها به منزله فرصت رشد و کسب فضایل اخلاقی و قرب الهی دیده می‌شود       | رنج به عنوان عامل استرس که باید مدیریت شود و از آن عبور کرد            | نگاه مثبت و تعمیق‌یافته به رنج به عنوان راهی برای کمال معنوی و اخلاقی |
| محوریت فضایل اخلاقی در فرآیند تاب‌آوری | فضایلی چون صبر، تقوا، عدالت و حلم پایه‌های اساسی تاب‌آوری در خانواده هستند          | مهارت‌های حل مسئله، کنترل هیجان و سازگاری رفتاری مدنظر است             | تأکید بر پرورش فضایل اخلاقی به عنوان زیربنای تاب‌آوری پایدار و جامع   |

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی نقش آموزه‌های معنوی اهل بیت علیهم السلام در ارتقای تاب‌آوری خانواده در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و مقایسه آن با نظریه‌های روان‌شناسی خانواده، نشان داد که تعالیم اهل بیت علیهم السلام واجد ظرفیت‌های عمیق و گسترده‌ای در بازتعریف مفهومی تاب‌آوری خانواده هستند. در حالی که نظریه‌های روان‌شناسی خانواده عمدتاً بر ابعاد شناختی، رفتاری و اجتماعی تاب‌آوری تمرکز دارند، آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام با تأکید بر ابعاد معنوی، الهی و فضیلت‌محور، زمینه‌ساز ارتقای تاب‌آوری در ساحت‌های وجودی و معنایی خانواده می‌شوند. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌هایی نظیر صبر جمیل، حسن ظن به خداوند، معنا یافتن رنج به عنوان فرصت تعالی، صله رحم و تقویت فضایل اخلاقی، از جمله ارکان بنیادین الگوی بومی - اسلامی تاب‌آوری خانواده محسوب می‌شوند که می‌توانند خلأهای موجود در مدل‌های سکولار روان‌شناسی خانواده را پوشش دهند. بر این اساس، پژوهش حاضر ضمن ارائه الگویی جامع برای تاب‌آوری خانواده‌های مسلمان، ضرورت توجه به بازخوانی منابع دینی در طراحی سیاست‌های اجتماعی و روان‌شناختی در حوزه خانواده را یادآور می‌شود. توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه مطالعات خانواده اسلامی و بومی‌سازی نظریه‌های روان‌شناختی از جمله پیامدهای نظری و کاربردی این تحقیق است که می‌تواند مسیر جدیدی برای نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی فراهم آورد.

## منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه، تحقیق: صالح، صبحی. (۱۴۱۴). قم، هجرت.

الصحیفۃ السجادیة. (۱۳۷۶). قم: دفتر نشر الهادی.

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). *الخصال*. تحقیق: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حمیری، عبد الله بن جعفر. (۱۴۱۳). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سروش.
- سیدخراسانی، راضیه‌سادات؛ شجاعی، محمدصادق. (۱۴۰۲). مدل مفهومی تاب‌آوری روان‌شناختی بر اساس آیات و روایات. *قرآن و روان‌شناسی*، ۱، ۲، ۳۵-۲۳.
- صیدی، محمدسجاد؛ پورابراهیم، تقی؛ باقریان، فاطمه؛ منصور، لادن. (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲، ۵، ۶۳-۷۹.
- طوسی، اسدالله. (۱۳۸۹). *سیره تربیتی و اخلاقی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در خانه و خانواده*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- علی‌اکبری، ایرج؛ براتعلی، مریم؛ سعادت‌مند، زهره. (۱۴۰۱). واکاوی مفهوم معنویت در تاب‌آوری با استفاده از آموزه‌های حضرت علی علیه‌السلام به منظور ارائه استلزامات تربیتی در نظام آموزش و پرورش. *پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، ۲۱، ۲، ۲۳۷-۲۵۰.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴). *تفسیر القمی*. تحقیق: موسوی جزائری، طیب، قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- لزگی، علینقی؛ داداشی، مهدی؛ خطیب، سید مهدی. (۱۴۰۳). مؤلفه‌های روان‌شناختی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۰، ۱، ۱۱۹-۱۳۸.
- معدن‌دارآرانی، عباس؛ کاکیا، لیدا. (۱۳۹۹). روش تحقیق تطبیقی در علوم انسانی با تأکید بر مطالعات علوم تربیتی و روان‌شناسی. تهران: سمت.
- میرزاحمدی، محمدحسن؛ فرمهبینی فراهانی، محسن؛ اسفندیاری، سهیلا. (۱۳۹۰). بررسی نقش آموزش‌های دینی در سلامت فردی و اجتماعی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۵، ۲، ۴۵-۲۰.
- ورّام، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰). *مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)*. قم: مکتبه فقیه.
- Walsh, F. (۲۰۱۶). *Strengthening Family Resilience*. Guilford Press.
- McCubbin, H. I., & Patterson, J. M. (۱۹۸۳). The Family Stress Process: The Double ABCX Model of Adjustment and Adaptation. *Marriage & Family Review*, ۶(۱-۲), ۷-۳۷.
- Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M. (۲۰۰۰). Positive Psychology: An Introduction. *American Psychologist*, ۵۵(۱), ۵-۱۴.
- Frankl, V. E. (۱۹۵۹). *Man's Search for Meaning*. Beacon Press.
- Mayring, P. (۲۰۰۰). Qualitative Content Analysis. *Forum: Qualitative Social Research*, ۱(۲), Art. ۲۰.
- Creswell, J. W. (۲۰۱۳). *Qualitative Inquiry & Research Design: Choosing Among Five Approaches*. SAGE Publications.
- Denzin, N. K. (۲۰۱۷). *The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods*. Routledge.
- Black, K., & Lobo, M. (۲۰۰۸). A Conceptual Review of Family Resilience Factors. *Journal of Family Nursing*, ۱۴(۱), ۳۳-۵۵.
- Greeff, A. P., & Ritman, I. N. (۲۰۰۵). Individual characteristics associated with resilience in single-parent families. *Psychological Reports*, ۹۶(۱), ۳۶-۴۲.
- Frodeman, R. (۲۰۱۰). *The Oxford Handbook of Interdisciplinarity*. Oxford University Press.
- Patterson, J. M. (۲۰۰۲). Integrating Family Resilience and Family Stress Theory. *Journal of Marriage and Family*, ۶۴(۲), ۳۴۹-۳۶۰.

## Prediction Thriving Quotient based on Academic self-concept, academic self-regulation and Academic self-efficacy: The mediating role of educational motivation

پیش‌بینی بهره موفقیت بر اساس خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی: نقش میانجی انگیزش تحصیلی

سیده مهدیه نجفی دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان.  
علی محمد رضایی\* دانشیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

### Abstract

The purpose of this study was to predict Thriving Quotient based on academic self-concept, academic self-regulation, and academic self-efficacy through mediating educational motivation. The statistical population of this study was first High school male and female students of Semnan in the academic year of ۹۷-۹۸. In order to achieve the research goal, ۴۰۰ male and female students of first High school in Semnan city were selected through stratified sampling and Completed Thriving Quotient questionnaire, self-concept questionnaire Yas Ysen Chen questionnaire, Buffard's self-regulatory questionnaire, McEliverty & Benting academic self-efficacy questionnaire and Valerand's AMS Volunteer Motivation Questionnaire. Pearson Correlation Results There is a positive and significant relationship between all the predictive variables with Thriving Quotient. In addition, the direct impact of academic motivation on the Thriving Quotient was positive and significant. The self-concept and self-regulation variables, both directly and indirectly (by mediating educational motivation), were effective on success. The self-efficacy variable did not succeed in predicting the motivation and the interest due to its integration with other predictive variables. Overall, results showed that ۴۲% of the variance of Thriving Quotient was explained by self-concept, self-regulation and academic motivation. ۱۸% of the variance in the variable of academic motivation has been explained by self-concept and self-regulation variables. Finally, based on the results, it is suggested to plan to improve the status of the variables of self-concept, self-regulation, and academic motivation in schools in order to improve the Thriving Quotient.

**Keywords:** educational motivation, Thriving Quotient, academic self-concept, academic self-regulation, academic self-efficacy

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی بهره موفقیت بر اساس خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی با میانجی‌گری انگیزش تحصیلی بود. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان دختر و پسر متوسطه اول شهرستان سمنان در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بود. به‌منظور نیل به هدف پژوهش، ۴۰۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول شهرستان سمنان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب و پرسشنامه بهره موفقیت (TQ)، پرسشنامه خودپنداره تحصیلی یس یسن چن، پرسشنامه خودتنظیمی تحصیلی بوفارد، پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی مک ایلروی و بانتینگ و پرسشنامه انگیزش تحصیلی AMS والراند را تکمیل نمودند. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد بین همه متغیرهای پیش‌بین با بهره موفقیت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر آن تأثیر مستقیم انگیزش تحصیلی بر بهره موفقیت نیز مثبت و معنی‌دار بود. متغیرهای خودپنداره تحصیلی و خودتنظیمی تحصیلی هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم (با میانجی‌گری انگیزش تحصیلی) بر بهره موفقیت اثرگذار بودند. متغیر خودکارآمدی به علت همپوشی با سایر متغیرهای پیش‌بین سهم معنی‌داری در پیش‌بینی انگیزش تحصیلی و بهره موفقیت نداشت. در کل نتایج نشان داد که ۴۲ درصد از واریانس بهره موفقیت توسط متغیرهای خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی و انگیزش تحصیلی تبیین می‌شود. ۱۸ درصد از واریانس متغیر انگیزش تحصیلی نیز توسط متغیرهای خودپنداره تحصیلی و خودتنظیمی تحصیلی تبیین شده است. درنهایت بر اساس نتایج حاصله پیشنهاد می‌شود به‌منظور ارتقاء بهره موفقیت، برنامه‌ریزی لازم برای بهبود وضعیت متغیرهای خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی و انگیزش تحصیلی در مدارس صورت پذیرد.

**کلمات کلیدی:** انگیزش تحصیلی، بهره موفقیت، خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی.

## مقدمه

تعریف‌های قدیمی از موفقیت دانشجو ابتدا بر عملکرد تحصیلی و نرخ فارغ التحصیلی متمرکز بودند؛ اما محققان بسط این تعریف را آغاز کردند که درگیری و تحول شخصی را شامل می‌شود. کو، کینزی، شا، ویت و همکاران (۲۰۰۵) پیشنهاد می‌کنند که بهره موفقیت، رضایت، پایداری، سطوح بالای یادگیری و توسعه شخصی را شامل می‌شود. شیرینر (۲۰۱۱) نیز بهره موفقیت را شامل درگیری تحصیلی، اراده تحصیلی، دید مثبت، ارتباط اجتماعی و شهروندی متمایز می‌داند.

پژوهش‌ها نشان داده است افرادی که بهره موفقیت بالایی دارند، تمام تلاششان را صرف یادگیری می‌کنند، به‌صورت معنادار با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، معتقد به خلق آثار متفاوت هستند، نسبت به دنیای اطرافشان دیدگاه متفاوتی دارند، به‌طور معنادار علاقه‌مند به دستیابی به نمرات بالاتر هستند و از تجربیات دانشگاهی خود لذت بیشتری می‌برند. همچنین این افراد ورای قومیت، جنسیت، توانایی‌های علمی و نوع موسسه‌ای که در آن تحصیل می‌کنند به موفقیت‌های زیادی به‌خصوص موفقیت‌های سازمانی دست می‌یابند. همه این‌ها نشان‌دهنده این موضوع هستند که ما می‌توانیم بهره موفقیت را با شناسایی عوامل اثرگذار بر آن بالا ببریم (شرینر، ۲۰۱۰).

یکی از متغیرهای اثرگذار بر موفقیت، خودپنداره تحصیلی است (مشکات و حسینی، ۲۰۱۵). خودپنداره تحصیلی، بازنمود شناختی توانایی‌های فردی (الجاندر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹) و معیاری از اعتماد دانشجویان به توانایی‌های علمی آن‌ها است (استانکو و لی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان دهنده اهمیت بالای خودپنداره تحصیلی در افزایش مقاومت در برابر مشکلات و کسب موفقیت است (الجاندر و همکاران، ۲۰۱۹، امیرخانی و همکاران، ۲۰۱۸). شواهد فراوانی وجود دارد که خودپنداره تحصیلی بر موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارد (خلیلا، ۲۰۱۵) و خودپنداره تحصیلی خوب منجر به پیشرفت تحصیلی بهتر می‌شود (مشکات و حسینی، ۲۰۱۵؛ جاسوال و چودهری<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

متغیر دیگر اثرگذار بر موفقیت، خودتنظیمی است (جدالد<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۶، لین لای و وانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). خودتنظیمی اشاره به توانایی حفظ آرامش در بحران‌ها (مک‌کلند<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) و همچنین توانایی تمرکز توجه، مدیریت افکار و احساسات و مهار برخی رفتارها به نفع سایر رفتارهای برتر دارد (مکلند<sup>۷</sup> و کامرون، ۲۰۱۲؛ ریم و وانلس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲). خودتنظیمی یک مهارت پایه‌ای در دوران کودکی است و والدین نقش مهمی در توسعه آن دارند (مراسکا<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). خودتنظیمی به عملکرد اجرایی (بلیر<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۴)، کنترل زیاد (گرازیانو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰)، تنظیم هیجانات (ریوا<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۶) و کنترل خود (ملدروم<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۸) اشاره دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند دانش‌آموزان دارای سطوح بالای خودتنظیمی، تمایل بیشتری به یادگیری مؤثر دارند (لین لای و وانگ<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۶) و به‌کارگیری راهبردهای یادگیری خودتنظیمی در موفقیت تحصیلی دانشجویان مؤثر است.

<sup>۱</sup> Alejandro

<sup>۲</sup> Stankov & Lee

<sup>۳</sup> Jaiswal & Choudhuri

<sup>۴</sup> Geduld

<sup>۵</sup> Lin Lai & Hwang

<sup>۶</sup> McClelland

<sup>۷</sup> McClelland & Cameron

<sup>۸</sup> Rimm & Wanless

<sup>۹</sup> Morawska

<sup>۱۰</sup> Blair

<sup>۱۱</sup> Graziano

<sup>۱۲</sup> Riva

<sup>۱۳</sup> Meldrum

<sup>۱۴</sup> Lin Lai & Hwang

(فروتن و همکاران، ۱۳۹۵، مقدری کوشا و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین برگر و کارابینک<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نشان دادند کاربرد موفقیت‌آمیز راهبردهای خودتنظیمی منجر به افزایش انگیزش و در نهایت افزایش موفقیت تحصیلی می‌شود.

خودکارآمدی تحصیلی یکی دیگر از متغیرهای است که هم به صورت مستقیم (هایجارد<sup>۲</sup> و همکارانش، ۲۰۱۵، بردی، آمون و فرتس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱، هانیک<sup>۴</sup> و برادنبث<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶) و هم به صورت غیر مستقیم با میانجی‌گری متغیرهایی از جمله انگیزش تحصیلی، موفقیت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند (آنسونگ<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۹). همچنین پژوهش‌های قنبری و آزادی (۱۳۹۴) و شخمگار، محمدپور، سنجاری (۲۰۱۸) نشان دهنده تأثیر مثبت خودکارآمدی بر انگیزش تحصیلی می‌باشد. علاوه بر آن پژوهش‌های گواندوژی<sup>۷</sup> (۲۰۱۷) و جوواناویک<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) نشان دهنده آن است که انگیزش تحصیلی بالا باعث موفقیت تحصیلی بیشتر می‌شود.

با توجه به نقش متغیرهای خودپنداره، خودتنظیمی و خودکارآمدی تحصیلی در پیش‌بین انگیزش تحصیلی و همچنین با توجه به اینکه انگیزش تحصیلی مایه اساسی یادگیری و نیروی روانی تقویت‌کننده رفتار به‌سوی هدف (اسچاکتر<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۰)، تسهیل‌کننده جستجوی خودکار هدف (ورنر<sup>۱۰</sup> و میلیاسکا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۸) و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم موفقیت تحصیلی است (لنا<sup>۱۲</sup> و تاسیلار<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۵، گاتز و کلی<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۶)، هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی بهره موفقیت بر اساس خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی با میانجی‌گری انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان می‌باشد.

## روش پژوهش:

نوع پژوهش حاضر کاربردی و طرح پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه اول شهرستان سمنان در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به نسبت حجم طبقات استفاده شد. طبقات بر اساس جنسیت (دختر - پسر)، پایه تحصیلی (هفتم، هشتم، نهم) و مناطق (برخوردار، نیمه برخوردار - کمتر برخوردار) انتخاب شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر تعیین شد که با روش تصادفی طبقه‌ای ۱۰ مدرسه انتخاب و نمونه به نسبت جمعیت طبقات ذکرشده از بین مدارس انتخاب شد.

## ابزارهای پژوهش:

### الف) پرسشنامه بهره موفقیت (TQ<sup>۱۵</sup>):

بهره موفقیت ابزاری ۲۶ سؤالی است که شامل پنج خرده‌مقیاس درگیری تحصیلی، اراده تحصیلی، دید مثبت، ارتباط اجتماعی و شهروندی متمایز است (شیرینر، ۲۰۱۱). ساختار عاملی پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأیید شده و ضرایب آلفا برای

<sup>۱</sup> Berger & Karabenick

<sup>۲</sup> Hoigaard

<sup>۳</sup> Brady & Amoon & Fuertes

<sup>۴</sup> Honicke

<sup>۵</sup> Broadbent

<sup>۶</sup> Ansong

<sup>۷</sup> Gu'ndu'z

<sup>۸</sup> Jovanovic'

<sup>۹</sup> Schacter et al

<sup>۱۰</sup> Werner

<sup>۱۱</sup> Mil'yavskaya

<sup>۱۲</sup> Leana

<sup>۱۳</sup> Tas.cilar,

<sup>۱۴</sup> Gatz & Kelly

<sup>۱۵</sup> Thriving Quotient

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

درگیری تحصیلی (۰/۸۵)، اراده تحصیلی (۰/۸۳)، دید مثبت (۰/۸۳) ارتباط اجتماعی (۰/۸۱) و شهروندی متمایز (۰/۸۰) می‌باشد (شرینر و همکاران، ۲۰۱۱).

### ب) پرسشنامه خودپنداره تحصیلی یس یسن چن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴):

پرسشنامه ۱۵ سوال خودپنداره تحصیلی در سال ۲۰۰۴ توسط یس یسن چین با اجرا روی ۱۶۱۲ دانش‌آموز تایوانی معرفی شد. پژوهش‌ها نشان دهنده روایی محتوایی، روایی سازه و روایی همگرایی مناسب این پرسشنامه می‌باشد (افشاری زاده و همکاران، ۱۳۹۲). پایایی پرسشنامه در پژوهش افشاری زاده و همکاران (۱۳۹۲) برابر با ۰/۷۸ و در پژوهش مرعشیان و همکاران (۲۰۱۲) برابر با ۰/۹۲ به دست آمد.

### الف) پرسشنامه خودتنظیمی بوفارد:

این پرسشنامه توسط بوفارد و همکارانش (۱۹۹۵) بر اساس نظریه شناختی بندورا طراحی و توسط کدیور در ایران هنجاریابی شده است. سؤال‌ها در مقیاس لیکرت بوده و بر اساس تحلیل عاملی از دو خرده مقیاس راهبردهای شناختی و فراشناختی اشباع شده است. پایایی خرده مقیاس راهبردهای شناختی، فراشناختی و کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۸ و ۰/۷۱ می‌باشد (کدیور، ۱۳۸۰).

### د) پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی (مک ایلروی و بانتینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱):

پرسشنامه ۱۰ سوالی خودکارآمدی تحصیلی<sup>۳</sup> توسط مک ایلروی و بانتینگ در سال ۲۰۰۱ تدوین شد. ساختار تک عاملی پرسنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأیید و همسانی درونی آن ۰/۸۱ به دست آمد (مک ایلروی و بانتینگ، ۲۰۰۲). همچنین ساختار تک عاملی ابزار در ایران تأیید و همسانی درونی آن ۰/۷۵ به دست آمد (انیسان، ابراهیمی قوام، پور عباسی و همکاران، ۱۳۹۴).

### ج) پرسشنامه انگیزش تحصیلی AMS:

پرسشنامه انگیزش تحصیلی<sup>۴</sup> AMS دارای ۲۸ پرسش ۷ گزینه‌ای است که سه بعد انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی انگیزشی را می‌سنجد. بررسی‌های رابرت والرند و همکارانش نشان دهنده روایی و پایایی مناسب AMS بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی و نیز دانشجویان کانادایی می‌باشد. پژوهش‌های انجام شده در ایران نشان دهنده برازش مناسب مدل سه عاملی می‌باشد، همچنین ضریب پایایی عامل‌های انگیزش درونی، بیرونی و بی‌انگیزگی به ترتیب ۰.۸۴، ۰.۸۶، ۰.۶۷ به دست آمد (ویسانی و همکاران، ۱۳۹۱).

### یافته‌ها:

به‌منظور تعیین رابطه ساده متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و برای ارزیابی مدل پژوهش از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون پیرسون برای بررسی رابطه ساده متغیرهای پژوهش با متغیر ملاک

| خودتنظیمی تحصیلی | خودپنداره تحصیلی | خودکارآمدی تحصیلی | بهره موفقیت |                   |
|------------------|------------------|-------------------|-------------|-------------------|
|                  |                  |                   | ۰.۲۸۱       | خودکارآمدی تحصیلی |
|                  |                  | ۰.۳۳۷             | ۰.۴۸۷       | خودپنداره تحصیلی  |
|                  | ۰.۵۰۱            | ۰.۴۲۵             | ۰.۴۶۵       | خودتنظیمی تحصیلی  |

<sup>۱</sup> Yi-Hissn Chen

<sup>۲</sup> McIlroy & Bunting

<sup>۳</sup> Academic Self-Efficacy Questionnaire

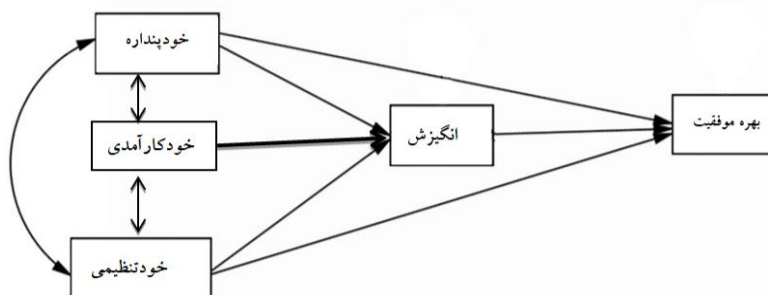
<sup>۴</sup> Academic Motivation Scale (AMS)

# روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

|               |       |       |       |       |
|---------------|-------|-------|-------|-------|
| انگیزش تحصیلی | ۰.۵۳۹ | ۰.۴۰۴ | ۰.۳۸۲ | ۰.۳۵۵ |
|---------------|-------|-------|-------|-------|

\* همبستگی‌ها در سطح  $p \leq 0.01$  معنی‌دار است.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که رابطه بین همه متغیرها مثبت و معنی‌دار است. بیشترین رابطه بین انگیزش تحصیلی و بهره موفقیت با  $r=0.539$  و کمترین رابطه بین خودکارآمدی تحصیلی و بهره موفقیت با  $r=0.281$  وجود دارد. به‌منظور آزمون مدل پژوهش از تحلیل مسیر استفاده شد. پیش از استفاده از تحلیل مسیر در ابتدا وجود داده‌های پرت تک متغیری با استفاده از نمودار مستطیلی (باکس پلات)<sup>۱</sup> مورد بررسی و داده‌های پرت با نزدیک‌ترین داده غیر پرت جایگزین شد. علاوه بر آن یکسانی شکل توزیع متغیرها نیز با استفاده از نمودار مستطیلی بررسی شد. نتایج نشان داد که توزیع‌ها تقریباً هم‌شکل می‌باشند. مفروضه نرمال بودن باقیمانده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. نتایج نشان داد توزیع باقیمانده‌ها نرمال است ( $p \geq 0.05$ ) نرمال است. مفروضه یکسانی واریانس‌ها از طریق نمودار کردن باقیمانده‌های استاندارد شده رگرسیون<sup>۲</sup> در مقابل مقادیر پیش‌بینی شده استاندارد رگرسیون<sup>۳</sup> بررسی شد. نقاط به‌صورت تصادفی پراکنده شده بودند که حاکی از یکسانی واریانس‌ها بود. به‌منظور بررسی استقلال خطاها از آماره دوربین واتسون استفاده شد. نتایج نشان داد مفروضه استقلال برقرار است (برای بهره موفقیت  $DW=1/913$  و برای انگیزه پیشرفت  $DW=1/718$  به دست آمد). مفروضه هم خطی چندگانه<sup>۴</sup> از طریق آماره تلرانس و هم‌چنین تورم واریانس (VIF) بررسی شد. نتایج نشان داد که کمینه تلرانس برابر با  $0.702$  و بیشینه مقدار تورم واریانس برابر  $1/425$  است که نشان می‌دهد هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. با توجه به برقرار بودن مفروضه‌ها به‌منظور تعیین سهم متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر ملاک با میانجی‌گری متغیر انگیزش تحصیلی از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج در ادامه ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اولیه تحقیق

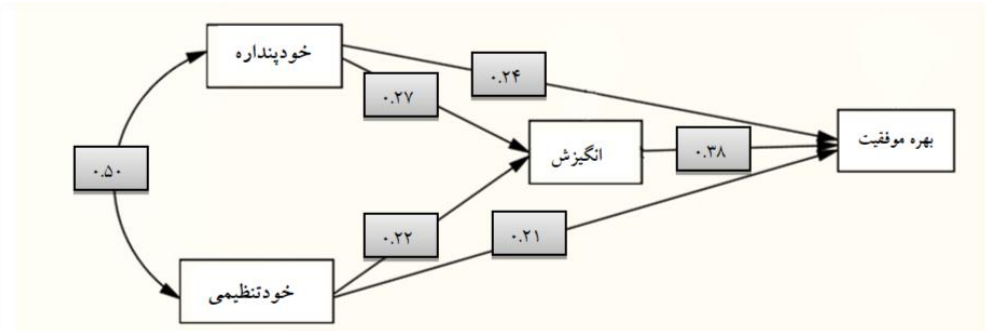
در ادامه نتایج حاصله از نرم‌افزار لیزرل برای مدل مذکور ارائه شده است.

<sup>۱</sup> Boxplot

<sup>۲</sup> Regression Standardized Residual

<sup>۳</sup> Regression Standardized Predicted Value

<sup>۴</sup> multiCollinearity



شکل ۲. مدل نهایی و ضرایب مسیر

نتایج مدل مذکور نشان می‌دهد که متغیر خودکارآمدی به علت همپوشانی با سایر متغیرهای مستقل از مدل حذف شده است. بزرگ‌ترین ضریب مسیر مربوط به تأثیر متغیر انگیزش تحصیلی بر بهره‌موقفیت (۰/۳۸) و کوچک‌ترین ضریب مسیر مربوط به تأثیر متغیر خودتنظیمی بر بهره‌موقفیت (۰/۲۱) می‌باشد. علاوه بر آن ضریب مسیر برای متغیر خودتنظیمی به انگیزش تحصیلی برابر با (۰/۲۲)، ضریب مسیر برای متغیر خودپنداره به انگیزش تحصیلی برابر با (۰/۲۷) و خودپنداره به بهره‌موقفیت برابر با (۰/۲۴) می‌باشد. همچنین بر اساس مدل مذکور ۴۲ درصد از واریانس بهره‌موقفیت توسط متغیرهای خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی و انگیزش تحصیلی تبیین می‌شود. ۱۸ درصد از واریانس متغیر انگیزش تحصیلی نیز توسط متغیرهای خودپنداره تحصیلی و خودتنظیمی تحصیلی تبیین شده است.

بنا به پیشنهاد تامپسون (رضایی، حسینی منش، مکوند و اکبری بلوط بنگان، ۱۳۹۳) زیرمجموعه‌ای از شاخص‌های برازش کلی شامل  $\chi^2$  دو، شاخص برازش نرم شده (NFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) و ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) مهم‌ترین شاخص‌های برازش می‌باشند. لذا برای پژوهش حاضر شاخص‌های ذکر شده محاسبه شد. نتایج آماره  $\chi^2$  دو نشان داد که مقدار این آماره برابر با ۰/۰۱ است که با درجات آزادی ۱، مقدار سطح معنی‌داری آن ۰/۹۱۲ به دست آمد که بیانگر برازش مدل با داده‌ها می‌باشد. مقدار شاخص برازش نرم شده (NFI) و شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) می‌تواند بین صفر و ۱ باشد. مقادیر ۰/۹۵ و بالاتر، قابل قبول فرض می‌شوند. مقادیر NFI و CFI در تحقیق حاضر برابر با ۱ به دست آمد. بر اساس ملاک ۰/۹۵ و بالاتر، این مقادیر مدل را تأیید می‌کنند.

ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) متوسط باقیمانده‌های بین همبستگی/کوواریانس مشاهده‌شده نمونه و مدل مورد انتظار برآورد شده از جامعه را نشان می‌دهد. لوهلین (نقل از میرز، گامست و گارینو، ۲۰۰۶؛ ترجمه پاشاشریفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ص ۷۱۱) مقادیر کمتر از ۰/۰۸ را نشان‌دهنده برازش خوب، ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ را بیانگر برازش متوسط و بالاتر از ۰/۱۰ را نشان‌دهنده برازش ضعیف می‌داند. مقدار RMSEA برای پژوهش حاضر ۰/۰۰۵ به دست آمد که بیانگر برازش خوب مدل با داده‌ها می‌باشد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی بهره‌موقفیت بر اساس خودپنداره، خودتنظیمی و خودکارآمدی تحصیلی با نقش میانجی انگیزش تحصیلی بود. به‌منظور تعیین رابطه ساده متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و به‌منظور آزمون مدل از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد بین خودپنداره تحصیلی و بهره‌موقفیت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های مشکلات و حسینی (۲۰۱۵)، امیرخانی و همکاران (۲۰۱۸)، هوانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، سوارز و همکاران (۲۰۱۴)، گاتریز (۲۰۱۸) و راموس<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، جاسوال و چودھری (۲۰۱۷)، گرین (۲۰۱۲)، رینولدز (۱۹۸۸)، خلیلا (۲۰۱۵)؛ همسو بود. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند خودپنداره تحصیلی پیش‌شرط لازم برای موفقیت تحصیلی است (مارش و مارتین، ۲۰۱۱) اگر دانش‌آموزان شایستگی‌های علمی خود را درک کنند و دربارہ‌ی تلاش‌هایشان باور مثبت داشته باشند، می‌توانند نمرات بالاتری به دست آورند،

<sup>۱</sup>.Huang

<sup>۲</sup>.Ramos

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

زیرا خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان باعث ایجاد انگیزه در آن‌ها می‌شود و انگیزه موفقیت تحصیلی را افزایش می‌دهد. همچنین بین خودتنظیمی تحصیلی و بهره موفقیت نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت که با یافته‌های حاج شمسائی، کارشکی و امین یزدی (۱۳۹۳)، بلیر و راور (۲۰۱۵)، مازاکو و کاور<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، برنات<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۶)، لین لای و وانگ (۲۰۱۶)، چالارت و دبکر<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) همسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان اذعان داشت که دانش‌آموزان موفق در تحصیل، اغلب یادگیرندگان خودتنظیم هستند و در مقایسه با دانش‌آموزان ناموفق در تحصیل، هدف‌یادگیری‌شان را به‌طور اختصاصی‌تری تنظیم می‌کنند، از راهبردهایی بیشتری برای یادگیری استفاده می‌کنند و به‌صورت منظم‌تری پیشرفت‌شان را به سمت هدف ارزیابی می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که خودتنظیمی، عاملی مهم در امر تحصیل است و دانش‌آموزانی که دارای خودتنظیمی بالاتری هستند، در زمینه تحصیل از وقت و انرژی خود به درستی استفاده می‌کنند. همچنین به دلیل اینکه این دانش‌آموزان احساس کنترل و خودتنظیمی دارند، انگیزه دستیابی به موفقیت در آن‌ها نیز بیشتر است (لین لای و وانگ، ۲۰۱۶، چالارت و دبکر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). متغیر خودکارآمدی تحصیلی نیز در همبستگی پیرسون رابطه معنی‌داری با بهره موفقیت داشت؛ اما در مدل به علت هم‌پوشانی با سایر متغیرهای مستقل حذف شد. برپایه پژوهش‌ها، خودکارآمدی تحصیلی با موفقیت تحصیلی رابطه دارد (پاجاری<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷، بندورا ۱۹۹۷، بندورا، ۲۰۰۱). نتایج تحقیقات هاجارد و همکارانش (۲۰۱۵)، بردلی، آمون و فرتس<sup>۶</sup> (۲۰۱۱)، چانک و پینتریک و میک<sup>۷</sup> (۲۰۱۰)، دیسس (۲۰۱۱)، تسای<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان داد بین خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در تبیین رابطه ساده خودکارآمدی تحصیلی و بهره موفقیت می‌توان گفت افزایش احساس خودکارآمدی باعث می‌شود که با توجه به سطح توانایی، دانش‌آموزان در راهبردهای خودسامان بخش مؤثرتری درگیر شوند و کارکرد حافظه آن‌ها افزایش یابد و نقش آسان‌ساز را در بین فعالیت‌های شناختی بازی کند (پاجاری ۱۹۹۷)؛ بنابراین فراهم آوردن بافتی مناسب برای پیدایش خودکارآمدی مثبت می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت تحصیلی در آینده باشد. به‌ویژه که تجربه‌های شخصی و تجربه‌های مشاهده‌ای به‌عنوان دو منبع اصلی نقش مهمی در احساس خودکارآمدی ایفا می‌کنند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین خودپنداره تحصیلی و انگیزش تحصیلی به‌عنوان متغیر میانجی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های بسیاری از جمله گوای<sup>۹</sup>، راتل<sup>۱۰</sup>، روی<sup>۱۱</sup> و لیتالین<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۰) همسو است. در توجیه این یافته می‌توان گفت که تأثیرات محیطی و شیوه‌های فرزند پروری، نحوه تعاملات و امکانات می‌توانند تأثیر مستقیمی بر یادگیری و رشد افراد داشته باشند از این رو محیط آموزشی غنی که بتواند شرایط مساعد برای تفکر را ایجاد کند موجب پرورش مهارت‌هایی در افراد می‌شود، از قبیل ارتباط مناسب با محیط، توانمندسازی افراد، تشریک مساعی در کارهای گروهی، اشتراک دیدگاه‌ها و نظرات با دیگر اعضا، اختیار و مشارکت و تصمیم‌گیری‌های تحصیلی می‌تواند برافزایش دانش و ایجاد انگیزه نقش چشمگیری ایفا نماید.

<sup>۱</sup>. Mazzocco & Kover

<sup>۲</sup>. Bernadette

<sup>۳</sup>. Chalart & Debcker

<sup>۴</sup>. Chalart & Debcker

<sup>۵</sup>. Pajares

<sup>۶</sup>. Brady, Amoon & Fuertes

<sup>۷</sup>. Schunk, Pintrich & Meece

<sup>۸</sup>. Tsai

<sup>۹</sup>. Gouai

<sup>۱۰</sup>. Ratell

<sup>۱۱</sup>. Roi

<sup>۱۲</sup>. Litalin

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

همچنین نتایج مطالعه حاضر نشان داد بین خودتنظیمی تحصیلی و انگیزش تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد که این یافته با نتایج شارپ<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، برگر<sup>۲</sup> و کارابینک<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) و اکسان<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، خودتنظیمی برخاسته از نظریه سازنده گرایی است و این نظریه به نقش فعال فراگیر در یادگیری تأکید دارد و این فعال بودن و داشتن حق انتخاب و آزادی عواملی هستند که توسط عطاپور (۱۳۸۳) و ریان<sup>۵</sup> و گرونیک<sup>۶</sup> (۱۹۹۸)، به‌عنوان عوامل مؤثر بر بهبود انگیزه مطرح شده‌اند.

همچنین نتایج نشان داد بین انگیزش تحصیلی و بهره موفقیت رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد که با یافته‌های لنا<sup>۷</sup> و تاسیلار<sup>۸</sup> (۲۰۱۵)، گتز و کلی<sup>۹</sup> (۲۰۱۷)، سوچی<sup>۱۰</sup> و مارلنا<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۶) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، انگیزش می‌تواند بر چپستی، زمان و چگونگی یادگیری اثر بگذارد. دانش‌آموزانی که برای یادگیری موضوعی برانگیخته می‌شوند، این آمادگی را پیدا می‌کنند که به فعالیت‌هایی که اعتقاد دارند به یادگیری آن‌ها کمک می‌کند، بپردازند، مانند توجه دقیق به آموزش، سازمان‌دهی ذهنی محتوای آموزشی و تکرار و تمرین آن‌ها برای یادگیری، یادداشت‌برداری برای تسهیل مطالعات بعدی، بررسی سطح درک خود و کمک خواستن از دیگران هنگامی که محتوا یا مطالب آموزشی را درک نمی‌کنند (زیمرن و مارتینز پونز<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۲). درواقع می‌توان نتیجه گرفت دانش‌آموزانی که از خود و توانایی‌های علمی خود آگاه‌ترند و قادر به کنترل بیشتری بر اعمال خود هستند و درک بیشتری از توانایی خود برای موفقیت در انجام کارها دارند، از انگیزش تحصیلی بیشتری برخوردار بوده و به تبع آن از بهره موفقیت بیشتری در امور تحصیلی و درسی برخوردار می‌شوند.

به‌طور کلی تأمین شرایط مطلوب برای اجرای یک پژوهش به‌دشواری میسر است. نخستین محدودیت پژوهش حاضر مربوط به طرح و ماهیت مقطعی آن می‌باشد. روابط ساختاری بین متغیرهای این پژوهش، روابط همزمانی بوده و علی نیست. بنابراین طرح استنتاج‌های علت و معلولی براساس یافته‌های آن امکان‌پذیر نیست. براین اساس، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود با استفاده از طرح تحقیقاتی آینده نگر که در آن در فواصل زمانی متفاوت از مفاهیم مختلف، اندازه‌گیری به‌عمل آورده می‌شود، روابط علی بین سازه‌های خودپنداره تحصیلی، خودتنظیمی تحصیلی، انگیزش تحصیلی و بهره موفقیت را در الگوی ساختاری مفروض بیازمایند.

محدودیت دیگر این پژوهش مربوط به ابزارهای اندازه‌گیری می‌باشد. پرسشنامه‌ها تعدادی محدودیت ذاتی (خطاهای اندازه‌گیری، پاسخ‌های قابل‌پذیرش اجتماعی و ...) دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از سایر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات همچون مصاحبه استفاده گردد.

سومین محدودیت، مربوط به جامعه آماری پژوهش می‌باشد. با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان متوسطه اول شهرستان سمنان تشکیل می‌دهند، تعمیم کارکردهای مفاهیم منتخب در مدل مفروض نیازمند انتخاب جوامع و گروه‌های نمونه دیگری نیز می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آینده، بر روی سایر جوامع مطالعه حاضر را تکرار نمایند تا شواهدی از بسط روابط ساختاری موجود، فراهم آورند.

در نهایت با توجه به اینکه ۴۲ درصد از واریانس بهره موفقیت توسط متغیرهای خودپنداره تحصیلی و خودتنظیمی تحصیلی با نقش میانجی انگیزش تحصیلی تبیین شد و همچنین با عنایت به اینکه ۱۸ درصد از واریانس متغیر انگیزش تحصیلی نیز توسط

<sup>۱</sup> Sharp

<sup>۲</sup> Berger

<sup>۳</sup> Karabenick

<sup>۴</sup> Ackson

<sup>۵</sup> Rayan

<sup>۶</sup> Gronic

<sup>۷</sup> Leana

<sup>۸</sup> Tas, cilar

<sup>۹</sup> Gatz, Kelly

<sup>۱۰</sup> Sevgi

<sup>۱۱</sup> Marilena

<sup>۱۲</sup> zimmerman & Martinez-pons

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

متغیرهای خودپنداره تحصیلی و خودتنظیمی تحصیلی تبیین شد، پیشنهاد می‌شود به‌منظور ارتقاء انگیزش تحصیلی و به تبع آن بهره‌موفقیّت، برنامه‌ریزی لازم برای بهبود وضعیت متغیرهای خودپنداره تحصیلی و خودتنظیمی تحصیلی در مدارس صورت پذیرد.

## موازین اخلاقی

در پژوهش حاضر موازین اخلاقی نظیر رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات، جلب رضایت و تمایل آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش، حق انتخاب آن‌ها برای ادامه و یا انصراف پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، رعایت شده است.

## سپاسگزاری:

در پایان از تمام شرکت‌کنندگان در این طرح پژوهشی و سایر افرادی که ما را در اجرای طرح یاری رسانند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

## مشارکت نویسندگان:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول، در رشته روان‌شناسی تربیتی دانشگاه سمنان است و همه نویسندگان این مقاله نقش یکسانی در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی‌سازی نوشته داشتند.

## تعارض منافع:

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

## منابع فارسی:

- انیسان، عباس؛ ابراهیمی قوام، صغری؛ پورعباسی، عطاالله. انسیان، رضا. (۱۳۹۴). مقایسه خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر چاق، دارای اضافه‌وزن و عادی در مقطع متوسطه. فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ۴۱(۲): ۱۱-۱۱.
- رضایی، علی‌محمد؛ حسینی منش، سیده زینب؛ مکوند حسینی، شاهرخ؛ اکبری بلوطینگان، افضل. (۱۳۹۴). «رابطه خلاقیت هیجانی و خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی: نقش میانجی انگیزه پیشرفت». ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴(۳): ۳۳-۵۳.
- مقدری کوشا، مهناز؛ چراغی، فاطمه؛ مظفری، حمیده؛ ایمنی، بهزاد. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان». دوماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی. ۱۳۹۷؛ ۱۱ (۳): ۴۵-۵۲.

## منابع لاتین:

- Alejandro, Veas. Juan-Luis, Castejón. Pablo, Miñano, and Raquel Gilar-Corbí. (۲۰۱۹). "Early Adolescents' Attitudes and Academic Achievement: The Mediating Role of Academic Self-concept. *Revista de Psicodidáctica*", *Revista de Psicodidáctica*, ۲۰۱۹, ۲۴ (۱), ۷۱-۷۷.
- Amirkhani, Mehdi. Habibi, Fatemeh. Hakimi, Azadeh. Najafi Kalyani, Majid. Salami, Javad. (۲۰۱۸). "A cross-sectional study of relationship between self-esteem and self-concept of students of medical sciences". *International Journal of Research in Medical Sciences*. ۶(۳): ۷۴۷-۷۵۰.
- Ansong, David. Eisensmitha, Sarah R. Okumub, Moses. A Chowaa, Gina. (۲۰۱۹). "The importance of self-efficacy and educational aspirations for academic achievement in resource-limited countries: Evidence from Ghana". *Journal of Adolescence* ۷۰ (۲۰۱۹) ۱۳-۲۳.
- Bandura, A. (۱۹۹۷). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York, NY: W.H. reeman.
- Bandura, Albert. (۲۰۰۱). *Guide for Constructing Self-Efficacy Scales*. Stanford, CA, USA: Stanford University.

- Blair, C. Raver, C. Berry, D. J. & Project, F. L. (۲۰۱۴). "Two approaches to estimating the effect of parenting on the development of executive function in early childhood". *Developmental Psychology*, 50(۲), ۵۵۴-۵۶۵.
- Brady-Amoon, P. & Fuertes, J. N. (۲۰۱۱). "Self-efficacy, self-rated abilities, adjustment, and academic performance". *Journal of Counseling & Development*, ۸۹(۱), ۴۳۱-۴۳۸.
- Gatz, Jennifer. Kelly, Angela M. (۲۰۱۷). "Afterschool school triathlon training for ۱۱- to ۱۴-year old girls: Influences on academic motivation and achievement". *Health Education Journal*. ۷۷(۲), ۱۵۶-۱۶۸.
- Graziano, P. A. Keane, S. P. & Calkins, S. D. (۲۰۱۰). "Maternal behavior and children's early emotion regulation skills differentially predict development of children's reactive control and later effortful control". *Infant and Child Development*, 19(۴), ۳۳۳-۳۵۳.
- Hoigaard, R. Kovac, V. B. Overby, N. C. & Haugen, T. (۲۰۱۵). "Academic self-efficacy mediates the effects of school psychological climate on academic achievement". *School Psychology Quarterly*, ۳۰(۱), ۶۴-۷۴.
- Honicke, Toni. Broadbent, Jaclyn. (۲۰۱۶). "the influence of academic self-efficacy on academic performance: A systematic review". *Educational Research Review* ۱۷, ۶۳-۸۴.
- Jaiswal, Sandeep Kumar. Choudhuri, Rashmi. (۲۰۱۷). "Academic Self Concept and Academic Achievement of Secondary School Students". *American Journal of Educational Research*, Vol. ۵, No. ۱۰, ۱۱۰۸-۱۱۱۳.
- Leana, Tas. Cilar, M.Z. (۲۰۱۵). "the actiotope model of giftedness: its relationship with motivation, and the prediction of academic achievement among Turkish students". *The Australian Educational and Developmental Psychologist* ۳۲(۱): ۴۱-۵۵. DOI: ۰.۱۰۱۷/edp.۲۰۱۵.۶.
- Lin Lai, Chiu. Hwang, Jen. (۲۰۱۶). "A self-regulated flipped classroom approach to improving students' learning performance in a mathematics course". *Computers & Education*, ۱۰۰, ۱۲۶-۱۴۰. doi:۱۰.۱۰۱۶/j.compedu.۲۰۱۶.۰۵.۰۰۶
- Marsh, H. W. & Martin, A. J. (۲۰۱۱). "Academic self-concept and academic achievement: Relations and causal ordering". *British Journal of Educational Psychology*, ۸۱, ۵۹-۷۷.
- McClelland, M. & Cameron, C. (۲۰۱۲). "Self-regulation in early childhood: Improving conceptual clarity and developing ecologically valid measures". *Child Development*, ۶, ۱۳۶-۱۴۲.
- McClelland, M., Geldhof, J., Morrison, F., Gestsdóttir, S., Cameron, C., Bowers, E., Grammer, J. (۲۰۱۷). *Self-Regulation. Handbook of Life Course Health Development*, ۲۷۵-۲۹۸. doi:۱۰.۱۰۰۷/۹۷۸-۳-۳۱۹-۴۷۱۴۳-۳\_۱۲.
- Meldrum, R. C. Trucco, E. M. Cope, L. M. Zucker, R. A. & Heitzeg, M. M. (۲۰۱۸). "Brain activity, low self-control", and delinquency: An fMRI study of at-risk adolescents. *Journal of Criminal Justice*, ۵۶, ۱۰۷-۱۱۷. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2017.07.007>.
- Meshkat, M. and Hosseini, S.M. (۲۰۱۵). "The relationship between academic self-concept and learning English in high school students". *Modern Journal of Language Teaching Methods*, ۵(۴): ۳۸۳-۳۸۹.
- Milyavskaya, M., & Inzlicht, M. (۲۰۱۷). Attentional and motivational mechanisms of self-control. *The Routledge International Handbook of Self-Control in Health and Well-Being*, ۱۱-۲۳. doi:۱۰.۴۳۲۴/۹۷۸۱۳۱۵۶۴۸۵۷۶۶\_۲
- Morawska, A., Dittman, C. K., & Rusby, J. C. (۲۰۱۹). "Promoting Self-Regulation in Young Children: The Role of Parenting Interventions". *Clinical Child and Family Psychology Review*, ۲۲(۱), ۴۳-۵۱.
- Pajares, Frank. (۱۹۹۷). "Current Directions in Self-Efficacy Research". *Advances in Motivation and Achievement*, Volume ۱۰: 1-49.
- Riva, Crugnola. C. Ierardi, E. Ferro, V. Gallucci, M. Parodi, C. & Astengo, M. (۲۰۱۶). "Mother-infant emotion regulation at three months: The role of maternal anxiety, depression and parenting stress". *Psychopathology*, 49(۴), ۲۸۵-۲۹۴.
- Schacter, D. Gilbert, D.T. and Wegner, D.M. (۲۰۱۰). *Psychology*. NY: Catherine Woods.

- Schreiner, L. & Louis, M. (۲۰۱۱). "The Engaged Learning Index: Implications for faculty development". *Journal on Excellence in College Teaching*, ۲۲(۱), ۵-۲۸.
- Schreiner, L. Kammer, R. Primrose, B. & Quick, D. (۲۰۱۱). *Predictors of Thriving in Students of Color: Differential Pathways to College Success*. Paper presented at the Association for the Study of Higher Education, Charlotte, NC.
- Shokhmgar, Zahra. Mohammadpour, Malihe. Sanjari, Mohammad. (۲۰۱۸). "Effectiveness of Self-Efficacy Group Training on Achievement Motivation and Self-Efficacy of High School Students". *JCBR*. ۲۰۱۸; ۲(۱): ۳۲-۳۸.
- Stankov, L. and Lee, J. (۲۰۱۷). "Self-beliefs: Strong correlates of mathematics achievement and intelligence". *Intelligence*, ۶۱: ۱۱-۱۶.
- Zimmerman, B.J. Martinez-Pons, m. (۱۹۹۲). "Perceptions of efficacy and strategy use in the self-regulation of learning". *student Perceptions in the classroom* (pp. ۱۸۵-۲۰۷) Hillsdale, NJ: Erlbaum. ۲۹-۴۱.

## پیوست‌ها:

### پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی (مک‌ایلروی و بانتینگ، ۲۰۰۱)

لطفاً به سوال‌های زیر پاسخ دهید، گزینه‌های پاسخ عبارتند از:

- ۱- کاملاً مخالفم، ۲- مخالفم، ۳- تا حدودی مخالفم ۴- نظری ندارم ۵- تا حدودی موافقم ۶- موافقم ۷- کاملاً موافقم

۱. من مطمئن هستم که می‌توانم نتایج خوبی را در امتحان بگیرم اگر تمام حواسم را به آن معطوف کنم.
۲. اگر یک مسئله درسی را متوجه نشوم همه تلاشم را برای حل آن انجام می‌دهم.
۳. وقتی می‌شنوم که دیگر دانش‌آموزان در امتحانشان موفق نبوده‌اند این موضوع مرا بیشتر برای موفقیت مصمم می‌کند.
۴. من مطمئن هستم با مدت زمانی که در اختیار دارم به قدر کافی برای امتحانات آماده خواهم شد.
۵. من هنگام روبه‌رو شدن با مسائل سخت تحصیلی آنها را کنار می‌گذارم.
۶. هر چقدر هم که تلاش کنم نمی‌توانم بسیاری از مسائل درسی را حل کنم.
۷. من مطمئن هستم از عهده مسایلی که در جریان تحصیل قادر به حل آنها نبوده‌ام بر خواهم آمد.
۸. من انتظار دارم نتیجه خوبی را در پایان نیمسال تحصیلی بگیرم.
۹. من می‌ترسم که در امتحانات پایان نیمسال تحصیلی کم‌شانسی بیاورم.
۱۰. من به توانایی خودم در انجام موفقیت‌آمیز امتحانات شکی ندارم.

### پرسشنامه خودپنداره یس یسن چن (۲۰۰۴)

لطفاً به سوال‌های زیر پاسخ دهید، گزینه‌های پاسخ عبارتند از:

- ۱- کاملاً مخالفم، ۲- مخالفم، ۳- موافقم ۴- کاملاً موافقم

۱. معمولاً دیگران می‌گویند من خودم را دوست دارم.
۲. من دوست دارم در کلاس به سوالات جواب دهم.
۳. من احساس می‌کنم، شخص خوشحالی هستم.
۴. من معمولاً در مدرسه تشویق می‌شوم.
۵. من احساس می‌کنم، می‌توانم خیلی موفق‌تر باشم.
۶. همه افراد به خاطر نمراتم، مرا تحسین می‌کنند.
۷. من احساس می‌کنم دیگران انتظارات بالایی از من در مدرسه دارند.
۸. من احساس می‌کنم، رفتن به مدرسه لذت بخش است.
۹. من این توانایی را دارم که در یادگیری به دیگران کمک کنم.
۱۰. معلمان معمولاً برای انجام خوب تکالیف، مرا تحسین می‌کنند.
۱۱. من احساس می‌کنم امتحانات در مدرسه آسان است.
۱۲. من از خودم راضی هستم.
۱۳. من زمانی به معلم در انجام کارها کمک می‌کنم که بتوانم آن کار را به خوبی انجام دهم.
۱۴. همکلاسی‌های من دوست دارند با من بازی کنند.

### پرسشنامه انگیزش تحصیلی AMS والراند (۱۹۹۲)

انگیزه خود را از تحصیل در قالب سوالات زیر پاسخ دهید، گزینه‌های پاسخ عبارتند از:

- ۱- اصلاً مطابقت ندارد، ۲- تا حد زیادی مطابقت ندارد، ۳- تا حدی مطابقت ندارد، ۴- نظری ندارم، ۵- تا حدی مطابقت دارد، ۶- تا حد زیادی مطابقت دارد، ۷- کاملاً مطابقت دارد.

- ۱- چون برای پیدا کردن کاری با درآمد بالا در آینده حداقل به مدرک دیپلم نیاز دارم.
- ۲- زیرا وقتی چیزهای تازه‌ای می‌آموزم، احساس خوشی و لذت می‌کنم.
- ۳- زیرا فکر می‌کنم که آموزش دبیرستانی مرا به طرز بهتری آماده کاری که انتخاب کرده‌ام می‌کند.
- ۴- به خاطر احساس اشتیاقی که از تبادل نظر با دیگران به من دست می‌دهد.
- ۵- صادقانه، نمی‌دانم، واقعاً احساس می‌کنم که دارم و وقتی را در مدرسه تلف می‌کنم.
- ۶- به خاطر لذتی که در پیش افتادن در درس‌هایم به من دست می‌دهد.
- ۷- برای اینکه به خودم ثابت کنم که توانایی اتمام دوره دبیرستانم را دارم.
- ۸- تا در آینده شغل با اعتبارتری داشته باشم.
- ۹- به خاطر لذتی که هنگام کشف چیزهای جدیدی که قبلاً ندیده‌ام به من دست می‌دهد.
- ۱۰- زیرا در نهایت مرا قادر می‌سازد تا وارد بازار کار رشته مورد علاقه‌ام شوم.
- ۱۱- چون برای من مدرسه، تفریح است.
- ۱۲- زمانی دلایل خوبی برای رفتن به مدرسه داشتم، اگر چه حالا نمی‌دانم باید ادامه بدهم یا نه.
- ۱۳- به خاطر لذتی که هنگام پیش افتادن در پیشرفت‌های شخصی‌ام به من دست می‌دهد.
- ۱۴- به خاطر این حقیقت که وقتی در مدرسه موفق شوم، احساس مهم بودن می‌کنم.
- ۱۵- زیرا می‌خواهم در آینده زندگی خوبی داشته باشم.
- ۱۶- به خاطر لذتی که از افزایش دانشم در مورد موضوعاتی که برایم جذاب هستند به من دست می‌دهد.
- ۱۷- زیرا به من در انتخاب بهتر جهت گیری شغلی‌ام کمک می‌کند.
- ۱۸- به خاطر لذتی که هنگام بحث کردن با دبیران مورد علاقه تجربه می‌کنم.
- ۱۹- نمی‌دانم چرا به مدرسه می‌روم و صادقانه، نتوانستم کمتر اعتنا کنم.
- ۲۰- برای احساس سرخوشی‌ای که هنگام تکمیل فعالیت‌های تحصیلی دشوارم به من دست می‌دهد.
- ۲۱- برای اینکه به خودم نشان دهم انسان باهوشی هستم.
- ۲۲- تا در آینده درآمد بیشتری داشته باشم.
- ۲۳- زیرا مطالعاتم به من اجازه می‌دهد تا در مورد خیلی چیزهایی که برایم جالب هستند بیاموزم.
- ۲۴- زیرا من اعتقاد دارم تحصیلات دروه دبیرستان، شایستگی من را به عنوان یک نیروی کار افزایش خواهد داد.
- ۲۵- به خاطر احساس عالی‌ای که هنگام مطالعه درباره موضوعات جالب به من دست می‌دهد.
- ۲۶- من نمی‌دانم، نمی‌توانم بفهمم که در مدرسه چه کار می‌کنم.
- ۲۷- زیرا دبیرستان به من اجازه می‌دهد تا زمانی که برای بهتر شدن درس‌هایم تلاش می‌کنم، احساس رضایت فردی کنم.
- ۲۸- زیرا می‌خواهم به خودم نشان دهم که می‌توانم در درس‌هایم موفق شوم.

### پرسشنامه بهره موفقیت

لطفاً به سوال‌های زیر پاسخ دهید، گزینه‌های پاسخ عبارتند از:

- ۱- کاملاً مخالفم، ۲- مخالفم، ۳- تا حدودی مخالفم، ۴- تا حدودی موافقم، ۵- موافقم، ۶- کاملاً موافقم

- ۱- حتی زمانی که مواد آموزشی سنگین و خسته‌کننده است آن کار را اداره می‌کنم تا زمانی که به پایان برسد
- ۲- من در مدیریت همه مسئولیت‌های زندگی روزانه‌ام خوب عمل می‌کنم
- ۳- زمانم را به خوبی مدیریت می‌کنم به گونه‌ای که بتوانم هر کار مناسب و لازم را انجام دهم.
- ۴- من انگیزه دارم که در مدرسه خوب عمل کنم
- ۵- اهداف آموزشی‌ام را به طور فعال دنبال می‌کنم.
- ۶- هنگامی که درباره موضوعی در کلاس گیر می‌شوند مندان مطلب برمیگردم تا آن را بررسی و محاسبه کنم.
- ۷- جهت انجام کارهای متفاوت برای دیگران زمان می‌گذارم
- ۸- قدرت انجام کارهای متفاوت در اجتماع خود را دارم
- ۹- فرصت‌هایی که به من اجازه می‌دهد با محیط خود مشارکت کنم را ارج می‌نهم

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

- ۱۰- حاضرم بر طبق خواسته که دیگران عمل کنم
- ۱۱- دانستن اینکه دیگران چه تفاوتی با من دارند دوستی مان را تا حد زیادی ارتقا می‌بخشد
- ۱۲- بعد از اینکه بدانم که دیگری چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با من دارد بهتر می‌توانم او را درک کنم
- ۱۳- از کار کردن با سازمانی که بر آگاهی مردم از فرهنگ‌های متفاوت تأکید دارد لذت می‌برم
- ۱۴- مهم نیست چه نوع شخصی هستی همیشه می‌توانید به طور اساسی تغییر کنی
- ۱۵- غلبه درباره چیزهایی که در کلاس یاد می‌گیرم با دوستانم صحبت می‌کنم
- ۱۶- به طور منظم در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کنم
- ۱۷- احساس می‌کنم در کلاس‌هایم چیزهایی یاد می‌گیرم که برایم ارزش هستند
- ۱۸- در بسیاری از کلاس‌ها توجه کردن برایم دشوار است
- ۱۹- معمولاً می‌توانم راه‌های استفاده از آنچه را که در کلاس یاد گرفته‌ام در چیزهای دیگر زندگی‌ام پیدا کنم
- ۲۰- در طول کلاس اگر چیزی را متوجه نشوم از استاد سؤال می‌کنم
- ۲۱- بیشتر اوقات در کلاس احساس خستگی می‌کنم
- ۲۲- حتی موقعی که در کلاس نیست مدرک خود درباره آنچه که در کلاس یاد می‌گیرم را به دست می‌آورم
- ۲۳- نام وسیله ایده‌هایی که در اکثر کلاس‌های آن فرا می‌گیرند احساس غربت و سرزندگی می‌کنم.
- ۲۴- من همیشه به جنبه روشن کارها توجه می‌کنم.
- ۲۵- نسبت به آنچه که در آینده برایم پیش خواهد آمد خوش بین هستم.
- ۲۶- از زندگی‌م راضی هستم.

### پرسشنامه خود تنظیمی بوفارد

لطفاً به سوال‌های زیر پاسخ دهید، گزینه‌های پاسخ عبارتند از:

- اصلاً با من تطابق ندارد ۲- خیلی کم با من تطابق دارد ۳- گهگاهی با من تطابق دارد ۴- نسبتاً با من تطابق دارد ۵- کاملاً با من تطابق دارد

- ۱- برای برنامه ریزی زمان مطالعه وقت صرف می‌کنم.
- ۲- زمانی که مطالعه می‌کنم، اهداف خودم را دقیقاً مشخص می‌کنم.
- ۳- وقتی مشغول درس خواندن هستم، بیش از آنکه فقط ماده درسی را بخوانم سعی می‌کنم مشخص کنم که چه چیزی از این درس یاد می‌گیرم.
- ۴- وقتی در حال مطالعه هستم، سعی می‌کنم بین مطالب ارائه شده در کلاس و مطالب کتاب ارتباط برقرار کنم.
- ۵- زمانی که مطالب یا کارهای درخواست شده مشکل هستند، یا از خواندن آنها صرف نظر می‌کنم یا اینکه فقط قسمت‌های آسان را مطالعه می‌کنم.
- ۶- من قادرم حتی موقعی که مطالب درسی برایم جالب نیست، کارها و تکلیف‌های ضروری را انجام دهم.
- ۷- من روش‌های خاصی برای خلاصه کردن مطالب درسی (مثلاً جدول بندی) بکار می‌برم.
- ۸- غالب اوقات تا آخرین دقایقی که وقت دارم مشغول خواندن مطالب برای امتحان هستم.
- ۹- سعی می‌کنم بین آنچه که در حال مطالعه آن هستم و آن چیزهایی که از قبل می‌دانستم پیوند برقرار کنم.
- ۱۰- گاهی اوقات هنگام درس خواندن مکث می‌کنم تا بفهمم چگونه بخش‌های مختلف درس با هم ارتباط دارند.
- ۱۱- من ساعات خاصی را برای درس خواندن در نظر گرفته‌ام.
- ۱۲- در موقع درس خواندن، مسائل یا تمرین‌های مختلف حل می‌کنم یا سوالات متعددی از دروس بیرون می‌کشم و به آنها جواب می‌دهم.
- ۱۳- یادگیری از طریق حفظ کردن بهترین وسیله‌ای است که من برای آمادگی یک امتحان می‌شناسم.

### روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

۱۴- زمانی که یک مطلب را نمی‌فهمم نمی‌دانم چگونه خودم را از آن مخمسه نجات دهم.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

دوره ۱ شماره ۲ تابستان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵

## An Examination and Analysis of the Concept of Family and Ethical Values in Religious Texts and Psychology

بررسی و تحلیل مفهوم خانواده و ارزش‌های اخلاقی در متون دینی و روانشناسی

مجید آذربو دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش تهران

فاطمه آذربو\* دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول) fatemeh.azarboo2000@gmail.com

### Abstract

Family is the first and most important educational institution, which leaves the most lasting spiritual, moral, and behavioral effects on the structure of human education due to its special emotional relationships. On the other hand, this social institution itself remains stable by accepting and internalizing moral values. The present research is theoretical and uses a descriptive-analytical method. A library method has been used to collect data. The authors try to identify the mechanisms of communication between the family institution and moral values, considering the educational function of each, and to explain the relationship between them. This will be done in two phases. In the first phase, the impact of moral principles and values on the sacred institution of the family will be explored. In the second phase, the role of this loving educational center in nurturing values and moral virtues (with a parent-child perspective) will be analyzed. In conclusion, it will be emphasized that the role of the family institution, given its influential position in the moral education of individuals in society, should be further investigated and supported, instead of limiting and replacing education by other social factors.

### چکیده:

خانواده، نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین تأثیرات روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان بر جای می‌گذارد. از سویی دیگر این نهاد اجتماعی، خود نیز با پذیرش و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی پایدار می‌ماند. پژوهش حاضر از نوع نظری و با روش توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. نگارندگان تلاش می‌کنند تا سازوکارهای ارتباط بین نهاد خانواده و ارزش‌های اخلاقی را با توجه به کارکرد تربیتی هر کدام شناسایی و ارتباط بین آنها را تبیین کنند. این مهم در دو فراز انجام خواهد شد. در فراز اول تأثیر اصول و ارزش‌های اخلاقی بر نهاد مقدس خانواده مورد کاوش قرار می‌گیرد. در فراز دوم نقش این کانون پرمهر تربیتی در پرورش ارزش‌ها و مکارم اخلاقی (با نگاه والد-فرزندی) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در خاتمه بر این نکته تأکید خواهد شد که نقش نهاد خانواده با توجه به جایگاه تأثیرگذارش در تربیت اخلاقی افراد در جامعه، باید به جای محدودسازی و جایگزینی تربیتی توسط عوامل اجتماعی دیگر، بیش از پیش مورد واکاوی و حمایت قرار گیرد.

**کلمات کلیدی:** خانواده، اخلاق، ارزش‌های اخلاقی، فرزندان، تربیت اخلاقی.

**Key words:** Family, ethics, moral values, children, moral education.

## مقدمه

خانواده نخستین نهاد اجتماعی و در عین حال کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه به شمار می‌آید. این نهاد به عنوان یک اجتماع خانوادگی، ماهیتی میان‌راهی دارد که آن را می‌توان «اجتماع طبیعی-قراردادی» نامید؛ به این معنا که ویژگی‌های آن هم با جنبه‌های غریزی و ذاتی موجود در برخی اجتماعات حیوانی، مانند زندگی زنبورها یا موریانه‌ها، شباهت دارد و هم با اصول و قواعد قراردادی و توافق‌شده‌ای که در اجتماعات انسانی حاکم است، سازگار است. به عبارت دیگر، خانواده هم بر پایه نیازها و انگیزه‌های طبیعی شکل می‌گیرد و هم با پذیرش ارزش‌ها، هنجارها و قوانین اجتماعی، به یک نهاد منظم و پایدار تبدیل می‌شود که نقش کلیدی در انتقال فرهنگ، تربیت نسل‌های آینده و تثبیت ساختار اجتماعی ایفا می‌کند (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۱).

خانواده به معنای محدود آن، یک واحد اجتماعی است که از ازدواج یک زن و یک مرد شکل می‌گیرد و با حضور فرزندان به تکامل می‌رسد. در این تعریف، تمرکز بر پیوندهای زناشویی و رابطه والدین و فرزندان است. برخی محققان علوم اجتماعی، خانواده را به صورت گروهی از افراد تعریف کرده‌اند که روابط آن‌ها بر اساس خویشاوندی شکل گرفته و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند. با این حال، گروهی دیگر از جامعه‌شناسان در پی ارائه تعریفی گسترده‌تر هستند که علاوه بر روابط خونی، مواردی مانند فرزندپذیری و روابط قراردادی و اجتماعی را نیز شامل شود. بر این اساس، خانواده به عنوان گروهی از افراد تعریف می‌شود که از طریق پیوندهای زناشویی، خویشاوندی یا پذیرش فرزند، با یکدیگر در ارتباط متقابل هستند و نقش‌هایی مانند شوهر، زن، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزند را ایفا می‌کنند. این افراد فرهنگ مشترکی ایجاد کرده و در یک واحد مسکونی مشخص زندگی می‌کنند. چنین تعریفی، دامنه خانواده را گسترده‌تر کرده و اهمیت تعاملات اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری و پایداری خانواده را نیز برجسته می‌سازد (ساروخانی، ۱۳۷۵). در این مقاله، مفهوم خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی، ماحصل ازدواج یک مرد و یک زن (در نقش پدر و مادر) و فرزندان آنها (اعم از هم خونی یا فرزند خواندگی) که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند و افزون بر کارکرد زیستی (تولیدمثل)، دارای کارکرد آموزشی، تربیتی و اقتصادی نیز است، اختیار می‌شود.

عوامل متعددی در تداوم و کیفیت زندگی زیستی و اجتماعی خانواده نقش دارند، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تأثیر اصول و ارزش‌های اخلاقی بر این اجتماع کوچک است. واژه «اخلاق»، که جمع «خلق» است، در دو معنای متفاوت اما مرتبط به کار می‌رود و یکی از بنیادهای اساسی در شکل‌دهی رفتارهای فردی و جمعی محسوب می‌شود. اخلاق، علاوه بر جنبه‌های فردی، یکی از آموزه‌های متعالی اسلامی نیز به شمار می‌آید که نقش مهم و بی‌بدیلی در شکل‌گیری و گسترش تمدن اسلامی ایفا کرده است. اهمیت اخلاق به حدی است که پیامبر اکرم (ص) پس از بعثت، مأموریت خود را در یک جمله روشن بیان کردند: اتمام مکارم اخلاق. این تأکید نشان‌دهنده آن است که رسیدن به فضایل اخلاقی و ترویج آن‌ها، اساس موفقیت و پایداری جامعه و خانواده است و بدون رعایت اخلاق، سایر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به سختی می‌توانند تداوم یابند (هدایتی، ۱۳۹۱). گاه منظور از اخلاق، مجموعه‌ی منش‌ها و حالات روحی یک انسان است. این معنا از اخلاق نشانگر مرتبه‌ای از وجود آدمی است که همان ملکات نفسانی است. این ملکات همواره منشأ صدور افعال خاصی است و ظهور و بروز آن رفتارهای خاص، راه شناخت و کشف آن ملکات است. گاه منظور از اخلاق نوعی علم یا معرفت است که متکفل شناخت ارزش‌ها، طبقه‌بندی آن‌ها، روابط میان آن‌ها و نحوه‌ی پیدایش و یا محو آن‌ها است. اخلاق به عنوان یک علم خود شامل دو بخش می‌شود، اخلاق نظری و اخلاق عملی. اخلاق نظری علم شناخت ارزش‌هاست ولی اخلاق عملی، فن ایجاد اخلاق و روش تحول و تقویت و یا تضعیف آن‌هاست (افشارکرمانی، ۱۳۸۹: ۶۵).

در فلسفه اخلاق، واژه «ارزش» دو کاربرد متفاوت دارد؛ گاهی در مقابل «الزام» و گاهی در مقابل «الزام اخلاقی» به کار می‌رود. الزام اخلاقی زمانی مطرح می‌شود که موضوع احکام اخلاقی، افعال و رفتارهای انسان باشد؛ برای مثال وقتی می‌گوییم «باید راست گفت» یا «تو امروز باید فلان کار را انجام می‌دادی»، واژه «باید» حکم اخلاقی را بیان می‌کند. اما هنگامی که

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

موضوع حکم اخلاقی، انگیزه‌ها، نیت‌ها یا منش افراد است، مانند اینکه «سعید آدم خوبی است» یا «حسد از رذایل است»، در این حالت سخن از ارزش اخلاقی است و معمولاً از واژه‌های «خوب» و «بد» برای بیان این احکام استفاده می‌شود. در اصطلاح فلسفی، احکام ناظر به فضیلت همان احکام ارزش اخلاقی و احکام ناظر به فریضه همان احکام الزام اخلاقی نامیده می‌شوند (فرانکنا<sup>۸۲</sup>، ۱۳۸۳: ۳۶).

گاهی واژه «ارزش» در معنای گسترده‌تر و عام‌تری به کار می‌رود که هم الزامات اخلاقی و هم ارزش‌های اخلاقی و اموری را که ناظر به فضیلت هستند در بر می‌گیرد. در این کاربرد، ارزش‌های اخلاقی به تمامی امور دارای مطلوبیت اخلاقی اطلاق می‌شود، چه این امور افعال باشند و چه غیر افعال (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۰۵). در پژوهش حاضر نیز واژه «ارزش‌های اخلاقی» به همین معنا به کار گرفته شده است و منظور از آن، تمامی جنبه‌های اخلاقی و فضیلت‌مند رفتارها، نیت‌ها و منش‌های انسانی است که در تداوم و ارتقای هویت اخلاقی فرد و جامعه نقش دارند.

ارزش‌ها از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای انسانی به شمار می‌روند. به همین دلیل، افراد، خانواده‌ها، نهادهای فرهنگی و تربیتی و حتی حکومت‌ها معمولاً ارزش‌های برجسته و مطلوب را مقدس می‌شمرند و تلاش می‌کنند آن‌ها را گسترش داده و درونی‌سازی کنند. هم‌زمان، در برابر ارزش‌های نادرست یا کاذب نیز اقدام به مقابله و ریشه‌کنی می‌کنند تا تأثیرات منفی آن‌ها بر رفتار و هنجارهای اجتماعی کاهش یابد و فضایی اخلاقی و تربیتی پایدار در جامعه شکل بگیرد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱).

تربیت اخلاقی در واقع فرآیندی است که طی آن فضایل و ارزش‌های اخلاقی پرورش می‌یابند و رذایل اخلاقی کاهش یا از بین می‌روند؛ به عبارت دیگر، تربیت اخلاقی شامل بالفعل کردن استعدادهای بالقوه فطری انسان است. ناصح علوان (۱۴۰۶ق) این مفهوم را این‌گونه بیان می‌کند: «تربیت اخلاقی مجموعه‌ای از اصول و فضایل رفتاری و وجدانی است که باید کودک آن‌ها را بپذیرد، کسب کند و در رفتار و کردار خود به آن‌ها عادت نماید.» از این دیدگاه، تربیت اخلاقی نه تنها به یادگیری محض قواعد اخلاقی محدود می‌شود، بلکه فرآیندی است که شخصیت و رفتار فرد را شکل می‌دهد و فضایل اخلاقی را به بخشی از زندگی روزمره و منش فرد تبدیل می‌کند (ایزدی و مهدوی منش، ۱۳۹۱: ۵۳).

از جمله تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

قنبری (۱۳۸۹) در تحقیق خود که به بررسی نقش خانواده در پرورش ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان پرداخته بود به این نتایج دست یافت که همه ارزش‌های اخلاقی و رفتارهای منطبق با آن در طی رشد کودک و در اثر ارتباط با یزرگسالان آموخته و درونی می‌گردد. پرورش صحیح عقل و عاطفه که پایه اساسی سعادت انسان است، باید از کودکی شروع شود. قدرت تقلید و اقتباس و حس پذیرش در کودک خیلی شدید است. لذا تمام حرکات و سکنات و کلیه رفتار والدین خود را در کمال دقت، مانند یک فیلم عکاسی در خود ضبط می‌کند؛ و همچنین بهترین راه پرورش ارزش‌های اخلاقی آن است که از راه عمل و آزمایش، برتری و بهتری آن را به کودکان بفهماند تا در فرصت‌های مناسب این موقعیت را از دست ندهند و به مقتضای طبیعت و سرشت آنان، با دقت تمام، خوی نیک را در آنها پرورش دهند. لذا خانواده در جهت انجام این مسئولیت بزرگ باید در پرورش ارزش‌های اخلاقی تلاش وافر نمایند.

بحث درباره میزان اخلاقی بودن نوجوانان و جوانان و گرایش آنها به ارزش‌های اخلاقی از جمله مسائل مهمی است که برای تمام افراد جامعه به ویژه برای خانواده‌ها بسیار مهم است. برای اینکه جامعه تداوم پیدا کند لازم است که افراد ارزش‌های همسان و مشترک داشته باشند. از جمله ارزش‌های مهمی که برای بقا مفید هستند که به موجب آن افراد در قبال یکدیگر احساس تعهد، مسئولیت‌پذیری، دوستی و غیره می‌کنند (مهدی و زارعی، ۱۳۹۰).

با توجه به اهمیت مطالب فوق‌الذکر، نوشتار حاضر در پی بررسی این پرسش اساسی است که: ارتباط بین نهاد خانواده و ارزش‌های اخلاقی با توجه به کارکرد تربیتی آنها چگونه است؟ و چه دلالت‌ها و کارکردهای تربیتی بر هر یک متصور است؟ از این رو، این مقاله ضمن بررسی ارزش‌های اخلاقی، برای نیل به این مقصود، ابتدا به تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر نهاد خانواده پرداخته، سپس به نقش خانواده در پرورش ارزش‌های اخلاقی فرزندان می‌پردازد و آن را از دو منظر کلان تحت عنوان: الف

<sup>۸۲</sup>. Frankna

- نقش والدین به عنوان الگو (اسوه) ی اخلاقی فرزندان و ب - نقش خانواده در زمینه‌ی تربیت اخلاقی فرزندان، مورد مذاقه قرار می‌دهد. در نهایت به بحث و نتیجه‌گیری و تبیین دلالت‌های آنها پرداخته می‌شود.

### تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر نهاد خانواده

در خصوص تأثیر فضایل و ارزش‌های اخلاقی بر فرد انسان و نهادهای اجتماعی، به ویژه خانواده، می‌توان به طور اجمال گفت که اصلاح اخلاقی انسان‌ها، آراسته شدن به مکارم و فضایل اخلاقی و مقابله با مفسد اخلاقی همواره یکی از اهداف اصلی پیامبران الهی بوده است. این نگرش نشان می‌دهد که ارتقای اخلاق فردی نه تنها به بهبود رفتارها و شخصیت انسان می‌انجامد، بلکه به شکل‌گیری و پایداری نهادهای اجتماعی، به ویژه خانواده، کمک می‌کند و نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات و سلامت جامعه ایفا می‌نماید.

جعفری (۱۹۹۷) عقیده دارد که دین از دو رکن تشکیل شده است:

- باور به وجود خداوند یکتا و جامع صفات عالیّه.
  - برنامه‌ی حرکت به سوی هدف که احکام و تکالیف نامیده می‌شود و شامل اخلاقیات و احکام فقهی هستند.
- (سلحشوری، ۱۳۹۰: ۴۳)

خداوند متعال در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «خدا بر مؤمنان منت نهاد که رسولی را از خود آنها، برایشان فرستاد تا آیات خدا را بر آنها تلاوت کند و نفوسشان را تزکیه نماید و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، گرچه قبلاً در گمراهی آشکاری بودند.»

همچنین پیامبر اکرم (ص) هدف رسالت‌شان را تکمیل مکارم و ارزش‌های اخلاقی در نفوس انسان‌ها بیان فرمودند (انما بعثت لأتمم مکارم الأخلاق). بنابراین اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، جوهر و حقیقت دین محسوب می‌شود؛ و با توجه به این واقعیت که همه‌ی دستورات الهی زیباست و لیکن خدایتعالی می‌فرماید: «شما از میان آن‌ها زیباترین را انتخاب کنید.» «واتبعوا أحسن ما أنزل إليکم من ربکم» (زمر/۵۵)، یا مورد دیگر: «و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن» «به بندگانم بگو: هنگام سخن گفتن نیکوترین سخن را بگویند» (اسراء/۵۳)؛ یعنی در گفتار «أحسن الأقوال» و در رفتار «أحسن الأفعال» را برگزینند. این مطلب به این معنی است که ارزش‌های اخلاقی نیز دارای مراتب و درجات هستند.

اسلام‌شناسان معتقدند که با توجه به جایگاه نهاد خانواده در نظام اجتماعی، اسلام از این مسئله غافل نبوده و مجموعه‌ای گسترده از آیات و روایات درباره‌ی خانواده وجود دارد که اغلب در قالب گزاره‌های دستوری، اخلاقی و حقوقی بیان شده‌اند. مجموعه‌ی این تعلیمات در پی ایجاد چنان خانواده‌ای است که در آن افراد مسیر خود را در جهت رشد و کمال و کسب فضائل اخلاقی و انسانی در تقرب به خدا طی کنند (پناهی و زارعان، ۱۳۹۱: ۴).

نظام جامع معرفتی اسلام در عین توجه به مسائل و احکام فردی، توجه ویژه‌ای به مسائل اجتماعی داشته و به عنوان مکتبی انسان‌ساز، خانواده را به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون تبلور ارزش‌ها، پایگاه رشد و بالندگی انسان‌ها مورد عنایت خاص قرار داده است. از آنجا که استحکام خانواده در تحکیم جامعه اسلامی انسانی تأثیر بسزایی دارد، قرآن به صورت ویژه به تحکیم و ثبات آن عنایت کرده و کلیه اصول حاکم بر روابط خانواده را بر این اصل مبتنی کرده است (مهدوی‌کنی، ۱۳۹۲: ۶). اما این نکته نیز شایان ذکر است که اگر چه از منظر اسلام، تشکیل خانواده و عقد ازدواج قراردادی حقوقی است و بسیاری از آیات قرآن ناظر به تکالیف حقوقی اعضای خانواده (مانند نفقه، مهریه، تمکین و...) نسبت به یکدیگر است اما همین دستورات حقوقی نیز در قالب اصول و ارزش‌های اخلاقی بیان شده‌اند. زارعی (۱۳۹۰) اظهار می‌دارد: «اخلاق بیشترین نقش را در مقایسه با دیگر ابزارهای استحکام‌بخش خانواده از قبیل زیبایی، مال، عنوان‌های اجتماعی، تحصیلات و ... دارد. در الگوی خانواده اسلامی حقوق و تکالیف زوجین و فرزندان نسبت به یکدیگر و یا سایر خویشاوندان، در سایه‌ی اصول اخلاقی مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال، در نظام حقوق خانواده اسلامی، احسان به والدین (نساء/۳۶؛ انعام/۱۵۱؛ اسراء/۲۳؛ عنکبوت/۸؛ احقاف/۱۵؛ مریم/۳۲) و سپاس‌گزاری از آنها (لقمان/۱۴) و خضوع در برابر ایشان (اسراء/۲۴)، از اصول اخلاقی به شمار می‌رود (ص ۷۱). بنابراین در کنار احکام فقهی و حقوقی که موجب قوام و استحکام نهاد خانواده‌اند، آنچه که بیش از

این احکام، رشد و تعالی این کانون مقدس اجتماعی را به دنبال دارد گسترش فضائل اخلاقی در آن است که مورد توجه خاص شرع مقدس می‌باشد.

### نقش خانواده در پرورش ارزش‌های اخلاقی فرزندان

انسان‌ها در زندگی این جهانی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی قرار دارند که هر یک سهم خاص خود را در شکل‌گیری خلیات، رفتارها و ساختار شخصیت انسان ایفا می‌کنند. در گذشته، مهم‌ترین عوامل تربیتی شامل خانه و خانواده، مدرسه، جمعیت‌ها و نهادهای دینی و اخلاقی و نیز عوامل غیرقابل پیش‌بینی مانند وراثت بوده‌اند. با این حال، در دنیای امروز و در پی رشد سریع فناوری و ظهور مکاتبی که بر تکثر اندیشه‌ها و ارزش‌های انسانی تأکید دارند، دامنه این عوامل گسترده‌تر شده است. انواع ایسم‌ها با استفاده از رسانه‌های ارتباطی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، اینترنت و ماهواره تلاش می‌کنند تفکر و ارزش‌های مورد نظر خود را به انسان‌ها منتقل کنند. برخی رویکردها، مانند پست‌مدرنیسم، حتی هرگونه بنیادگرایی اخلاقی و پایبندی به ارزش‌های مطلق را رد می‌کنند. با این وجود، با وجود تمام این چالش‌ها و صرف هزینه‌های کلان، خانواده همچنان جایگاه ویژه و اثرگذاری خود را در شکل‌گیری شخصیت افراد و تداوم هنجارها و ارزش‌های اجتماعی حفظ کرده است.

نقش خانواده در تربیت فرزندان و انسان‌سازی تجلی پیدا می‌کند. نخستین قابلیت‌ها در خانواده شکل می‌گیرد و زیربنایی‌ترین گرایش‌ها در کودک و نوجوان از طریق رفتار پدر و مادر ایجاد می‌شود. اگر این قاعده را بپذیریم که در عرصه تربیت نیز زیربناها و مبناها تا آخر عمر به رفتار فرد جهت می‌دهد سعادتمندترین انسان‌ها کسانی هستند که از نعمت وجود والدین خوب برخوردار باشند (ملکی، ۱۳۸۲: ۵).

بررسی آیات در قرآن کریم از جمله تحریم/۶، طه/۲، مریم/۵۵، لقمان/۱۷ و هود/۴۴ و همین‌طور روایات معصومین (ع) از قبیل نهج‌البلاغه، خطبه ۸۴ و عهدنامه مالک اشتر، وزیری، ۱۳۸۴: ۲۰۹ حاکی است که در دین اسلام، خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که انسان را تحت تأثیر قرار داده و شاکله تربیتی وی را سامان می‌دهد و از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های مودت و رحمت است که به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین تأثیرات روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان بر جای می‌گذارد (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰).

از طرف دیگر مهم‌ترین چالشی که خانواده‌ها، امروزه در جامعه ایران با آن روبرو هستند، دگرگونی سریع هنجارها و ارزش‌های خانوادگی میان فرزندان با والدین است تا جایی که می‌توان صحبت از هنجارهای رقیب در کنار هنجارهای سنتی کرد. منشأ این تحولات را باید در گسترش رسانه‌های جدید، توسعه آموزش، دسترسی به اطلاعات، رشد فردگرایی، تغییر گروه مرجع و پیدایش ارزش‌های نو جستجو کرد (معید فر و خسروشاهی، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، ورود وسایل ارتباط جمعی به خانه‌ها [در کنار منافع خاص خود] باعث شده است که ساعات حضور اعضای خانواده در کنار یکدیگر به خواندن روزنامه، شنیدن رادیو، دیدن تلویزیون، مرور اینترنت و کارهای دیگر سپری شود و بدین ترتیب کانون توجه در درون خانواده، به صورت نامرئی به پدیده‌هایی انتقال یافته که اعضای خانواده در شرایطی که فکر می‌کنند در کنار هم هستند، روز به روز بر فاصله‌شان افزوده می‌شود. از موارد دیگری که در دوران اخیر بر نهاد خانواده تأثیراتی داشته است افزایش روند دولتی شدن امور یا سپردن بسیاری از کارکردهای خانواده به دولت و سایر نهادهای اجتماعی است. این امر هم سبب کاهش روابط خویشاوندی و تضعیف مسائل عاطفی در محیط خانه و عدم ارضای نیازهای روانی و عاطفی اعضای آن گردیده است (پناهی و زارعان، ۱۳۹۱: ۴). نهادهای جدید مانند مهدکودک، مدارس، خانه‌های سالمندان، رسانه‌های جمعی و نهادهای تأمین و رفاه اجتماعی کارکردهای تربیتی خانواده را تنزل داده‌اند.

در عصر حاضر که به عصر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک شناخته می‌شود، خانواده‌ها با دغدغه و نگرانی فراوان به دنبال آن هستند که فرزندان خود را در مسیر ایمان، اخلاق و پرورش همه‌جانبه هدایت کنند. این تلاش‌ها ناشی از نیاز حیاتی فرد و جامعه به تربیت صحیح و کامل است، زیرا تنها از طریق دستیابی به این اهداف است که مسیر کمال انسان و بالفعل شدن تمام استعدادهای بالقوه او هموار می‌شود. چنین نگرانی و اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که نقش الگویی و تربیتی خانواده

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

مورد توجه ویژه قرار گیرد و ظرفیت‌های بالقوه آن در فرآیند شکل‌گیری یک جامعه سالم به نحو احسن به کار گرفته شود. از این رو، بررسی و تأمل در نقش‌های تربیتی خانواده، به ویژه در زمینه تربیت اخلاقی فرزندان، امری ضروری و راهبردی است.

نقش خانواده را در فرایند تربیت اخلاقی فرزندان می‌توان از دو منظر حسن فعلی و حسن فاعلی بررسی کرد. حسن فعلی به این معنا که هر کدام از والدین در زمینه عمل به ارزش‌های اخلاقی شایسته‌ترین افراد (الگو یا اسوه) باشند تا فرزندان با تأسی به نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین الگوها راه رشد و بالندگی خود را کشف کنند. حسن فاعلی نیز عبارت از اینکه عمل تربیت اخلاقی فرزندان را با رعایت بهترین روش‌ها و بهره‌گیری از محتوای مناسب به انجام می‌رسانند. در این زمینه نیز والدین به مدد آگاهی و تجربه‌ی زندگی می‌توانند مثمر ثمر باشند.

### الف - نقش والدین به عنوان الگو (اسوه)ی اخلاقی فرزندان

«اسوه» به معنای سرمشق و مقتدا است. الگو و اسوه هر دو صورت خوب و بد را شامل می‌شود. اسوه و الگو گیری در تعلیم و تربیت دینی اهمیت خاصی دارد. قرآن درباره‌ی الگوی نیک چنین می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» در این آیه خداوند پیامبر گرامی اسلام را به عنوان الگو و اسوه نیک به هر کسی که به خدا و روز قیامت اعتقاد دارد معرفی می‌کند.

ادیان الهی نه تنها در ایضاح مفهومی، بلکه با ارائه الگو و اسوه، به معرفی فضائل اخلاقی می‌پردازند؛ به بیان مصطلح، قول، فعل و تقریر رسولان الهی در کنار کتاب آسمانی هر یک از آنان، به نوعی بیانگر مفاهیم اخلاقی‌اند. آیاتی مانند «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»، (احزاب/۲۱) «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم فانتھوا»، (حشر/۷) «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول...»، (نساء/۵۹) نمونه‌های آشکاری درباره‌ی الگوگرا بودن تربیت اخلاقی در دین‌اند. در حقیقت ارائه اسوه بیانگر ابتدای رویه تربیت اخلاقی دین بر عمل و عینیت است نه گفتمان محض (محمدی، ۱۳۹۰: ۸۶).

علم روان‌شناسی روز نیز بر نقش اثرگذار الگوها بر رفتار افراد، اعم از خردسال و بزرگسال صحه گذاشته است. افراد می‌توانند آنچه را که می‌بینند دیگران انجام می‌دهند، انجام بدهند (گیج و برلایندر، ص ۳۸۰). بعضی از رفتارها از راه تجربه‌ی مستقیم یاد گرفته می‌شوند و فرد به خاطر رفتارهای خاص خود تشویق و تنبیه می‌شود، لیکن بسیاری از پاسخ‌ها بدون تقویت مستقیم، یعنی از راه مشاهده و یا یادگیری از راه مشاهده کسب می‌شوند (هیلگارد، ترجمه براهنی، ۱۳۸۱). در نظریه‌ی یادگیری مشاهده‌ای آلبرت بندورا به فردی که مورد مشاهده قرار می‌گیرد، سرمشق یا الگو گفته می‌شود. الگو هر چیزی است که اطلاعاتی را انتقال می‌دهد، مانند یک شخص، فیلم، تلویزیون، نمایش، عکس، یا آموزش.

از جمله‌ی این الگوها والدین هستند. پدر و مادر اولین و آشناترین چهره‌هایی هستند که کودک با آنها برخورد می‌کند. در دوران ناتوانی و نیاز وابستگی کودک، پدر و مادر با عشق و اخلاص به یاری او آمده و از او پرستاری و نوازش می‌نمایند. چشمان ظریف کودک، همانند یک دوربین حساس فیلم‌برداری، از همه‌ی حرکات و رفتار والدین تصویر گرفته و از رفتار خوب یا بد آنان تقلید می‌نماید. بنابراین آنها را می‌توان به عنوان اولین، مؤثرترین و بادوام‌ترین الگوها معرفی کرد (امینی، ۱۳۸۴).

شخصیت والدین به لحاظ سندیت و مرجعیت، نفوذ خاصی در کودک دارد. شواهد قرآنی و روایی در زمینه‌ی تأثیر مثبت خاندان صالح، مستنداتی ارائه می‌کند. به عنوان مثال: قرآن کریم در آیه‌ی زیر به تأثیر صلاحیت پدران در سعادت فرزندان اشاره می‌فرماید: «و کان أبوهما صالحاً» (کهف/۸۲) «و پدرشان [مردی] نیکوکار بود» امام صادق (ع) فرمود: خداوند به موسی (ع) وحی کرد: من فرزندان را به خاطر خوبی پدران پاداش می‌دهم. از آیه و روایت برمی‌آید که کارهای خوب پدر، در زندگی فرزندان اثر دارد. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۱۵) بنابراین علیرغم الگو بودن والدین و تأثیرپذیری فرزندان، آسیب‌هایی نیز مترتب این موضوع است که به قرار زیر هستند:

الف) تزاخم بین قول و عمل والدین.

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

اگر مربی به آنچه می‌گوید، خود نیز عمل کند، فرد مورد تربیت، راه خود را به خوبی می‌شناسد، از رفتار مربی سرمشق می‌گیرد و گفتارش را مؤید رفتارش محسوب می‌دارد. امام صادق (ع) فرمود: «چنانچه عالم، به علم خود عمل نکند مواظب او به سرعت از قلب‌ها زایل می‌شود، چنانچه باران از جای صاف و صیقلی می‌لغزد و زایل می‌شود.» امام علی (ع) فرمود: «پندی که هیچ‌گوشی آن را بیرون نمی‌افکند و هیچ‌نفعی با آن برابری نمی‌کند، پندی است که زبان گفتار از آن خاموش و زبان کردار به آن گویا باشد» (امینی، ۱۳۸۴: ۴۰۰).

(ب) تعارض بین الگوها (والدین).

هر یک از پدر و مادر برای کودک الگویی هستند که از رفتارشان پیروی می‌کند. چنانچه هر دو آنان در رفتار و گفتار هماهنگ باشند کودک بدون تردید و حیرت از آنان پیروی می‌نماید اما اگر در بین رفتار الگوها تعارض و تضاد وجود داشته باشد، کودک مردد و نگران می‌شود، چون نمی‌داند از کدام از آن‌ها پیروی کرده و به اصول و ارزش‌های کدام یک پایبند گردد. در چنین حالی امکان دارد به الگوی ناشایسته متمایل شده و به انحراف کشیده شود (همان).

## ب - نقش خانواده در زمینه‌ی تربیت اخلاقی فرزندان

نقش والدین در قالب الگوی فرزندان در فضائل اخلاقی خلاصه نمی‌شود و مسئولیتی بس مهم‌تر و خطیرتر بر دوش آنان نهاده شده است. مسئولیت افراد در قبال سرنوشت اعضای خانواده خود در آیه ۶ سوره‌ی مبارکه تحریم مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره علیها ملائکه غلاظ شداد لا یعصون الله ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن و سخت‌گیر [گمارده شده‌اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند. «در تفسیرنور، ذیل آیه مذکور آمده است که: ۱. اولی‌ترین فرد به حفظ انسان، خود انسان است.

۲. تربیت دینی [و اخلاقی] فرزندان بر عهده‌ی خانواده است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۲).

بر اساس بیان فوق والدین علاوه بر حفظ و پاسبانی خود به عنوان نقش الگویی، وظیفه‌ی پرورش ارزش‌های اخلاقی در وجود میوه‌های زندگی را نیز باید بپذیرند.

همچنین رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «أکرموا أولادکم و أحسنوا آدابهم» فرزندان خود را گرامی دارید و به طور شایسته ادب بیاموزید. (ادیب، ۱۳۶۲) که این حدیث نیز مؤید مطلب فوق است.

در زمینه‌ی روش‌های تربیت اخلاقی والدین باید در پی شناخت و بکارگیری بهترین روش‌های تربیتی باشند زیرا که اتخاذ روش صحیح و متناسب با شرایط تربیتی امری لازم است و هر گونه لغزش و اشتباه می‌تواند به گمراهی و نابودی فرزند (ان) منجر شود.

امام علی (ع) می‌فرماید: «قلب الحدث کالارض الخالیه، ما ألقى فیها من شیء قبلته» یعنی قلب کودک همانند زمین بکر و خالی است هر بذری که در آن افشاندن شود آن را می‌پذیرد. (ادیب، ۱۳۶۲)

اندیشمندان و متفکران در حوزه‌های مختلف دین، اخلاق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... هر کدام به تناسب مقتضیات رشته خود روش‌هایی را برای دورنی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در وجود کودکان و جوانان پیشنهاد داده و بر مواردی تأکید کرده‌اند. اصول و روش‌های تربیت اخلاقی با توجه به ماهیت تحول انسان متنوع هستند. در ادامه به کمک کتاب‌ها و پژوهش‌های انجام شده برخی از آن‌ها را متذکر می‌شوم.

قائمی مقدم (۱۳۹۱) در کتاب روش‌های تربیتی در قرآن با تفحص در آیات قرآن کریم چهار روش تربیتی را به عنوان یک طیف روشی و در راستای تحقق یک هدف شناسایی و تبیین کرده است. این چهار روش عبارت است: ۱- تذکر و یادآوری؛ ۲- موعظه و نصیحت؛ ۳- عبرت‌دهی؛ ۴- امر و نهی. نویسنده کتاب دلیل کنار هم آمدن این چهار روش را کارکرد مشترک آن‌ها (یعنی هوشیارسازی و انگیزشی بودن) ذکر می‌کند. ابتدا با روش تذکر و یادآوری غفلت‌زدایی می‌شود، آنگاه با موعظه

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

و نصیحت نوعی خشیت و رقت قلب ایجاد می‌گردد. با روش عبرت‌دهی بر این امر تأکید می‌شود. و در نهایت با امر و نهی، مربی برای تغییر رفتار با نوعی الزام و تحمیل مواجه می‌گردد (ص ۲۰۷).

ایزدی و مهدوی‌منش (۱۳۹۱) با کاوش در آموزه‌های امام سجاد (ع) و با نظر به تربیت اخلاقی به مثابه پرورش فضائل و پیرایش رذائل روش‌های پنج‌گانه را به شرح ذیل به والدین و مربیان پیشنهاد داده‌اند:

۱. محبت و مهرورزی
۲. عینیت‌بخشی به آموزه‌ها
۳. تشویق به تفکر در مسائل اخلاقی
۴. ایجاد انس و ارتباط مستمر با خداوند از طریق دعا و نیایش
۵. جلوگیری از کوچک‌پنداری رذائل و تجری به رذائل بزرگ
۶. برخورد عتاب‌آمیز و تند.

سلحشوری و یوسف‌زاده (۱۳۹۰) معتقد هستند که تربیت اخلاقی نیازمند سه بعد اساسی عقل، عاطفه و عمل است. در خصوص تقدم و تأخر عناصر عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی نیز آن را با توجه به عنصر مهم زمان مورد بررسی قرار می‌دهند. بنا بر این پژوهش، در دوران اولیه‌ی کودکی، عواطف بیش از امور انتزاعی و عقلانی حضور و ظهور پیدا می‌کنند. بر این اساس تربیت اخلاقی باید از احساسات شروع شود و بهترین زمان شروع، دوران کودکی است و به تدریج با رشد افراد از کودکی به نوجوانی، استدلال اخلاقی آن‌ها از حالت دیگرپروی به حالت خودپروی تغییر می‌یابد. و همزمان که سن کودکان بالا می‌رود قضاوت اخلاقی آن‌ها نیز به بالاترین سطح خود می‌رسد.

کاویانی و فصیحی رامندی (۱۳۹۱) پس از تعریف تربیت اخلاقی از منظر غزالی به معنای زمینه‌سازی برای رشد و شکوفایی فطرت اخلاقی انسان، اصول تربیت اخلاقی را آثار او استخراج کرده‌اند. این اصول عبارتند از:

- الف) اصل تدریج: هماهنگی روند تربیت با رشد تدریجی مربی.
  - ب) اصل تفرد مبتنی بر تفاوت‌های شخصی: پذیرش تفاوت‌ها و ظرفیت‌های شناختی متفاوت افراد.
  - ج) اصل فعالیت: شرکت فعال مربی در فرایند تربیت اخلاقی.
  - د) اصل پایش محیطی: تأثیر محیط (خانواده، مدرسه و همسالان) بر کودک.
- سپس روش‌های تربیت اخلاقی را از نگاه غزالی به شرح زیر بیان می‌کنند:

۱. عادت پذیری
۲. آموزش
۳. تشویق و تنبیه
۴. داستان‌گویی
۵. پند و اندرز

شیوه‌های تربیتی ارائه‌شده دارای مشترکات و تفاوت‌هایی می‌باشند به طوری که می‌توان در زمان و جایگاه خود و به مقتضای فرزندان از آن‌ها بهره برد. از مواردی که در اتخاذ روش‌های صحیح تربیت اخلاقی باید مدنظر قرار گیرد، می‌توان به تفاوت‌های فردی فرزندان، بستر فرهنگی جامعه، کاربری اصول روان‌شناختی و غیره اشاره کرد. همچنین همه‌ی این شیوه‌ها نیازمند آگاهی و آموزش والدین است تا از قالب نظر به عمل درآید.

## بحث و نتیجه‌گیری

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، و فضائل و ارزش‌های اخلاقی به عنوان آرمانی همسو با دستورات دینی و نیازهای روان‌شناختی انسان، دارای تأثیر و تأثر متقابل فراوانی هستند. ارزش‌های اخلاقی، هنگامی که همراه با قوانین حقوقی و فقهی مورد حمایت قرار می‌گیرند، می‌توانند فضای خانواده را سرشار از محبت، همدلی و امنیت روانی کنند و مسیر رشد و بالندگی اعضای آن را هموار سازند. از منظر روانشناسی، این تلطیف فضای خانوادگی موجب افزایش اعتماد به نفس، کاهش اضطراب و تقویت مهارت‌های اجتماعی فرزندان می‌شود و به رشد سالم شخصیت آن‌ها کمک می‌کند. در سطح کلان نیز جامعه از

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

ثمرات خانواده‌های مستحکم و اخلاق‌مدار بهره‌مند می‌شود و این ثبات اجتماعی زمینه‌ساز رفاه و تعالی جمعی خواهد بود. والدین، به عنوان مسئولان اصلی تربیت نسل آینده، با الگوگیری از فضائل اخلاقی و زدودن رذایل از خود و فرزندان، و همچنین به کارگیری روش‌های مناسب تربیت اخلاقی، می‌توانند نقش الگویی خود را به خوبی ایفا کنند. این امر نه تنها به ارتقای سلامت روانی و اجتماعی فرزندان کمک می‌کند، بلکه مطابق آموزه‌های دینی، تحقق رسالت تربیتی والدین در راستای تربیت انسانی نیکوکار و مؤمن است؛ چرا که پیامبران الهی نیز همواره اصلاح اخلاق انسان‌ها و ترویج فضائل را هدف اصلی رسالت خود قرار داده‌اند. بنابراین، توجه همزمان به خانواده و ارزش‌های اخلاقی، به معنای بهره‌گیری متقابل و مکمل از ظرفیت‌های آن‌هاست. این رویکرد، فرایند درونی‌سازی ارزش‌ها در فضای خانواده و در سطح جامعه را تسهیل می‌کند و جامعه‌ای را شکل می‌دهد که سرشار از اخلاق، مهر و معنویت است؛ امری که حقیقت دین و اهداف رسالت انبیاء را تحقق می‌بخشد. در نهایت، ایجاد و توسعه نهادهای اجتماعی، فرهنگی و تربیتی مانند مدارس، رسانه‌ها و مؤسسات آموزشی، زمانی مؤثر خواهد بود که در خدمت خانواده و تقویت نقش تربیتی آن باشند، نه آن که جایگاه خانواده را تضعیف کرده و به حاشیه برانند.

## منابع

- اتکینسون، ریتا و هیلگارد، ارنست. (۱۳۸۴). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه محمدتقی براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد.
- ادیب، علی محمدحسین. (۱۳۶۲). *راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)*، تهران، مؤسسه انجام کتاب.
- افشار کرمانی، عزیزاله. مراتب فضیلت و اخلاق از منظر علامه طباطبائی، *پژوهانه قرآن و حدیث*، (۱۳۸۹). شماره ۸، صص ۷۸-۶۱.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۴). *کتاب اسلام و تعلیم و تربیت*. قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ایزدی، مهدی و مهدوی‌منش، حسین. پی‌جویی خانواده و کارکردهای تربیتی آن در آموزه‌های امام سجاد (ع) با تأکید بر شیوه‌های انحراف‌زدایی و فضیلت‌افزایی، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث*، (۱۳۹۱)، سال ششم، شماره اول، صص ۸۶ - ۴۵.
- آل اسحاق خوئینی، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی نهادهای حقوق خانواده. *پژوهش نامه زنان*، سال اول، شماره اول، ۴۸ - ۱۹.
- پناهی، محمدحسین و زارعان، منصوره. سلامت خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۱۳۹۱). شماره ۵۹، صص ۴۰ - ۱.
- حجتی، سید محمدباقر. (۱۳۵۸). *اسلام و تعلیم و تربیت (بخش اول)*. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری، محمدحسین و اعرابی، زینب و امامی، راضیه. بررسی ارزش‌ها در اسلام و لیبرالیسم و دلالت‌های تربیت اخلاقی آن. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، (۱۳۹۱)، سال چهارم، شماره دوم، صص ۸۵ - ۱۰۶.
- زارعی، محمدمهدی. (۱۳۹۰). درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده. *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، سال چهل و سوم، شماره ۱/۸۷، صص ۹۶.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات کیهان.
- سلحشوری، احمد و یوسف زاده، محمدرضا. جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی. *دوفصلنامه‌ی تربیت اسلامی*، (۱۳۹۰). شماره ۱۲، صص ۱۳۹ - ۱۲۱.
- سلحشوری، احمد. حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی. *دوفصلنامه‌ی علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، (۱۳۹۰)، سال دوم، شماره ۲، صص ۵۶ - ۴۱.
- صمدی، معصومه و رضایی، منیره. بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، (۱۳۹۰). سال نوزدهم، دوره جدید شماره ۱۲، صص ۹۶.
- فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۸۳). *فلسفه اخلاق*. (ترجمه هادی صادقی). قم، کتاب طه.
- قائمی مقدم، محمدرضا. (۱۳۹۱). *روش‌های تربیتی در قرآن*. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.

### روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. جلد ۱۲، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. جلد ۷، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قنبری، علی. نقش خانواده در پرورش ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان. پیوند، (۱۳۸۹)، ج ۱۴، شماره ۳۷۶، صص: ۱۶ - ۱۴.
- کاویانی، محمد و فصیحی رامندی، مهدی. بررسی تطبیقی دیدگاه‌های غزالی و بندورا در تربیت اخلاقی، دوفصلنامه‌ی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، (۱۳۹۱)، شماره‌ی ۱۱، صص ۱۲۴-۹۵.
- گیج، نیت ال و برلانیر، دیوید سی. (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی، ترجمه غلامرضا خوی نژاد، مشهد: انتشارات حکیم فردوسی.
- محمدی، مسلم. ابعاد هویت‌یابی نظام اخلاقی دین با تأکید بر جنبه‌های کارکردگرایی، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی/اندیشه‌ی نوین دینی، (۱۳۹۰)، سال ۷، شماره‌ی ۲۷، صص ۹۸-۷۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). فلسفه/اخلاق. (نگارش و تحقیق احمد حسین شریفی). تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- معیدفر، سعید و صبوری خسروشاهی، حبیب. تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی، فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (۱۳۹۰)، شماره ۷، صص ۶۸-۶۷.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۲). خانواده و تربیت دینی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- مهدوی‌کنی، صدیقه. اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام، دوفصلنامه‌ی علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده، (۱۳۹۲)، سال هجدهم، شماره ۵، صص ۳۲-۵.
- هدایتی، علی‌اصغر؛ برجعلی‌زاده، راضیه، بداشتی، ندااله. اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های دینی. فصلنامه تاریخ پزشکی، (۱۳۹۱)، سال چهارم، شماره ۱۳، صص: ۱۱-۳۶.

## The effect of parental behavioral styles and relationships with peers at school on students' feelings of loneliness

اثر سبک‌های رفتاری والدین و روابط با هم‌تایان در مدرسه بر احساس تنهایی دانش‌آموزان

هادی دهقانی\* دانش‌آموخته رشته مطالعات برنامه درسی دانشگاه همدان

### Abstract

The aim of the present study is to investigate the effect of parental behavioral styles and peer relationships at school on students' feelings of loneliness in the academic year ۲۰۲۴-۲۰۲۵. Causal-comparative method (post-event) and the research population is students of two deaf schools (Baghcheban and Pars Household Appliances) in Shiraz city in the academic year ۲۰۲۴-۲۰۲۵ in middle school. Using whole number sampling, the research sample is ۳۰ students. The instruments used in this study are: Peer Selection Rating Scale, Parental Encouragement Inventory for Peer Relationships, Parental Acceptance, Neglect, and Rejection Questionnaire, Parental Strictness, Permissiveness Questionnaire, and Deaf Children's Loneliness Scale. Findings: The results show that: There is no significant difference between the loneliness scores of deaf boys and girls. There is a significant difference between the loneliness scores of children with encouraging and non-encouraging parents. There is a significant difference between the loneliness scores of deaf children with parents with different behavioral styles. There is a difference between the loneliness scores of children with different levels of peer acceptance at school. The interaction effect between different levels of peer acceptance and strict-permissive behavioral styles of parents is not significant.

**Key words:** loneliness, parental treatment style, parental promotion, peer relation.

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر سبک‌های رفتاری والدین و روابط با هم‌تایان در مدرسه بر احساس تنهایی دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است. روش علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) و جامعه تحقیق، دانش‌آموزان دو مدرسه‌ی ناشنوایان (باغچه‌بان و لوازم خانگی پارس)، شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در مقطع راهنمایی است. با استفاده از نمونه‌گیری تمام شمار، نمونه‌ی تحقیق ۳۵ دانش‌آموز است. ابزارهای استفاده شده در این تحقیق عبارتند از: مقیاس درجه‌بندی هم‌تاگزینی، سیاهه ترغیب والدین به رابطه با هم‌تایان، پرسشنامه پذیرش، غفلت و طرد والدینی، پرسشنامه سخت‌گیری، سهل‌گیری والدین و مقیاس احساس تنهایی کودکان ناشنوا نتایج نشان می‌دهند که: بین نمرات احساس تنهایی پسران و دختران ناشنوا تفاوت معناداری وجود ندارد. بین نمرات احساس تنهایی کودکانی که والدین ترغیب‌کننده و والدین غیر-ترغیب‌کننده دارند، تفاوت معنادار وجود دارد. بین نمرات احساس تنهایی کودکان ناشنوا با والدین دارای سبک‌های رفتاری متفاوت، تفاوت معنادار وجود دارد. بین نمرات احساس تنهایی کودکان دارای سطوح متفاوت پذیرش از سوی هم‌تایان در مدرسه، تفاوت وجود دارد. اثر تعامل بین سطوح متفاوت پذیرش از سوی هم‌تایان و سبک‌های رفتاری سخت‌گیر-سهل‌گیر از سوی والدین، معنادار نیست.

**کلمات کلیدی:** احساس تنهایی، سبک‌های رفتاری والدین، ترغیب والدین، روابط با هم‌تایان.

## مقدمه

شواهد موجود نشان می‌دهند که تا پیش از دهه‌ی ۱۹۶۰، پژوهش‌هایی که به موضوع احساس تنهایی می‌پرداختند، بسیار اندک و پراکنده بوده‌اند. با این حال، از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد، به دلایل گوناگونی همچون فراگیر بودن پدیده‌ی تنهایی در جوامع انسانی، افزایش توجه عمومی و علمی به مطالعه‌ی روابط اجتماعی، شکل‌گیری ابزارهای دقیق روان‌سنجی و نیز انجام تحقیقات تجربی توسط برخی محققان پیشرو، موج تازه‌ای از مطالعات در این زمینه آغاز شد و پژوهش‌ها به‌طور چشمگیری رشد یافتند. با وجود این، تا پیش از دهه‌ی ۱۹۸۰، پژوهش‌هایی که به بررسی احساس تنهایی در کودکان اختصاص یافته باشند بسیار محدود بود. علت اصلی این کم‌توجهی به این موضوع، باور رایجی بود که کودکان قادر به درک مفهوم پیچیده‌ی تنهایی نبوده و توانایی بیان و گزارش آن را ندارند. اما تحقیقات انجام‌شده در همان دوران، خلاف این تصور را نشان دادند و آشکار ساختند که کودکان نیز می‌توانند تجربه‌ی احساس تنهایی را درک کرده و آن را ابراز نمایند (پرلمن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶).

در تبیین احساس تنهایی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: از منظر دیدگاه نیازهای اجتماعی<sup>۲</sup>، احساس تنهایی نتیجه‌ی برآورده‌نشدن مجموعه‌ای از نیازهای اجتماعی فطری انسان از جمله، نیاز به صمیمیت، مهربانی و تماس با دیگران است. در چارچوب این رویکرد، ویس<sup>۳</sup> (۱۹۷۳)، احساس تنهایی را به دو دسته تقسیم می‌کند: الف): احساس تنهایی اجتماعی، که پاسخی است به عدم جذابیت در شبکه اجتماعی و ب): احساس تنهایی هیجانی، که پاسخی به عدم وجود دلبستگی هیجانی نزدیک است. دیدگاه فرایندهای شناختی<sup>۴</sup>، بر فرایندهای شناختی مربوط به ادراک و ارزیابی افراد از روابط اجتماعی‌شان تأکید می‌کند. بنابراین، احساس تنهایی زمانی به وجود می‌آید که فرد یک ناهمخوانی بین روابط اجتماعی‌ای که خواهان آن بوده و امیدوار بوده به آن برسد و آنچه واقعاً به آن رسیده است، ادراک کند. مطابق با این دیدگاه، اندازه‌گیری احساس تنهایی به خود گزارشی‌های کودکان بستگی دارد. رویکرد رفتاری<sup>۵</sup> بیان می‌کند که: ناهمخوانی شناختی و عدم رضایت ادراک‌شده از روابط اجتماعی باید با نشانه‌های آشفتگی روان‌شناختی مانند خشم، اضطراب و ... همراه باشد. در پرتو این دیدگاه، یونگ<sup>۶</sup> (۱۹۸۲)، احساس تنهایی را پاسخ هیجانی منفی‌ای می‌داند که با نشانه‌های آشفتگی روان‌شناختی همراه است و از تقویت ناکافی اجتماعی و روابط اجتماعی ارضاء نشده شخص، ناشی می‌شود. با وجود تفاوت‌های این سه رویکرد، به نظر می‌رسد که محققان بر سه نکته توافق دارند: ۱. احساس تنهایی یک تجربه آزارنده است، ۲. احساس تنهایی یک تجربه ذهنی است و ۳. احساس تنهایی با انزوای اجتماعی مترادف نیست. اگر چه توافق عمومی برای تعریف احساس تنهایی وجود ندارد ولی به طور کلی می‌توان گفت: احساس تنهایی یک تجربه ناخوشایند است که با مشکلات روان‌شناختی مرتبط بوده و نتیجه احساس منزوی شدن از دیگران به دلیل عدم ارضای نیاز به پیوند جویی، احساس تعلق و روابط اجتماعی موفق است.

عواملی که ممکن است در احساس تنهایی کودکان دخیل باشند به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف): عوامل شخصیتی<sup>۷</sup> ب): عوامل اجتماعی<sup>۸</sup>. مطالعات پیشین نشان داده‌اند که تنهایی با چند متغیر شخصیتی؛ برای مثال با افسردگی (جکسون<sup>۹</sup> و کوکران<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۱؛

<sup>۱</sup>.Perlman

<sup>۲</sup>.social needs perspective

<sup>۳</sup>.Weiss s

<sup>۴</sup>.cognitive processes perspective

<sup>۵</sup>.behavioral approach

<sup>۶</sup>.Young

<sup>۷</sup>.pesonality factor

<sup>۸</sup>.social factor

<sup>۹</sup>.Jackson

<sup>۱۰</sup>.Cochran

لاو<sup>۱</sup>، چان<sup>۲</sup> و لاو<sup>۳</sup>، مور<sup>۴</sup> و شولتز<sup>۵</sup>، راسل و همکاران، ۱۹۸۳؛ راسل و همکاران، ۱۹۸۴؛ راسل و همکاران، ۱۹۷۸؛ استراس<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۸۶؛ ویکز<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۸۰، عزت‌نفس پائین (حجت<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲؛ جونز<sup>۹</sup> و همکاران، ۱۹۸۱)، شرم (چک و بوش<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۱)، روان-رنجورخوئی (استوکز<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۵)، اضطراب (الیسون<sup>۱۲</sup>، ۱۹۷۸؛ اسمیت<sup>۱۳</sup> و فرام<sup>۱۴</sup>، ۱۹۸۶)، کناره‌گیری اجتماعی (کاسیدی و آشر، ۱۹۹۲)، خودپنداره منفی (لاو و همکاران، ۱۹۹۹) و ناامیدی (پج<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۱)، ارتباط مثبت دارد. علاوه بر عوامل شخصیتی، چندین عامل اجتماعی یا محیطی نیز در احساس تنهایی دخالت دارند. بعضی از این عوامل در محیط مدرسه هستند مانند: پذیرفته‌شدن یا مورد غفلت واقع شدن توسط هم‌تایان و عواملی نیز در محیط خانه هستند مانند: سبک‌های رفتاری والدین. تحقیقات پیشین بیشتر به مطالعه عوامل درونی شخصیتی بر احساس تنهایی پرداخته‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهشی، تجربه‌ی ذهنی احساس تنهایی در افراد ناشنوا می‌تواند تفاوت‌های قابل توجهی با نوع احساس تنهایی در افراد شنوا داشته باشد (مورفی، ۱۹۸۷). این تفاوت‌ها ناشی از شرایط ارتباطی و اجتماعی ویژه‌ای است که افراد ناشنوا با آن مواجه‌اند. تحلیل مطالعات پیشین نشان داده است که احساس تنهایی در میان ناشنوایان معمولاً تحت تأثیر سه دسته عامل اساسی قرار دارد: نخست، کیفیت تعامل با اعضای خانواده که می‌تواند منبع اصلی حمایت عاطفی و اجتماعی باشد؛ دوم، روابط با همسالان که نقشی مهم در شکل‌گیری هویت اجتماعی و احساس تعلق ایفا می‌کند؛ و سوم، عوامل موقعیتی یا محیطی همچون محدودیت‌های ارتباطی و شرایط فرهنگی-اجتماعی که ممکن است فرصت‌های مشارکت اجتماعی را برای فرد کاهش دهند. در مجموع می‌توان گفت احساس تنهایی در ناشنوایان حاصل برهم‌کنش این سه عامل است و درک آن نیازمند توجه به زمینه‌های فردی و محیطی خاص این گروه می‌باشد.

درخصوص سبک‌های رفتاری والدین می‌توان گفت که تعامل والد و کودک نقش موثری در فرآیند اجتماعی‌شدن کودک ایفا می‌کند. مطالعه کوای<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۲)، نشان می‌دهد کودکانی که والدین‌شان با آنها زندگی می‌کنند به شکل معنی‌داری احساس تنهایی کمتری را نسبت به کودکانی که با یک دوست یا پرستار زندگی می‌کنند، نشان می‌دهند. یافته‌های مطالعه کالدرون، گرین برگ و کوش (۱۹۹۱)، نشان می‌دهند که سازگاری مثبت والدین با کودک ناشنوا، با سطح پایین تکانشی‌بودن، انعطاف‌پذیری شناختی و فهم اجتماعی بیشتر، ارتباط دارد. علاوه بر آن، احساس تنهایی والدین می‌تواند به کودکان‌شان منتقل شود. از آنجا که کودکان ناشنوا به شکل قابل ملاحظه‌ای در پاسخ به نیازها و کسب مهارت‌های اجتماعی به والدین‌شان تکیه می‌کنند، انتظار می‌رود که سبک‌های دلبستگی والدین، تاثیر بیشتری بر آنها نسبت به کودکان شنوا داشته باشد. شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌توانند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روابط اجتماعی کودکان ایفا کنند و به دنبال آن بر تجربه‌ی احساس تنهایی آنان اثر بگذارند. از آنجا که میان الگوهای تعامل کودک با والدین و تعامل او با همسالان پیوندی معنادار وجود دارد، می‌توان گفت نوع رابطه‌ی والد-کودک نه تنها به‌طور مستقیم بر احساس تنهایی هیجانی کودک اثرگذار است، بلکه به‌صورت غیرمستقیم بر تنهایی اجتماعی او نیز تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، اگر والدین روابطی حمایت‌گرانه، محبت‌آمیز و همراه با تشویق برقرار کنند، زمینه‌ی مطلوب‌تری برای رشد مهارت‌های اجتماعی کودک فراهم می‌شود. در همین راستا، زمانی که والدین کودک را برای ایجاد و حفظ ارتباط با همسالان

<sup>۱۱</sup>.Lau

<sup>۱۲</sup>.Chan

<sup>۱۳</sup>.Moore

<sup>۱۴</sup>.Schultz B

<sup>۱۵</sup>.Strauss

<sup>۱۶</sup>.Weeks

<sup>۱۷</sup>.Hojat

<sup>۱۸</sup>.Jones

<sup>۱۹</sup>.Busch

<sup>۲۰</sup>.Stokes

<sup>۲۱</sup>.Ellison

<sup>۲۲</sup>.Smith

<sup>۲۳</sup>.Frame

<sup>۲۴</sup>.Page

<sup>۲۵</sup>.Quay

ترغیب کرده و او را در تعاملات اجتماعی مورد حمایت قرار می‌دهند، احتمال تجربه‌ی احساس تنهایی در کودک کاهش می‌یابد و فرصت بیشتری برای رشد اجتماعی و هیجانی او ایجاد می‌شود. در خصوص روابط همتایان باید عنوان کرد که، تعاملات کودک-کودک که طی آن کودک قواعد روابط اجتماعی را می‌آموزد و تشخیص می‌دهد، دو جانبه، در حالی که تعاملات کودک-والد غالباً یک جانبه هستند (راچفورد<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸). مطالعات نشان می‌دهند، کودکانی که از جانب همتایان کمتر پذیرفته شده‌اند، احساس تنهایی بیشتری می‌کنند (آشر و کاسیدی، ۱۹۸۴). بیشتر مطالعات در این خصوص می‌گویند که بین روابط دوستانه و احساس تنهایی ارتباط منفی‌ای وجود دارد.

پژوهش‌هایی که در ایران پیرامون موضوع احساس تنهایی انجام گرفته‌اند، اغلب تمرکز خود را بر گروه‌های بزرگسال، به‌ویژه سالمندانی که در خانه‌های سالمندان زندگی می‌کنند، معطوف داشته‌اند. همچنین بخش قابل توجهی از این مطالعات به بررسی ارتباط میان میزان تنهایی و وضعیت تأهل پرداخته‌اند. در این میان می‌توان به پژوهش گواری (۱۳۷۴) اشاره کرد که در آن میزان احساس تنهایی در میان سالمندانی که تحت حمایت کانون بازنشستگان شهر کرمان قرار داشتند، مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که همه‌ی سالمندان مورد پژوهش درجاتی از احساس تنهایی را گزارش می‌دهند. همچنین مطالعه میرکیائی (۱۳۷۴)، نشان می‌دهد که میزان احساس تنهایی در سالمندان ساکن در سرای سالمندان بیشتر از میزان احساس تنهایی در سالمندانی است که در کنار خانواده زندگی می‌کنند. مطالعات دیگر نشان می‌دهند که وضعیت تأهل ارتباط معناداری با میزان احساس تنهایی دارد؛ بدین معنی که میزان احساس تنهایی در افرادی که مجرد هستند، بالاتر است. مطالعه میردیری‌کوند (۱۳۷۸)، نشان می‌دهد که احساس تنهایی با افسردگی و اضطراب دارای رابطه مثبت و با عملکرد تحصیلی و عزت‌نفس دارای رابطه‌ی منفی است. در خصوص ناشنوایی با متغیرهای مختلف، تحقیقات زیادی در داخل کشور صورت گرفته است. از جمله تحقیقات صورت گرفته در داخل کشور در خصوص ناشنوایان، مطالعه حسینیان و همکاران (۱۳۸۶)، است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که بین شیوه‌های فرزندپروری و عزت‌نفس دانش‌آموزان ناشنوای دختر، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پژوهش خانجانی (۱۳۸۶)، در ارتباط با نقش نقص‌های حسی در سبک‌های دلبستگی و مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد که کودکان ناشنوا بیش از کودکان شنوا در معرض خطر دلبستگی نایمن قرار دارند. مطالعه بیابانگرد (۱۳۸۴)، نیز نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان عادی به شکل معناداری بهتر از دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا است و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نابینا به شکل معناداری بهتر از مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ناشنوا است و تنهایی می‌تواند ناشی از نقص در مهارت‌های اجتماعی باشد. مهم‌ترین اثر منفی ناشنوایی بر رشد زبان گفتاری است (کااوند، ۱۳۸۵)، بنابراین کودکان ناشنوا در برقراری ارتباط و گسترش ارتباطات‌شان با دیگران مشکل دارند و به همین علت نسبت به طرد و بی‌توجهی از سوی همتایان‌شان آسیب‌پذیرتر هستند و این یکی از علل تنهایی در آنان است. مطالعه سعیدی (۱۳۷۰)، نشان می‌دهد آسیب‌دیدگی‌های شدید و عمیق شنوایی می‌تواند فرایند اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین کودکان ناشنوا به ویژه در حیطه ارتباط به نحو معنی‌داری ضعیف‌تر از همگنان شنوای خود عمل می‌کنند و این می‌تواند باعث افزایش احساس تنهایی در آنان شود. مطالعه نودری (۱۳۷۵)، نیز نشان می‌دهد که بهره‌بلوغ اجتماعی ناشنوایان نه تنها از همتایان شنوا، بلکه از نابینایان نیز پائین‌تر است. مطالعه مومنی (۱۳۷۰)، هم نشان می‌دهد که بر اساس نظرات معلمان، بین میزان اختلالات رفتاری؛ اضطراب-افسردگی، در میان کودکان شنوا و ناشنوا در پایه‌ی اول ابتدائی و پائین‌تر، و دوم ابتدائی و بالاتر، تفاوت آماری معناداری وجود دارد. بدین صورت که میانگین نمرات دانش‌آموزان گروه اول ابتدائی و پائین‌تر، کمتر از گروه دانش‌آموزان دوم ابتدائی و بالاتر است. از آنجا که مهارت‌های ارتباطی کودکان ناشنوا در سطح قابل ملاحظه‌ای پائین‌تر از همتایان شنوای خود است و بلوغ اجتماعی و فرایند جامعه‌پذیری آنها تحت تأثیر ناشنوایی آنها قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد که میزان احساس تنهایی در آنان بالاتر باشد.

هر چند کودکان برای حمایت روزمره به همتاها متکی هستند، حمایت اجتماعی از جانب والدین در موقعیت‌های اضطرابی فرونشاندن استرس است (سادوک و سادوک، ۲۰۰۳؛ ترجمه پورافکاری، ۱۳۸۴). مطالعه‌ی اکبری‌قمصری (۱۳۷۳)، نشان می‌دهد که اجتماعی‌شدن فرزندان در خانواده‌هایی بهتر صورت می‌گیرد که والدین خود با هم‌دیگر تفاهم داشته و از یکدیگر حمایت کنند و علاوه بر آن، هر اندازه فرزندان برای حمایت در شرایط بحران پشتوانه‌های قوی‌تری داشته باشند و پدر و مادر به آنها توجه داشته

<sup>۱</sup> Rachfuord

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

باشند، کودکان آنها بهتر اجتماعی خواهند شد. این پژوهش نشان می‌دهد که برخورد مستبدانه با کودکان و توسل به زور برای وادار کردن آنها به انجام کارها، بر اجتماعی‌شدن فرزندان تأثیر منفی می‌گذارد. مطالعه رستگاران (۱۳۷۲)، نیز نشان می‌دهد که صمیمیت و نزدیکی والدین، بر سازگاری اجتماعی کودکان آنها در مدرسه، تأثیر مثبتی دارد و به طور کلی، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت دانش‌آموزانی که در مدرسه از سازگاری اجتماعی مطلوبی برخوردارند، دارای والدینی با روابط مبتنی بر تفاهم هستند و برعکس. بنابراین، خانواده بیش از تمام محیط‌های اجتماعی در رشد و تکامل فرد تأثیر دارد و کودک پیش از اینکه از اوضاع اجتماعی خارج متأثر شود، تحت تأثیر خانواده قرار می‌گیرد. مطالعه رضائی (۱۳۷۹)، نشان می‌دهد که بین شیوه‌های فرزندپروری اقتدار منطقی مادران و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان در کلیه‌ی پایه‌های راهنمایی رابطه معناداری وجود دارد و سبک اقتدار منطقی، بهترین مدل پردازش‌شده برای پیش‌بینی بلوغ اجتماعی است. مطالعه تهمتن (۱۳۸۷)، نیز در ارتباط با سبک‌های فرزندپروری والدین و انگیزه‌ی پیشرفت در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی، نشان می‌دهد پسرانی که محبت کمی از والدین دریافت کرده بودند، انگیزه پیشرفت پایین‌تری داشتند. سبک فرزندپروری اقتدارمنش و به ویژه دو بعد گرمی و حمایت‌گری و خودمختاری آن و متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌تواند میزان تنهایی را در دانش‌آموزان دختر کاهش دهد (لعلی‌فاز، ۱۳۸۷). مطالعه میرشاهی (۱۳۷۴)، نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که در روابط خود با والدین احساس پذیرش بیشتری می‌کنند، نزد همسالان در گروه محبوب قرار می‌گیرند. بنابراین، میان عدم پذیرش کودک از سوی والدین و عدم پذیرش از جانب همتایان، رابطه مستقیم و همبستگی مثبتی وجود دارد. اولین اثری که طرد کودک بر شخصیت او می‌گذارد، احساس تلخ و نامطلوبی است که او را نسبت به خود و ارزش شخصی، مردد و متزلزل می‌کند. به عبارتی، دیگر احساس خوبی نسبت به خویشتن ندارد و با این پیشینه‌ی عاطفی، خود را در سطحی از لیاقت نمی‌بیند که با دیگران طرح دوستی و رفاقت بریزد. نوعی احساس خودکم‌بینی او را رنج می‌دهد و به نوبه‌ی خود، ارتباطات اجتماعی را محدود و کم‌رنگ می‌کند (شرفی، ۱۳۸۵).

در خصوص نقش همتایان، مطالعه سلیمی (۱۳۸۶)، نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که توسط همتایان خود طرد شده‌اند، نسبت به گروه‌های دیگر در مقیاس افسردگی، نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. همچنین این دانش‌آموزان مشکلات ارتباطی بیشتری را گزارش می‌دهند و از آنجا که مشکلات ارتباطی یکی از دلایل عمده احساس تنهایی محسوب می‌شوند، میزان احساس تنهایی در این دانش‌آموزان بالاتر است. پژوهش میرشاهی (۱۳۷۴)، نیز نشان می‌دهد دانش‌آموزان محبوب نسبت به دانش‌آموزان غیرمحبوب نزد همتایان، درک روشن‌تری از رابطه خود با والدین دارند و علاوه بر آن، در رابطه خود با خواهران و برادران احساس امنیت بیشتری می‌کنند. بنابراین، با وجود مطالعات زیاد راجع به متغیرهای این پژوهش در داخل کشور به صورت جداگانه، تحقیقات کمی در ارتباط مستقیم با پژوهش حاضر صورت گرفته است به همین علت، این پژوهش تلاش دارد تاسک‌های رفتاری والدین و روابط با همتایان در مدرسه بر احساس تنهایی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دهد.

## روش:

طرح پژوهش حاضر از نوع بنیادی و علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی)، است. جامعه تحقیق، دانش‌آموزان دو مدرسه‌ی ناشنویان (باغچه-بان و لوازم خانگی پارس)، شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است که جمعیت کل جامعه ۳۸ نفر است. از آنجا که ۳ نفر از اعضای جامعه، حداقل یکی از والدین خود را از دست داده‌اند، این ۳ نفر را نمی‌توان در تحقیق شرکت داد. بنابراین نمونه تحقیق ۳۵ نفر است. میانگین سنی دختران ۱۳/۲ سال و انحراف استاندارد آنها ۱/۴۶ است همچنین، میانگین سنی پسران ۱۳/۶ و انحراف استاندارد آنها ۱/۷۴ است. از آنجا که تعداد افراد مورد مطالعه چندان زیاد نبود، با استفاده از نمونه‌گیری تمام شمار، همه‌ی اعضاء جامعه به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه تحقیق ۳۵ دانش‌آموز است. که ۱۹ نفر از این تعداد دختر و ۱۶ نفر پسر است.

ابزارهای ارزشیابی در این پژوهش عبارتند از:

-مقیاس گروه‌سنجی "همتاگزینی" (محقق ساخته، ۱۴۰۴).

-سیاهه ترغیب والدین به رابطه با همتایان (عادل عبدالفتاح، ۲۰۰۴)؛ ۱۰ آیتم دارد و از دو خرده مقیاس تشکیل شده است و دو عامل (جلوگیری و حمایت از رابطه با همتایان)، را اندازه‌گیری می‌کند. پایایی برای آیت‌های ۷، ۳، ۱، ۹ و ۵، که مانع از رابطه با همتایان را می‌سنجند به ترتیب؛ ۰.۸۰، ۰.۷۵، ۰.۶۷، ۰.۵۴ و ۰.۳۷ می‌باشد و برای آیت‌های ۶، ۱۰، ۲، ۸ و ۴، که حمایت از

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

رابطه با همتایان را می‌سنجند، به ترتیب؛ ۰.۷۵، ۰.۷۲، ۰.۶۲، ۰.۵۲ و ۰.۴۴، است. روایی؛ از طریق آزمون-بازآزمون، با ضریب همبستگی ۰.۶۹، بین زمان اول و دوم در سطح ۰.۱، معنی‌دار است.

-پرسشنامه والدین پذیرنده، بی‌توجه، طردکننده (عادل عبدالفتاح، ۲۰۰۴). دو فرم دارد (هر فرم دارای ۲۰ آیتم است) یکی برای مادر و دیگری برای پدر. پایایی؛ در سطح ۰.۱، معنی‌دار بود. ضریب همبستگی بین دو مقیاس برای فرم الف؛ مربوط به مادر ۰.۶۸ است و برای فرم ب؛ مربوط به پدر ۰.۶۷ است. روایی؛ از طریق آزمون باز آزمون برای فرم الف ۰.۷۱ و برای فرم ب ۰.۷۲ است.

-پرسشنامه والدین سخت‌گیر، سهل‌گیر (عادل عبدالفتاح، ۲۰۰۴). دو فرم دارد که هر کدام ۱۲ آیتم دارند. پایایی برای فرم الف (مربوط به مادر)؛ آلفای کرونباخ ۰.۸۴ و برای فرم ب (مربوط به پدر)؛ ۰.۷۲ است. روایی از طریق آزمون - باز آزمون برای فرم الف؛ ۰.۷۹ و برای فرم ب؛ ۰.۷۶ است.

-مقیاس احساس تنهایی کودکان ناشنوا (عادل عبدالفتاح، ۲۰۰۴) دارای ۲۳ آیتم است. پایایی هم زمان در سطح ۰.۱؛ ۰.۶۱ است و روایی از طریق آزمون - باز آزمون در سطح ۰.۱؛ ۰.۷۶ است.

### یافته‌ها:

نتایج نشان می‌دهند که بین احساس تنهایی دختران و پسران ناشنوا تفاوت وجود ندارد. آزمون  $t$  نمونه‌های مستقل برای مقایسه نمره‌های احساس تنهایی دختران و پسران انجام شد. هیچ تفاوت معناداری در نمره‌های احساس تنهایی پسران ( $SD=5/42$ ) و دختران ( $M=11/31$  و  $SD=7/33$  و  $M=12/47$ )،  $p=0/595$  و  $t(33)=0/54$ ، وجود نداشت. بزرگی تفاوت در میانگین‌ها خیلی کوچک بود (مجذور ایتا =  $0/08$ ).

همچنین نتایج نشان می‌دهند که بین نمره‌های احساس تنهایی کودکانی که والدین ترغیب‌کننده ( $SD=3/90$  و  $M=7/22$ ) و والدین غیرترغیب‌کننده ( $SD=4/59$  و  $M=16/94$ ) داشتند  $p=0/005$  و  $t(33)=-6/76$ ، تفاوت معنادار وجود داشت. بزرگی تفاوت در میانگین‌ها بسیار بزرگ بود (مجذور ایتا =  $0/58$ ).

در بررسی این فرضیه که بین احساس تنهایی کودکان ناشنوایی که والدین سخت‌گیر و سهل‌گیر دارند تفاوت وجود دارد؛ نتایج نشان می‌دهند که بین نمره‌های احساس تنهایی کودکانی که والدین سهل‌گیر ( $SD=5/90$  و  $M=10/05$ ) و والدین سخت‌گیر ( $SD=6/30$  و  $M=15/15$ ) داشتند،  $P=0/022$  و  $t(33)=-2/41$ ، تفاوت معنادار وجود دارد. بزرگی تفاوت در میانگین‌ها بزرگ بود (مجذور ایتا =  $0/149$ ).

در ارتباط با این فرضیه که بین احساس تنهایی کودکان ناشنوایی که والدینی با سبک‌های رفتاری پذیرنده، طردکننده و بی‌توجه دارند، تفاوت وجود دارد، نتایج با استفاده از تحلیل واریانس یک‌طرفه بین‌گروهی برای بررسی اثر سبک‌های رفتاری والدین (پذیرنده، طردکننده و بی‌توجه) بر احساس تنهایی کودکان ناشنوا، مشخص شد، تفاوت آماری معناداری در سطح  $p < 0/05$  در نمره‌های احساس تنهایی کودکان ناشنوایی که والدین پذیرنده، طردکننده و بی‌توجه داشتند وجود دارد:

$$F(2,32) = 48/013, p = 0/0005$$

تفاوت واقعی بین میانگین نمره‌های گروه‌ها بسیار بزرگ بود. اندازه اثر که با مجذور ایتا محاسبه شد برابر با  $0/75$  بود. مقایسه‌های پس‌تجربی با استفاده از آزمون HSD توکی نشان داد که میانگین نمره گروه ۱ ( $SD=3/58$  و  $M=6/07$ )، با میانگین نمره گروه ۲ ( $SD=3/502$  و  $M=18/92$ ) و میانگین نمره گروه ۳ ( $SD=2/58$  و  $M=11/78$ ) تفاوت معنادار دارد. همچنین میانگین گروه ۲ نیز با گروه ۳ به لحاظ آماری تفاوت دارد.

نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه بین گروهی برای بررسی اثر سطوح پذیرش از سوی همتایان بر احساس تنهایی کودکان ناشنوا، نیز نشان می‌دهد که تفاوت آماری معناداری در سطح  $P < 0/05$  در نمره‌های احساس تنهایی کودکان ناشنوایی که سطوح پذیرش

پایین، متوسط و بالا داشتند وجود داشت:  $p=0/005$  و  $F(2, 23)=73/68$

تفاوت واقعی بین میانگین نمره‌های گروه‌ها بسیار بزرگ بود. اندازه اثر که از طریق مجذور ایتا محاسبه شد برابر با  $0/82$  بود. مقایسه‌های پس‌تجربی با استفاده از آزمون HSD توکی نشان داد که میانگین نمره گروه ۱ ( $SD=3/204$  و  $M=19/08$ )، با

میانگین نمره گروه ۲ ( $M=12/22$  و  $SD=2/438$ ) و میانگین نمره گروه ۳ ( $M=5/64$  و  $SD=2/678$ ) تفاوت معنادار داشت. همچنین میانگین گروه ۲ نیز با گروه ۳ به لحاظ آماری تفاوت دارد. علاوه بر آن، نتایج نشان می‌دهند که بین احساس تنهایی کودکان ناشنوا دارای والدین با سبک‌های رفتاری (سخت‌گیر-سهل‌گیر) و سطوح متفاوت پذیرش از سوی هم‌تایان در مدرسه تفاوت وجود دارد. تحلیل واریانس بین گروهی عاملی برای بررسی تأثیر سطح پذیرش هم‌تا و سبک رفتاری سهل‌گیر-سخت‌گیر بر احساس تنهایی کودکان ناشنوا نشان می‌دهد که اثر تعامل بین سطح پذیرش از سوی هم‌تا و سبک رفتاری سهل‌گیر - سخت‌گیر از سوی والدین معنادار نیست  $p=0/99$  و  $F(2, 29)=0/008$ . اثر اصلی سبک رفتاری والدین به لحاظ آماری معنادار شد،  $P=0/042$  و  $F(1, 29)=4/540$ . اندازه اثر، اندازه اثر تقریباً بزرگی بود (مجذور ایتا  $=0/135$ ). اثر اصلی پذیرش از سوی هم‌تایان  $p=0/005$  و  $F(2, 29)=62/99$ ، نیز از نظر آماری معنادار بود. اندازه اثر بسیار بزرگ بود (مجذور ایتا  $=0/81$ ). مقایسه‌های پس‌تجربی با استفاده از آزمون HSD توکی نشان داد که میانگین گروه ۱ ( $SD=3/204$  و  $M=19/08$ ) با میانگین گروه ۲ ( $M=12/22$  و  $SD=2/438$ ) و میانگین گروه ۳ ( $M=5/64$  و  $SD=2/678$ ) تفاوت آماری معنادار دارد. همین‌طور، میانگین گروه ۲ و ۳ نیز به لحاظ آماری تفاوت دارند.

### نتیجه‌گیری:

همان‌طور که نتایج نشان داد بین احساس تنهایی دختران و پسران ناشنوا تفاوت وجود ندارد. هرچند بیشتر تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که بین پسران و دختران از لحاظ احساس تنهایی تفاوت آماری معناداری وجود ندارد، با این وجود بررسی مسئله تفاوت‌های جنسی در احساس تنهایی در این مطالعه مهم است زیرا، در ارتباط با تفاوت‌های جنسی در احساس تنهایی در مطالعات قبلی ناهمسانی وجود دارد. علاوه بر آن در تحقیقات پیشین علاقه‌ای به مطالعه کودکان ناشنوا دیده نشده است و باید توجه داشت که غالب تحقیقات پیشین در فرهنگ‌هایی بوده‌اند که کاملاً از نظر فرهنگ، سنت‌ها و نقش‌های اجتماعی برای پسران و دختران، با کشور ایران متفاوت هستند.

علاوه بر آن، نتایج نشان دادند که احساس تنهایی کودکان ناشنوایی که والدین ترغیب‌کننده به رابطه با هم‌تایان دارند با کودکان ناشنوایی که والدین ترغیب‌کننده ندارند، متفاوت است و تنهایی به شکل منفی‌ای با ترغیب والدین به رابطه با هم‌تایان ارتباط دارد. هرچند در فرهنگ ایرانی دختران با محدودیت و کنترل بیشتری نسبت به پسران روبه‌رو هستند، به نظر می‌رسد که این نتایج منطقی باشند. این ممکن است ناشی از علاقه و توجه جدی به زنان و دیدگاه‌های اجتماعی جدید به نقش‌های‌شان باشد. محققان زیادی نشان داده‌اند که تعاملات اولیه والد-کودک ممکن است تأثیر زیادی بر روابط بعدی کودک با هم‌تایان داشته باشد (جاکوبسون و ویل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶؛ پوتالاز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). مطمئناً، ترغیب مثبت والدین به رابطه با هم‌تایان، می‌تواند عاملی دخیل در کاهش احساسات تنهایی کودکان محسوب شود و فرصت‌هایی را برای رشد روابط دوستی رضایت‌بخش، فراهم آورد. کودکان ناشنوا بیش از هم‌تایان شنوای خود به این کمک والدین نیازمندند ولی به علت ناتوانی‌شان در برقراری ارتباط با دیگران، در شرایط بدی قرار دارند. دونهام<sup>۳</sup> (۱۹۷۶)، در مشاهداتش راجع به تنهایی و معلولیت‌های فیزیکی بیان می‌کند: "مسئله افراد ناشنوا در حوزه تنهایی از ناتوانی برقراری ارتباط با افراد شنوای اطراف آنها به وجود می‌آید و در شهرها شماری از افراد ناشنوا گرد هم جمع می‌شوند تا با فعالیت‌های اجتماعی در گروه‌ها و کلوپ‌ها، بر این مشکل فائق آیند". بنابراین جامعه باید فرصت‌هایی برای افراد ناشنوا جهت ارتباطات اجتماعی فراهم آورد. آنها نیاز به پذیرفته‌شدن و حس تعلق دارند؛ ما می‌توانیم با پذیرش آنها در جریان اصلی فعالیت‌های اجتماعی، به آنها کمک کنیم. نقش والدین تنها ترغیب کودکان‌شان به ایجاد روابط دوستی جدید نیست بلکه باید بر انتخاب‌های هم‌تایان کودک خود نظارت‌های حساب‌شده داشته و بر نوع هم‌تایان از طریق برخی ویژگی‌های اجتماعی مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات و به ویژه در حوزه انحرافات و بزهکاری‌ها، تأثیر داشته باشند (میوس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). اگر والدین این نظارت‌ها را به شکل راهنمایی و با استفاده از متقاعد کردن کودکان و نه به شکل اطاعت بی‌چون و چرا به کار ببرند، نقش ترغیب والدین به رابطه با هم‌تایان تضعیف نمی‌شود.

<sup>۱</sup>. Jacobson & Wille

<sup>۲</sup>. Putallaz

<sup>۳</sup>. Dunham

<sup>۴</sup>. Meeus

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

همچنین در بررسی این فرضیه که بین احساس تنهایی کودکان ناشنوایی که والدین سخت‌گیر و سهل‌گیر دارند تفاوت وجود دارد، نتایج تحلیل آماری نمرات دو گروه نشان داد که بین میانگین نمرات احساس تنهایی دو گروه تفاوت آماری معناداری وجود دارد و این تفاوت در کودکان با سبک رفتاری سخت‌گیر مشاهده می‌شود. نتایج مطالعات نشان می‌دهند که کودکان ناشنوا با والدین سخت‌گیر نسبت به کودکان ناشنوا با والدین سهل‌گیر بسیار تنهاتر هستند. به نظر می‌رسد که این نتایج منطقی باشند زیرا هنگامی که والدین در تربیت فرزندان‌شان از سبک سهل‌گیری استفاده می‌کنند، این امکان وجود دارد که برای کودکان‌شان فرصت‌هایی جهت بیان خود، عقاید و احساسات درونی‌شان، به شیوه‌ای قابل قبول، خواه همسان یا ناهمسان با دیگران، فراهم آورند. والدینی که با کودکان خود سبک سهل‌گیرانه‌ای دارند، و از روش دموکراتیک استفاده می‌کنند، به کودکان‌شان آموزش می‌دهند که چگونه از حقوق خود دفاع نمایند، چگونه وظایف خود را به روش درست انجام دهند و نسبت به نیازهای کودکان خود بسیار حمایت‌گر هستند و بر حس شایستگی آنها تأکید می‌کنند؛ علاوه بر آن هنگامی که کودکان‌شان مرتکب اشتباهی می‌شوند، آنها را راهنمایی می‌کنند. کودکانی که در چنین جوّی رشد می‌کنند، قادرند که به دیدگاه‌های دیگران احترام بگذارند و انتقادات آنها را بپذیرند، همچنین آنها قادرند که روابط اجتماعی موفق‌تری برقرار نمایند و مهارت‌های اجتماعی بهتری داشته باشند. این ممکن است پیش‌بینی کننده‌ی جامعه‌پذیری بیشتر و کاهش احساس تنهایی کودکان باشد. ذکر این نکته مهم است، از آنجا که یکی از ویژگی‌های کودکان ناشنوا این است که در عقایدشان انعطاف‌ناپذیر<sup>۱</sup> و لجوج<sup>۲</sup> (خودرایی)، هستند، بنابراین استفاده از سبک رفتاری سهل‌گیرانه بهتر است تا سبک سخت‌گیرانه، زیرا سهل‌گیری از طرف والدین باعث عمیق‌تر شدن روابط والد-کودک می‌شود و باعث می‌شود تا آنها: ۱- احساس نزدیکی بیشتری را نسبت به هم پیدا کنند، ۲- احساس تعهد بیشتری کنند و ۳- از تعارض‌های غیر قابل فهمی که ممکن است برای کودک ناشنوا پیش بیاید، جلوگیری می‌نماید. این به نوبه‌ی خود، میزان احساس تنهایی را کاهش می‌دهد. بنابراین، والدین سهل‌گیر از یک طرف، رشد درون‌فردی فرزندان‌شان را با آزادی‌دادن و کمک برای رسیدن به اهداف شخصی‌شان، ترغیب می‌کنند و از طرف دیگر به ماندن فرزندان‌شان در سیستم خانواده و اطاعت از تصمیمات خانوادگی با استفاده از مشورت کردن و متقاعدنمودن و نه پیروی کورکورانه، کمک می‌کنند.

این نتیجه که بین احساس تنهایی کودکان ناشنوایی که والدینی با سبک‌های رفتاری‌پذیرنده، طردکننده و بی‌توجه دارند، تفاوت وجود دارد، نتایج با یافته‌های بیشتر مطالعات گذشته که نشان می‌دهند تجربه‌های دلبستگی منفی اولیه بین کودک و والدین می‌توانند پیش‌بینی کننده‌ی احساسات تنهایی و ناایمنی بعدی باشند، همسان هستند (برلین، کاسیدی و بلسکی، ۱۹۹۵؛ پرلمن و پیلاو، ۱۹۸۲؛ لیدرمن، ۱۹۸۹). نتایج مطالعه دیویس و فرانزیو (۱۹۸۵)، با یافته‌های به دست آمده از این مطالعه همسان هستند. مطالعه آنها نشان داد که بین گرمی‌والدین و احساس تنهایی کودکان، رابطه منفی وجود دارد. تفاوت‌های به دست آمده بین نمرات احساس تنهایی می‌تواند به تفاوت در سبک‌های فرزندپروری، نسبت داده شود. کودکانی که والدین‌شان با آنها به شیوه مسالمت‌آمیز تعامل، و با آنها به گرمی رفتار می‌کنند، احساس ایمنی نموده و به هم اعتماد می‌نمایند. زیرا بافت خانوادگی نخستین مکانی است که کودک ناشنوا می‌تواند از طریق آن با دنیای بیرون تعاملات اجتماعی برقرار نماید. بنابراین تعاملات مثبت بین والد-کودک ناشنوا، می‌تواند تعاملات اجتماعی کودک ناشنوا با افراد دیگر را خارج از محیط خانواده، تحت تأثیر قرار دهد. در مقابل، کودکان طردشده توسط والدین و آنهایی که والدین‌شان سرزنش‌کننده<sup>۳</sup>، تنبیه‌گر<sup>۴</sup> و انتقادکننده<sup>۵</sup> هستند، ممکن است احساس کنند که دوست داشتنی نیستند و والدین‌شان آنها را طرد نموده‌اند؛ این احساس ممکن است در طول زمان باعث شود که کودک در تعاملاتش با افراد دیگر به شکل پرخاشگرانه عمل کند. بنابراین احتمال زیادی وجود دارد که دیگران این کودکان را طرد نمایند یا این‌که درون‌گرا، منزوی و از لحاظ اجتماعی گوشه‌گیر شوند. از آنجا که این کودکان احساس می‌کنند که دوست داشتنی نیستند، مشکلاتی به وجود می‌آورند و انتقاداتی به شکل پیوسته از جانب دیگران دریافت می‌کنند. بنابراین، این کودکان انزوا را اختیار می‌کنند و این مکانیسم ممکن است به مرور زمان به تنهایی منجر شود. در مطالعه تفاوت بین میانگین نمرات سه گروه، مشخص

<sup>۱</sup>.rigid

<sup>۲</sup>.stubborn

<sup>۳</sup>.censurer

<sup>۴</sup>.punitive

<sup>۵</sup>.critic

شد که تفاوت بین پذیرش از یک طرف و غفلت و طرد از طرف دیگر، از لحاظ آماری در سطح ۰۰۱. معنادار است. در حالی که تفاوت بین نمرات غفلت و طرد والدین، معنادار نیست. این ممکن است ناشی از این حقیقت باشد که هر دو سبک را می‌توان تحت عنوان سبک‌های منفی قرار داد.

در بررسی این فرضیه که بین احساس تنهایی کودکان ناشنوای دارای سطوح متفاوت پذیرش از سوی همتایان در مدرسه تفاوت وجود دارد، از تحلیل واریانس یک‌طرفه بین گروهی برای بررسی اثر سطوح پذیرش از سوی همتایان بر احساس تنهایی کودکان ناشنوا، استفاده شد. بیشتر مطالعات با یافته‌های اخیر همسان هستند و نشان داده‌اند که دوستی به شکل منفی با احساس تنهایی مرتبط است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که تعداد دوستان اثر معناداری بر درجه احساس تنهایی دارد، بدین معنی که کودکانی که دوستی ندارند نسبت به کودکانی که تعدادی دوست خوب دارند، تنهایی بیشتری را گزارش می‌کنند (آشر، هیمل و رینشاو؛ ۱۹۸۴، پارکر و سال ۱۹۹۶). دوستی‌ها می‌توانند به شکل مشخصی احساس تنهایی را کاهش دهند؛ کودکان طرد شده‌ای که دوستانی دارند نسبت به کودکان طرد شده‌ای که دوستانی ندارند به شکل معناداری تنهایی کمتری گزارش می‌دهند (آشر و پارکر ۱۹۹۳؛ رنشاو و براون ۱۹۹۳). کودکانی که سطح بالایی از تناقض را در دوستی‌هایشان گزارش دادند، گرایش بیشتری به تنهایی در مدرسه دارند (لاد و کولیمن، ۱۹۹۶)، علاوه بر آن کودکانی که سطح بالایی از احساس تنهایی را گزارش دادند، رفتارهای منفی از دوستانشان دیده بودند (یونگ‌بلاد، برلین و بیلسکی ۱۹۹۹)، دوستی به شکل منفی با احساس تنهایی همبسته بود (چنگ<sup>۱</sup> و فارنهام<sup>۲</sup> ۲۰۰۲). مطالعه سلیمی (۱۳۸۶)، نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که توسط همتایان خود طرد شده‌اند، نسبت به گروه‌های دیگر در مقیاس افسردگی، نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. همچنین این دانش‌آموزان مشکلات ارتباطی بیشتری را گزارش می‌دهند و از آنجا که مشکلات ارتباطی یکی از دلایل عمده احساس تنهایی محسوب می‌شوند، میزان احساس تنهایی در این دانش‌آموزان بالاتر است. پژوهش میرشاهی (۱۳۷۴)، نشان می‌دهد دانش‌آموزان محبوب نسبت به دانش‌آموزان غیرمحبوب نزد همتایان، درک روشن‌تری از رابطه خود با والدین دارند و علاوه بر آن، در رابطه خود با خواهران و برادران احساس امنیت بیشتری می‌کنند.

همچنین نتایج نشان دادند که تعامل سبک‌های رفتاری (سخت‌گیری و سهل‌گیری)، و روابط همتایان (پذیرش بالا، متوسط و کم) در مدرسه، بر نمرات احساس تنهایی کودکان ناشنوا معنادار نبود. اما اثر اصلی سبک رفتاری والدین به لحاظ آماری معنادار شد،  $P=0/042$  و  $F(1و29)=4/540$ . همچنین اثر آماری معنادار روابط همتایان (پذیرش بالا، متوسط و کم)، در مدرسه را بر نمرات احساس تنهایی کودکان ناشنوا نشان می‌دهد  $p=0/005$  و  $F=62/99$  (۲و۲۹). این نتایج با نتایج فرضیه‌های این پژوهش هماهنگ هستند. جالب است که همتایان تأثیر بزرگ‌تری نسبت به والدین بر نمرات احساس تنهایی کودکان ناشنوا دارند و این به دلیل آن است که همتایان ناتوانی یکسانی دارند. این ناتوانی متقابل باعث می‌شود تا همدیگر را به آسانی درک کنند و از آنجا که ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی یکسانی دارند، مشکلات و مسائل مشابهی را نیز تجربه می‌کنند. علاوه بر آن، ممکن است دنیای اجتماعی افراد ناشنوا به افراد ناشنوای دیگر محدود شده باشد و از آنجا که بیشتر وقت‌شان را با افراد ناشنوا به سر می‌برند، سرگرمی‌ها و فعالیت‌های مشابهی را نیز تجربه می‌کنند. این مطلب در کودکان ناشنوایی که والدین شنوا دارند بیشتر صدق می‌کند، به ویژه این‌که حدود ۹۰٪ از کودکان ناشنوا، از والدین شنوا متولد می‌شوند.

بر این اساس می‌توان استنباط کرد که چنانچه مطالعه‌ای مشابه بر روی کودکان شنوا صورت می‌گرفت، احتمالاً الگوی نتایج به‌طور چشمگیری متفاوت و حتی معکوس می‌بود. دلیل این امر آن است که در میان کودکان شنوا، روابط والد-کودک و شیوه‌های تربیتی والدین غالباً نقش پررنگ‌تر و اثرگذارتری نسبت به تعاملات همسالان دارند و بسیاری از ابعاد رشد اجتماعی و هیجانی آنان به واسطه‌ی کیفیت رابطه با والدین شکل می‌گیرد. در مقابل، در کودکان ناشنوا، وزن و اهمیت روابط با همسالان افزایش می‌یابد و سطح پذیرش اجتماعی از سوی همتایان به یکی از عوامل کلیدی در احساس تعلق و کاهش یا افزایش تجربه‌ی تنهایی بدل می‌شود. به بیان دیگر، در حالی که در کودکان شنوا محیط خانوادگی بیشترین تأثیر را بر تجربه‌ی هیجانی آنان دارد، برای کودکان ناشنوا این پذیرش از سوی همسالان است که نقش محوری‌تری در کاهش یا تشدید احساس تنهایی ایفا می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند کودکانی که از سوی همسالان خود تنها در سطحی محدود پذیرفته می‌شوند و در عین حال والدین آن‌ها از شیوه‌ی فرزندپروری

<sup>۱</sup>.Cheng

<sup>۲</sup>.Furnham

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، میزان بیشتری از احساس تنهایی را تجربه می‌کنند. این در حالی است که کودکان با شرایط متفاوت - یعنی آن دسته از ناشنوایانی که به میزان بیشتری از سوی همسالان پذیرفته می‌شوند و والدینشان شیوهی تربیتی سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ کرده‌اند - سطوح پایین‌تری از احساس تنهایی را گزارش می‌دهند. به بیان دیگر، همپوشانی دو عامل «سبک فرزندپروری» و «میزان پذیرش اجتماعی توسط همسالان» نقش تعیین‌کننده‌ای در تجربه‌ی احساس تنهایی در میان کودکان ناشنوا دارد. به طور کلی، این نتایج نشان می‌دهند که پذیرش اندک توسط همتایان و سخت‌گیری والدین در افزایش احساس تنهایی در بین کودکان ناشنوا، نسبت به پذیرش بالا توسط همتایان و سهل‌گیری والدین، تاثیر بیشتری دارد. علاوه بر آن، یافته‌های مطالعه اخیر نشان می‌دهد که بین سبک‌های فرزندپروری و گروه همتایان در مدرسه و تاثیر آنها بر نمرات احساس تنهایی کودکان ناشنوا، تعامل متقابلی وجود دارد؛ کودکانی که در مدرسه توسط همتایان پذیرفته شده‌اند و سبک‌های رفتاری والدینشان پذیرنده یا سهل‌گیرانه بوده‌است، نسبت به کودکانی که توسط همتایان به شکل ضعیفی پذیرفته شده‌اند و سبک‌های رفتاری والدینشان غفلت، طرد یا سخت‌گیری بوده‌است، احساس تنهایی کمتری می‌نمایند. همچنین مشخص شد که بین ترغیب والدین به رابطه با همتایان و احساس تنهایی کودکان ناشنوا، همبستگی منفی وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهند که بین نمرات تنهایی دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد. بنابراین یافته‌های مطالعه حاضر، رهنمودهایی در زمینه‌ی احساس تنهایی کودکان ناشنوا برای تحقیقات و برنامه‌های آینده ارائه می‌دهد:

(الف): طراحی برنامه‌های مشاوره‌ای در قالب کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها برای والدین کودکان ناشنوا، جهت آگاه‌نمودن آنان به خطر مشکل تنهایی و پیامدهای منفی آن و همچنین تشخیص زودهنگام احساس تنهایی و علاوه بر آن آموزش والدین به منظور بکارگیری سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در تعامل با کودکان ناشنوایان و پذیرش آنان، به منظور پیش‌گیری از تنهایی.

(ب): همه‌ی کارکنان مدرسه از جمله معلمان، متخصصان روان‌شناسی یا مشاوران مدرسه باید به بهبود روابط همتا-کودک کمک کنند و کودک درون‌گرا را ترغیب نمایند تا به منظور بیرون آمدن از انزوا، در فعالیت‌های گروه همتایان و سرگرمی‌های آنان شرکت نماید.

(ج): نتایج مطالعه حاضر در طراحی برنامه‌های درمانی مشاوره‌ای به منظور کاهش سطوح تنهایی برای کودکان با سطوح بالای احساس تنهایی، مفید است. به هر حال، قبل از طراحی این برنامه‌های درمانی مشاوره‌ای، تعیین عوامل علی تنهایی مهم است زیرا تعیین این عوامل نه تنها بر نوع برنامه‌های مشاوره‌ای مهم است بلکه در پیش‌گیری از مسئله تنهایی از ابتدا نیز می‌تواند مهم باشد.

(د): علی‌رغم مزیت‌های ابزارهای استفاده‌شده در این مطالعه، به نظر می‌رسد که در زمینه روان‌شناسی کودکان ناشنوا، کمبود ابزارها و آزمون‌های مناسب محسوس باشد. بنابراین به ابزارهای جدیدی به ویژه برای کودکان ناشنوا نیاز است، زیرا غالب ابزارهایی که در تحقیقات گذشته بر کودکان ناشنوا مورد استفاده قرار گرفته‌اند از ابتدا برای کودکان شنوا و بزرگسالان طراحی شده‌اند.

## منابع

- اروین، فیل (۲۰۰۴). *پیوندهای دوستی در کودکی و نوجوانی*. ترجمه غلام‌علی افروز؛ مریم قربان‌خانی (۱۳۸۱)، چاپ اول. تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- افروز، غلام‌علی. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنائی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم.
- اکبری‌قمصری، امیر. (۱۳۷۳). *نقش خانواده در اجتماعی کردن فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شهید بهشتی.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران. پژوهش در حیطه کودکان استثنائی بهار؛ ۵. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- تهمتن، کلثوم. (۱۳۸۷). *بررسی ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی شهرستان فسا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- حسینیان، سیمین. پورشهریاری، مه‌سیما. کلانتری، نصراله. (۱۳۸۶). *رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان دختر ناشنوا و شنوا*. پژوهش در حیطه کودکان استثنائی زمستان، ۷.

## روانشناسی مثبت‌نگر اسلامی

- خانجانی، زینب. (۱۳۸۶). نقش نقص‌های حسی در سبک‌های دلبستگی و مشکلات رفتاری کودکان. فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، بهار؛ تبریز: دانشگاه تبریز.
- رستگاران، محبوبه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر چگونگی روابط والدین بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی دخترانه شهر همدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت معلم.
- رضایی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران (اقتدار منطقی، آزادگذاری و استبدادی) با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان پایه‌های اول، دوم و سوم مدارس راهنمایی اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- سادوک، بنیامین. سادوک، ویرجینیا. (۱۳۸۴). خلاصه روان‌پزشکی: علوم رفتاری-روان‌پزشکی بالینی، ترجمه نصرت‌الله پورافکاری، جلد ۱، چاپ دوم. تهران: شهرآب.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت اجتماعی نوجوانان نزد همسالان خود و ارتباط آن با مشکلات رفتار ارتباطی و افسردگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۹۳). مشکلات تربیتی را چگونه حل کنیم. چاپ سوم، تهران: انتشارات تزکیه.
- کاکاوند، علیرضا. (۱۳۸۵). روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی. چاپ اول. تهران: نشر روان.
- علی‌فاز، احمد. عسکری، عباس‌علی. (۱۳۸۷). توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دانش‌آموزان دختر، اصول بهداشت روانی؛ ۵، (۱).
- مشایخ، مریم. برجعلی، احمد. (۱۳۸۲). بررسی رابطه احساس تنهایی با نوع استفاده از اینترنت در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی. تازه‌های علوم شناختی، ۵، (۱).
- میردریگوند، فضل‌الله. (۱۳۷۸). بررسی رابطه احساس تنهایی با عملکرد تحصیلی، اضطراب، افسردگی و عزت‌نفس در دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی شهرستان پلدختر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- هالاها، دانیل‌پی. کافمن، جیمز ام. (۱۳۸۳). کودکان استثنائی: مقدمه‌ای بر آموزش‌های ویژه، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ هشتم.

## References

- Adel Abdelfatah M. Elhageen. (۲۰۰۴). Effect of interaction between parental treatment styles and peer relation in classroom on feelings of loneliness among deaf children in Egyptian schools. Menoufia: University Egypt, April.
- Asher, S. R., & Wheeler, V. A. (۱۹۸۵). Children's loneliness: A comparison of rejected and neglected peer status". *Journal of Consulting and Clinical Psychology*.
- Asher, S. R., Hymel, S., & Renshaw, P. D. (۱۹۸۴). Loneliness in children. *Child Development*.
- Asher, S. R., Parkhurst, J. T., Hymel, S., & Williams, G. A. (۱۹۹۰). Peer rejection and loneliness in children. In S. R. Asher & J. D. Coie (Eds.), *Peer rejection in childhood*. New York: Cambridge University Press.
- Backenroth, G. A. (۲۰۱۲). Loneliness in the deaf community: A personal or an enforced choice. *International Journal of Rehabilitation Research*.
- Berlin, L. J., Cassidy, J., & Belsky, J. (۱۹۹۵). Loneliness in children and infant- mother attachment: A longitudinal study, *Merrill-Palmer Quarterly*.
- Bierman, K. L., & Smoot, D. L. (۲۰۱۰). Linking family characteristics with poor peer relations: the mediating role of conduct problems. *Journal of Abnormal Child Psychology*.
- Calderon, R., & Greenberg, M. (۱۹۹۳). Considerations in the adaptation of families with school-aged deaf children" In M. Marschark & M. D. Clark. (Eds.), *Psychological perspectives on deafness*. Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Cassidy, J., & Asher, S. R. (۲۰۰۲). Loneliness and peer relations in young children", *Child Development*.
- Cassidy, J., & Berlin, L. J. (۲۰۰۶). Understanding the origins of childhood loneliness: of attachment theory. In K. J. Rotenberg, & S. Hymel (Eds.) *Loneliness in childhood and adolescence*. Cambridge University Press.
- Chava, Y. & Martin, D. (۲۰۰۲). Sibling relationships of deaf children: The impact of child and family characteristics", *Rehabilitation Psychology*.
- Deutsch, B. T. (۱۹۹۹). The conceptualization and measurement of childhood loneliness. In K. J. Rotenberg, & S. Hymel (Eds.), *Loneliness in childhood and adolescence*. Cambridge University Press.

- Fromm-Reichmann, F. (۱۹۹۸). *Loneliness*. In J. Hartog, J. R. Audy, & Y. A. Cohen (Eds.), *The anatomy of loneliness*. New York: International Universities Press.
- Henwood, P. G., & Solano, C. H. (۲۰۰۸). Loneliness in young children and their parents. *The Journal of Genetic Psychology*.
- Hintermair, M. (۲۰۰۰). Children who are hearing impaired with additional disabilities and related aspects of parental stress. *Exceptional Children*.
- Hojat, M. (۱۹۸۲). Loneliness as a function of selected personality variables. *Journal of Clinical Psychology*.
- Hojat, M. & Crandall, R. (۱۹۸۹). Epilogue looking into the future. In M. Hojat & R. Crandall (Eds.), *Loneliness: theory, research, and applications*. London: Sage.
- Margalit, M. (۲۰۰۵). Loneliness among children with special needs. New York: Springer-Verlag.
- Moore, D., & Schultz, N. R. (۱۹۸۳). Loneliness and adolescence: Correlations, attributions and coping", *Journal of Youth and Adolescence*.
- Mounts, N. S. (۲۰۰۲). Parental management of adolescent peer relationships in context: the role of parenting style. *Journal of Family Psychology*.
- Murphy, J. S., & Newlon, B. J. (۱۹۸۷). Loneliness and the mainstreamed hearing impaired college student. *American Annals of the Deaf*.

## Examining the Effectiveness of Comprehensive Psychological Interventions (Mindfulness and Coping Skills Training) on Reducing Anxiety, Depression, Pain, and Improving Function in Patients Following Major Surgeries

بررسی اثربخشی مداخلات روان‌شناختی جامع (ذهن‌آگاهی و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای) بر کاهش اضطراب، افسردگی، درد و بهبود عملکرد بیماران پس از جراحی‌های بزرگ

فرزانه نصیری    دانشجوی کارشناسی روانشناسی

### چکیده

### Abstract

The present study aims to investigate the effectiveness of a comprehensive psychological intervention program (consisting of mindfulness training and coping skills) on reducing anxiety, depression, pain, and improving the functioning of patients after major surgeries. This research is quasi-experimental with a pre-test-post-test design with a control group and random assignment. The statistical population includes all patients who undergo major surgeries in Kosar Hospital in Semnan during the specific time frame of the main research. A total of ۲۰۰ patients (۱۰۰ in the intervention group and ۱۰۰ in the control group) will be selected using convenience sampling and then randomly assigned to groups. Data will be collected using the Beck Anxiety Inventory, the Beck Depression Inventory, the Numerical Rating Scale of Pain or Visual Analog Scale of Pain, and the Daily Functioning Questionnaire such as in two stages, pre-test and post-test. The intervention group will receive eight ۹۰-minute sessions of mindfulness training and coping skills, while the control group will receive routine care. It is predicted that the comprehensive psychological intervention will significantly lead to a reduction in anxiety, depression, and pain, and improved functioning in the intervention group compared to the control group.

**Key words:** Psychological interventions, mindfulness, coping skills, anxiety, depression, pain, function, major surgeries.

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی یک برنامه مداخله روان‌شناختی جامع (متشکل از آموزش ذهن‌آگاهی و مهارت‌های مقابله‌ای) بر کاهش اضطراب، افسردگی، درد و بهبود عملکرد بیماران پس از جراحی‌های بزرگ انجام شده است. این تحقیق از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و گمارش تصادفی است. جامعه آماری شامل کلیه بیماران است که در بازه زمانی مشخص اجرای پژوهش اصلی، در بیمارستان کوثر سمنان تحت عمل جراحی‌های بزرگ قرار می‌گیرند. تعداد ۲۰۰ بیمار (۱۰۰ نفر در گروه مداخله و ۱۰۰ نفر در گروه کنترل) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و سپس به صورت تصادفی به گروه‌ها گمارده خواهند شد. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های اضطراب بک، افسردگی بک، مقیاس درجه‌بندی عددی درد یا مقیاس دیداری قیاسی درد و پرسش‌نامه عملکرد روزمره مانند در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون جمع‌آوری می‌شوند. گروه مداخله ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش ذهن‌آگاهی و مهارت‌های مقابله‌ای دریافت خواهند کرد، در حالی که گروه کنترل مراقبت‌های معمول را دریافت می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که مداخله روان‌شناختی جامع به طور معناداری منجر به کاهش اضطراب، افسردگی و درد و بهبود عملکرد در گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل شود.

**کلمات کلیدی:** مداخلات روان‌شناختی، ذهن‌آگاهی، مهارت‌های مقابله‌ای، اضطراب، افسردگی، درد، عملکرد، جراحی‌های بزرگ.

## مقدمه

جراحی‌های بزرگ، علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در علم پزشکی و تکنیک‌های جراحی، همچنان تجارب استرس‌زای قابل توجهی برای بیماران محسوب می‌شوند (نیکنام و همکاران، ۱۳۹۷). این تجارب نه تنها با درد جسمانی پس از عمل همراه هستند، بلکه می‌توانند منجر به طیف وسیعی از مشکلات روان‌شناختی، از جمله اضطراب، افسردگی و اختلال در عملکرد روزانه شوند (یزدی و حسینی، ۱۳۹۵). اضطراب پیش و پس از عمل جراحی یک پدیده شایع است که می‌تواند بر روند بهبودی، طول مدت بستری و رضایت کلی بیمار تأثیر منفی بگذارد (سلیمانی و غفوری، ۱۳۹۶). افسردگی نیز، چه به‌عنوان یک مشکل از قبل موجود و چه به‌عنوان عارضه‌ای پس از جراحی، می‌تواند انگیزه بیمار برای مشارکت در فرآیند توانبخشی را کاهش داده و کیفیت زندگی او را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (یزدی و حسینی، ۱۳۹۵). علاوه بر این، درد پس از جراحی یک چالش اساسی است که مدیریت ناکافی آن می‌تواند منجر به مزمن شدن درد، افزایش مصرف مسکن‌ها و تأخیر در بازگشت به فعالیت‌های عادی گردد (نیکنام و همکاران، ۱۳۹۷). بهبود عملکرد جسمانی و بازگشت سریع‌تر به استقلال در انجام امور روزمره، یکی از اهداف کلیدی مراقبت‌های پس از جراحی است که تحت تأثیر مستقیم عوامل جسمانی و روان‌شناختی قرار دارد (سلیمانی و غفوری، ۱۳۹۶). بنابراین، نیاز به مداخلات جامع که به طور هم‌زمان به ابعاد جسمانی و روان‌شناختی بیماران پس از جراحی بپردازند، حیاتی است. با وجود آگاهی از اهمیت عوامل روان‌شناختی در بهبودی پس از جراحی، همچنان جنبه‌های مجهول و مبهمی در مورد چگونگی و میزان اثربخشی مداخلات روان‌شناختی جامع و یکپارچه وجود دارد. بسیاری از مطالعات به صورت مجزا به بررسی تأثیر مداخلات خاص (مانند ذهن‌آگاهی یا فقط آموزش مهارت‌های مقابله‌ای) پرداخته‌اند. این در حالی است که ترکیب این رویکردها در قالب یک بسته جامع روان‌شناختی، پتانسیل هم‌افزایی و تأثیرگذاری بیشتری دارد، اما شواهد پژوهشی در این زمینه، به ویژه در جمعیت بیماران ایرانی پس از جراحی‌های بزرگ، محدود است. همچنین، درک دقیق چگونگی مکانیسم‌هایی که از طریق آن‌ها این مداخلات جامع می‌توانند به کاهش هم‌زمان اضطراب، افسردگی، درد و بهبود عملکرد منجر شوند، نیازمند بررسی‌های بیشتری است.

**هدف کلی:** بررسی میزان اثربخشی یک برنامه مداخله روان‌شناختی جامع، متشکل از آموزش ذهن‌آگاهی و مهارت‌های مقابله‌ای، بر کاهش اضطراب، افسردگی، درد و بهبود عملکرد بیماران پس از جراحی‌های بزرگ.

## اهداف ویژه:

- تعیین تأثیر مداخله روان‌شناختی جامع بر سطح اضطراب بیماران پس از جراحی‌های بزرگ.
  - تعیین تأثیر مداخله روان‌شناختی جامع بر سطح افسردگی بیماران پس از جراحی‌های بزرگ.
  - تعیین تأثیر مداخله روان‌شناختی جامع بر شدت درد ادراک شده توسط بیماران پس از جراحی‌های بزرگ.
- تعیین تأثیر مداخله روان‌شناختی جامع بر سطح عملکرد جسمانی و روزانه بیماران پس از جراحی‌های بزرگ.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهشی

این پژوهش بر چندین چارچوب نظری استوار است که به تبیین مکانیسم‌های احتمالی اثربخشی مداخلات روان‌شناختی جامع می‌پردازند:

- **مدل استرس و مقابله لازاروس و فولکمن:** این مدل بر ارزیابی شناختی فرد از موقعیت‌های استرس‌زا و راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده تأکید دارد. مداخلات ذهن‌آگاهی و مهارت‌های مقابله‌ای به بیماران کمک می‌کنند تا ارزیابی خود از جراحی و پیامدهای آن را تغییر داده و راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه‌تری را به کار گیرند، که این امر به کاهش پریشانی و بهبود سازگاری می‌انجامد.
- **نظریه‌های زیربنایی ذهن‌آگاهی:** ذهن‌آگاهی با افزایش آگاهی از لحظه حال و پذیرش تجارب بدون قضاوت، به بیماران کمک می‌کند تا از گرفتار شدن در افکار و احساسات منفی مرتبط با درد و اضطراب پس از جراحی رها شوند و واکنش‌های خودکار به استرس را کاهش دهند. این فرآیند منجر به تنظیم هیجان و افزایش تاب‌آوری می‌شود.

- مدل زیستی - روانی - اجتماعی سلامت و بیماری: این مدل بر تعامل پیچیده عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی در سلامت و بیماری تأکید دارد. مداخلات روان‌شناختی جامع با پرداختن به ابعاد روان‌شناختی (اضطراب، افسردگی) و رفتاری (مهارت‌های مقابله‌ای)، به بهبود کلی وضعیت بیمار کمک می‌کنند و دیدگاهی جامع به سلامت را ترویج می‌دهند.
- نظریه خودکارآمدی بندورا: افزایش خودکارآمدی در مدیریت درد و استرس پس از جراحی، از طریق آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و تجربه موفقیت در به کارگیری آن‌ها، می‌تواند به بهبود عملکرد و کاهش پریشانی روان‌شناختی منجر شود. باور به توانایی فرد در کنترل موقعیت‌های دشوار، نقش مهمی در پیامدهای بهبودی ایفا می‌کند. ادبیات پژوهشی بین‌المللی سرشار از مطالعاتی است که به بررسی تأثیر مداخلات روان‌شناختی مختلف بر بهبود وضعیت بیماران جراحی شده پرداخته‌اند. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که تمرینات ذهن‌آگاهی می‌تواند به طور مؤثری به کاهش اضطراب، افسردگی و درد در بیماران پس از جراحی کمک کنند. برای مثال، مطالعاتی بر روی بیماران پس از جراحی قلب، سرطان و جراحی‌های ارتوپدی، کاهش قابل توجهی در سطوح استرس و بهبود کیفیت زندگی را به دنبال برنامه‌های مبتنی بر ذهن‌آگاهی (MBIs) گزارش کرده‌اند (Zhang et al, ۲۰۲۴). مداخلات با افزایش آگاهی از لحظه حال و پذیرش تجارب بدون قضاوت، به بیماران کمک می‌کنند تا واکنش‌های هیجانی منفی خود را نسبت به درد و ناراحتی‌های پس از عمل تعدیل کنند. نتایج متاآنالیزها نیز از اثربخشی کلی MBIs در کاهش درد مزمن و بهبود سلامت روان در جمعیت‌های مختلف بیماران حمایت می‌کنند (Zhou et al, ۲۰۲۳).
- آموزش مهارت‌های مقابله‌ای که اغلب شامل راهبردهای شناختی - رفتاری مانند بازسازی شناختی، حل مسئله، و تکنیک‌های آرام‌سازی است، نیز به طور گسترده‌ای در مدیریت پیامدهای منفی پس از جراحی مورد استفاده قرار گرفته است. تحقیقات نشان داده‌اند که بیمارانی که این مهارت‌ها را فرا می‌گیرند، سطوح پایین‌تری از اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کنند، درد را بهتر مدیریت کرده و سریع‌تر به فعالیت‌های روزمره بازمی‌گردند. برای نمونه، مطالعات بر روی بیماران جراحی ستون فقرات یا تعویض مفصل، بهبود قابل توجهی در عملکرد و کاهش ناتوانی را پس از دریافت آموزش مهارت‌های مقابله‌ای (CST) گزارش کرده‌اند (De Vries et al, ۲۰۲۰).
- در سال‌های اخیر، تمایل به استفاده از مداخلات جامع که چندین رویکرد درمانی را ترکیب می‌کنند، افزایش یافته است. این رویکردها با هدف قرار دادن جنبه‌های مختلف تجربه بیمار (شناختی، هیجانی، رفتاری و فیزیولوژیکی)، پتانسیل تأثیرگذاری بیشتری دارند. با این حال، تعداد مطالعاتی که به طور خاص اثربخشی ترکیب ذهن‌آگاهی و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای را در قالب یک بسته جامع برای بیماران پس از جراحی‌های بزرگ بررسی کرده باشند، هنوز محدود است. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ترکیب این عناصر می‌تواند منجر به نتایج بهتری در مقایسه با هر یک از این رویکردها به تنهایی شود (Bowers et al, ۲۰۲۲).
- در ایران نیز پژوهش‌هایی در زمینه تأثیر مداخلات روان‌شناختی بر بیماران انجام شده است، هرچند تمرکز بر بیماران پس از جراحی‌های بزرگ و با استفاده از مداخلات جامع کمتر بوده است. مطالعاتی به بررسی اثربخشی آموزش‌های مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کاهش اضطراب و درد بیماران مبتلا به سرطان یا دردهای مزمن پرداخته‌اند (نیکنام و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین، پژوهش‌هایی تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله با استرس و راهبردهای شناختی-رفتاری را بر بهبود کیفیت زندگی و کاهش پریشانی روان‌شناختی در بیماران مختلف (مانند بیماران دیالیزی یا قلبی) نشان داده‌اند (یزدی و حسینی، ۱۳۹۵). با این حال، خلأ اصلی در تحقیقات کنونی، کمبود مطالعاتی است که به بررسی اثربخشی بسته‌های مداخله‌ای روان‌شناختی جامع، شامل ترکیب چندین رویکرد مکمل، بپردازد. این پژوهش قصد دارد این شکاف را پر کند.

## روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق با هدف بررسی اثربخشی مداخلات روان‌شناختی جامع (ذهن‌آگاهی و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای) بر کاهش اضطراب، افسردگی، درد و بهبود عملکرد بیماران پس از عمل جراحی‌های بزرگ طراحی شده است. این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و گمارش تصادفی است. در این طرح، شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی به دو گروه (مداخله و کنترل) گمارده می‌شوند و متغیرهای وابسته (اضطراب، افسردگی، درد، عملکرد) قبل و بعد از اجرای مداخله در هر دو گروه اندازه‌گیری می‌شوند تا تأثیر متغیر مستقل (مداخله روان‌شناختی جامع) بر متغیرهای وابسته مورد بررسی قرار گیرد.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه بیمارانی است که در بازه زمانی مشخص اجرای پژوهش اصلی، در بیمارستان کوثر سمنان تحت عمل جراحی‌های بزرگ قرار می‌گیرند. جراحی‌های بزرگ در این مطالعه شامل جراحی‌های قلب باز، جراحی‌های بزرگ شکمی، جراحی‌های ارتوپدی بزرگ و جراحی‌های عروقی بزرگ می‌باشند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری در دسترس (Convenience Sampling) است. بیماران واجد شرایطی که در طول دوره زمانی اجرای پژوهش در بخش‌های جراحی بیمارستان کوثر سمنان بستری می‌شوند، توسط تیم پژوهش شناسایی و پس از ارائه توضیحات لازم در خصوص اهداف و روش پژوهش، از آن‌ها دعوت به شرکت در مطالعه خواهد شد. پس از اینکه بیمار معیارهای ورود را احراز کرد و رضایت آگاهانه کتبی خود را ارائه داد، به صورت تصادفی به یکی از دو گروه مداخله یا کنترل گمارده خواهد شد. این گمارش تصادفی با استفاده از یک روش استاندارد تصادفی‌سازی (مانند استفاده از جدول اعداد تصادفی یا نرم‌افزار کامپیوتری تولید اعداد تصادفی) انجام می‌پذیرد. گمارش به گروه‌ها به صورت پنهان (Concealed Allocation) انجام خواهد شد تا پژوهشگران یا بیماران از گروه گمارده شده قبل از ورود به مطالعه مطلع نباشند.

#### معیارهای ورود و خروج معیارهای ورود:

- سن ۱۸ تا ۷۰ سال.
- کاندیدای انجام یکی از عمل‌های جراحی بزرگ مشخص شده در این پژوهش.
- توانایی مکالمه و درک زبان فارسی.
- توانایی ذهنی و جسمی لازم برای شرکت در جلسات مداخله (برای گروه مداخله) و تکمیل پرسش‌نامه‌ها.
- ارائه رضایت آگاهانه کتبی برای شرکت در پژوهش.

#### معیارهای خروج:

- سابقه تشخیص رسمی اختلالات روان‌پزشکی شدید (مانند سایکوز، اختلال دوقطبی) بر اساس خوداظهاری و بررسی اولیه پرونده (در صورت امکان).
- مصرف داروهای روان‌گردان در دوره زمانی مشخص قبل از جراحی.
- وجود مشکلات شناختی شدید، مانند دمانس که توانایی درک و پاسخگویی به پرسش‌نامه‌ها را مختل کند.
- بروز عوارض جدی پس از جراحی که مانع از شرکت در جلسات یا تکمیل پرسش‌نامه‌ها شود.
- انتقال به بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) برای مدت طولانی.
- سابقه شرکت در برنامه‌های مشابه ذهن‌آگاهی یا آموزش مهارت‌های مقابله‌ای در دوره زمانی مشخص، مثلاً ۶ ماه قبل از جراحی.
- عدم تمایل یا توانایی همکاری در طول پژوهش.

#### حجم نمونه

تعیین حجم نمونه کافی برای اطمینان از توان آماری (Statistical Power) مناسب جهت تشخیص تفاوت‌های معنادار بالینی بین گروه‌ها در صورت وجود، یکی از مراحل حیاتی در طراحی پژوهش است. حجم نمونه این پژوهش بر اساس نتایج حاصل از یک مطالعه مقدماتی پایلوت که پیش از پژوهش اصلی انجام شده است، و با استفاده از فرمول محاسبه حجم نمونه برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل در طرح‌های آزمایشی تعیین می‌گردد.

پارامترهای محاسبه حجم نمونه (بر اساس مطالعه مقدماتی/شبیه‌سازی شده):

- سطح معنی‌داری:  $(\alpha) 0.05$
- توان آزمون:  $(1-\beta) 0.80$
- انحراف معیار برآورد شده:  $(\sigma) 9$  (بر اساس مطالعه مقدماتی برای پیامد اصلی، مثلاً اضطراب)
- حداقل تفاوت معنادار بالینی مورد انتظار:  $(d) 4$  (واحد در مقیاس پیامد اصلی، مثلاً اضطراب)

محاسبه حجم نمونه برای پژوهش اصلی: با در نظر گرفتن پارامترهای فوق، حجم نمونه مورد نیاز در هر گروه از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$n = \frac{\left\{ (2\sigma^2) \times \left( Z_{1-\frac{\alpha}{2}} + Z_{1-\beta} \right) \right\}^2}{d^2}$$

با جای‌گذاری مقادیر:

$$n = \frac{2 \times 9^2 \times (1.96 + 0.84)^2}{4^2} = \frac{2 \times 81 \times (2.80)^2}{16} = \frac{1270.08}{16} \approx 79.38$$

بنابراین، برای دستیابی به توان آماری ۸۰٪ جهت تشخیص تفاوت ۴ واحدی در نمره اضطراب با سطح معناداری ۰.۰۵، به حدود ۸۰ نفر در هر گروه نیاز داریم. حجم نمونه کل مورد نیاز برای تکمیل مطالعه ۱۶۰ نفر (۸۰ نفر در گروه مداخله و ۸۰ نفر در گروه کنترل) است.

حجم نمونه با احتساب ریزش (Sample Size with Attrition): با توجه به نرخ ریزش ۲۰٪ برآورد شده از مطالعه مقدماتی، برای اطمینان از دستیابی به حجم نمونه نهایی ۱۶۰ نفر که داده‌های آن‌ها در تحلیل استفاده می‌شود، تعداد بیشتری بیمار باید در ابتدای پژوهش وارد مطالعه شوند. حجم نمونه برای ورود = حجم نمونه مورد نیاز نهایی / (۱ - نرخ ریزش) حجم نمونه برای ورود =  $160 / (1 - 0.2) = 200$  نفر

نتیجه‌گیری حجم نمونه: بر این اساس، حجم نمونه نهایی برای ورود به پژوهش اصلی ۲۰۰ نفر تعیین می‌گردد. این ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی در دو گروه ۱۰۰ نفری (۱۰۰ نفر در گروه مداخله و ۱۰۰ نفر در گروه کنترل) گمارده خواهند شد. انتظار می‌رود با در نظر گرفتن نرخ ریزش ۲۰٪ در طول دوره مطالعه، حداقل ۸۰ نفر از هر گروه (در مجموع ۱۶۰ نفر) مطالعه را تا پایان تکمیل کرده و داده‌های آن‌ها برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گیرد.

جمع‌آوری داده‌ها گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت میدانی (Field Study) انجام می‌شود. به این معنی که داده‌ها به طور مستقیم از شرکت‌کنندگان (بیماران پس از جراحی بزرگ) در محیط واقعی بیمارستان جمع‌آوری خواهند شد.

ابزارهای گردآوری داده‌ها: ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های خوداظهاری هستند که توسط شرکت‌کنندگان تکمیل می‌شوند:

- پرسش‌نامه اطلاعات دموگرافیک (محقق ساخته): برای جمع‌آوری اطلاعات پایه‌ای شرکت‌کنندگان مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و سابقه پزشکی.
- پرسش‌نامه اضطراب بک<sup>۱۲</sup>: برای اندازه‌گیری شدت علائم اضطراب (نمره خام).

<sup>۱۲</sup>. Beck Anxiety Inventory - BAI

- پرسش‌نامه افسردگی بک: برای اندازه‌گیری شدت علائم افسردگی (نمره خام).
- مقیاس درجه‌بندی عددی درد یا مقیاس دیداری قیاسی درد: برای اندازه‌گیری شدت درد (نمره)
- پرسش‌نامه عملکرد روزمره) مانند GAF یا SF-36/EQ-5D: برای ارزیابی سطح عملکرد کلی یا عملکرد در ابعاد خاص (نمره). تمامی ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ها و مقیاس‌های استاندارد شده‌ای هستند که روایی (Validity) و پایایی (Reliability) آن‌ها در مطالعات قبلی در جمعیت‌های مشابه تأیید شده است. پایایی درونی ابزارها (با آلفای کرونباخ) در نمونه این پژوهش نیز مورد بررسی و گزارش قرار خواهد گرفت.

#### فرآیند جمع‌آوری داده‌ها

**مرحله ۱: اخذ مجوزهای اخلاقی و اداری:** تدوین و ارائه پروپوزال به کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه/مؤسسه و اخذ کد اخلاق. ارائه درخواست رسمی به مدیریت بیمارستان کوثر سمنان جهت کسب مجوزهای لازم.

**مرحله ۲: شناسایی، غربالگری و نمونه‌گیری:** شناسایی بیماران کاندیدای جراحی‌های بزرگ در بیمارستان کوثر سمنان بر اساس پرونده‌های پزشکی و غربالگری بر اساس معیارهای ورود و خروج. توضیح کامل اهداف و روش پژوهش به بیماران واجد شرایط و اخذ رضایت آگاهانه کتبی از آن‌ها. گمارش تصادفی بیماران به دو گروه مداخله و کنترل.

**مرحله ۳: ارزیابی پایه (پیش‌آزمون):** جمع‌آوری اطلاعات دموگرافیک و تکمیل ابزارهای اندازه‌گیری متغیرهای وابسته (اضطراب، افسردگی، درد، عملکرد) توسط شرکت‌کنندگان در هر دو گروه، پس از جراحی (مثلاً ۲۴ تا ۴۸ ساعت پس از جراحی) و قبل از شروع جلسات مداخله.

**مرحله ۴: اجرای مداخله روان‌شناختی جامع (برای گروه مداخله):** ۸ جلسه هفتگی، هر جلسه ۹۰ دقیقه، در قالب جلسات گروهی با حضور حداکثر ۱۰ بیمار. محتوا شامل تمرینات ذهن‌آگاهی و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای است. اجرا توسط روان‌شناس بالینی مجرب صورت می‌گیرد.

#### ○ محتوای جلسات

- جلسه ۱: آشنایی با مفهوم استرس، معرفی ذهن‌آگاهی و مهارت‌های مقابله‌ای.
- جلسه ۲: آموزش تنفس آگاهانه، شناسایی افکار و احساسات مرتبط با جراحی و درد.
- جلسه ۳: آموزش تکنیک اسکن بدن برای افزایش آگاهی از حس‌های جسمانی.
- جلسه ۴: آموزش مهارت‌های حل مسئله، بازسازی شناختی افکار منفی.
- جلسه ۵: آموزش تکنیک‌های آرام‌سازی عضلانی پیشرونده یا تصویرسازی ذهنی.
- جلسه ۶: مرور آموخته‌ها، تمرینات ذهن‌آگاهی در فعالیت‌های روزمره، برنامه‌ریزی برای دوران نقاهت.

**مرحله ۵: ارائه مراقبت‌های استاندارد (برای گروه کنترل):** گروه کنترل مراقبت‌های معمول و استاندارد پس از عمل جراحی را طبق روال بیمارستان دریافت خواهند کرد.

**مرحله ۶: ارزیابی نهایی (پس‌آزمون):** تکمیل مجدد همان ابزارهای اندازه‌گیری متغیرهای وابسته توسط شرکت‌کنندگان در هر دو گروه (مداخله و کنترل) در زمان مشخص پس از اتمام جلسات مداخله و گذشت دوره نقاهت اولیه (مثلاً یک هفته پس از آخرین جلسه مداخله).

تحلیل داده‌ها پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها وارد نرم‌افزار آماری (SPSS نسخه [شماره نسخه مورد استفاده، ۲۶ یا ۲۸]) شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

- **تحلیل‌های توصیفی:** شامل محاسبه میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد برای توصیف ویژگی‌های دموگرافیک و متغیرهای پژوهش در هر دو گروه.

- **تحلیل‌های استنباطی:**

- ❖ آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین متغیرهای دموگرافیک بین دو گروه در پیش‌آزمون.
  - ❖ آزمون تی همبسته یا تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای مقایسه نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر گروه.
- تحلیل کوواریانس (ANCOVA) برای مقایسه نمرات پس‌آزمون بین دو گروه با کنترل نمرات پیش‌آزمون. سطح معناداری  $\alpha = 0.05$  در نظر گرفته خواهد شد. در صورت عدم احراز مفروضات آزمون‌های پارامتریک، از معادل‌های ناپارامتریک استفاده می‌شود.

## یافته‌ها

- **یافته‌های دموگرافیک:** توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل) در دو گروه مداخله و کنترل و بررسی همگنی گروه‌ها.
- **تغییرات در اضطراب:** مقایسه میانگین نمرات اضطراب در گروه مداخله و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، و بررسی معناداری آماری تفاوت‌ها (با گزارش مقادیر  $F/t$ ،  $p$ -value و اندازه اثر).
- **تغییرات در افسردگی:** مقایسه میانگین نمرات افسردگی در گروه مداخله و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون.
- **تغییرات در درد:** مقایسه میانگین نمرات درد در گروه مداخله و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون.
- **تغییرات در عملکرد:** مقایسه میانگین نمرات عملکرد در گروه مداخله و کنترل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون.
- **ارائه داده‌ها:** جداول شامل میانگین، انحراف معیار، مقادیر آماری و  $p$ -value برای هر متغیر وابسته ارائه خواهند شد. نمودارهای خطی یا میله‌ای برای نمایش روند تغییرات در طول زمان و تفاوت بین گروه‌ها نیز می‌توانند ارائه شوند.

## تفسیر نتایج

در این بخش، یافته‌های اصلی پژوهش در ارتباط با پرسش‌های پژوهش تحلیل و تفسیر خواهند شد. بحث خواهد شد که آیا نتایج به دست آمده با فرضیه‌های پژوهش همخوانی دارند یا خیر و چگونه با یافته‌های پژوهش‌های گذشته (داخلی و خارجی) مطابقت یا تفاوت دارند. مکانیسم‌های احتمالی که از طریق آن‌ها مداخلات روان‌شناختی جامع بر پیامدهای مورد مطالعه تأثیر گذاشته‌اند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

## نتایج

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی مداخلات روان‌شناختی جامع (ذهن‌آگاهی و آموزش مهارت‌های مقابله‌ای) بر کاهش اضطراب، افسردگی، درد و بهبود عملکرد بیماران پس از جراحی‌های بزرگ انجام شد. این تحقیق به حوزه روان‌شناسی سلامت و مراقبت‌های پس از جراحی کمک می‌کند و شواهد جدیدی را در خصوص اثربخشی رویکردهای درمانی یکپارچه فراهم می‌آورد. نتایج این مطالعه می‌تواند مبنایی برای توسعه پروتکل‌های مراقبتی جامع‌تر و ارتقای کیفیت زندگی بیماران پس از جراحی باشد. پیامدهای عملی یافته‌ها برای بیماران، متخصصان بالینی، نظام سلامت و سیاست‌گذاران توضیح داده خواهد شد. به‌عنوان مثال، نتایج این پژوهش می‌تواند به تدوین راهنماهای بالینی برای ادغام مداخلات روان‌شناختی در مراقبت‌های پس از جراحی، آموزش کادر درمان و بهبود کیفیت زندگی بیماران کمک کند.

## محدودیت‌ها

محدودیت‌های پژوهش، از جمله اندازه نمونه (با وجود محاسبات دقیق، ممکن است محدودیت‌هایی وجود داشته باشد)، روش نمونه‌گیری (نمونه‌گیری در دسترس ممکن است تعمیم‌پذیری را محدود کند)، محدودیت‌های روش‌شناختی (مانند عدم کنترل کامل بر تمام متغیرهای مداخله‌گر در محیط بالینی)، و عدم پیگیری طولانی‌مدت (در صورت عدم وجود در طرح) ذکر خواهند شد.

## پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

بر اساس یافته‌ها و محدودیت‌های موجود، پیشنهادهای مشخص و قابل اجرا برای پژوهش‌های آینده ارائه خواهد شد. این پیشنهادهای می‌تواند شامل:

- انجام مطالعات با حجم نمونه بزرگ‌تر و در مراکز درمانی متنوع‌تر.
- بررسی اثربخشی این مداخلات در انواع خاصی از جراحی‌های بزرگ.
- مطالعات کیفی برای درک عمیق‌تر تجربه بیماران از این مداخلات.
- بررسی متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر در رابطه بین مداخله و پیامدها.
- پیگیری طولانی‌مدت اثرات مداخله.
- مقایسه اثربخشی این بسته جامع با سایر مداخلات روان‌شناختی.

## منابع

سلیمانی، ف.، و غفوری، م. (۱۳۹۶). نقش حمایت روان‌شناختی در بهبود پیامدهای پس از عمل جراحی: یک مرور نظام‌مند. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۲۴(۱۶۳)، ۱۱۲-۱۲۳.

نیکنام، م.، دهقان، م.، و رضایی، م. (۱۳۹۷). بررسی اثر مداخله مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر اضطراب و درد بیماران تحت جراحی قلب باز. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی*، ۸(۳۲)، ۷۵-۸۸.

یزدی، م. ج.، و حسینی، م. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر افسردگی و کیفیت زندگی بیماران پس از جراحی. *مجله طب روان‌شناختی*، ۴(۲)، ۴۵-۵۸.

- Bowers, K. S., et al. (۲۰۲۲). Mindfulness-based interventions for surgical patients: Impact on postoperative outcomes, patient well-being, and satisfaction. *Mindfulness*, 13(۵), ۱۲۷۶-۱۲۸۹. <https://doi.org/10.1007/s12671-022-01917-x>
- De Vries, M., et al. (۲۰۲۰). Psychological interventions for anxiety and pain in patients undergoing elective major abdominal surgery: A systematic review. *European Journal of Anaesthesiology*, 37(۵), ۳۸۷-۳۹۴. <https://doi.org/10.1097/EJA.0000000000001189>
- Dorland's Medical Dictionary. (n.d.). *Dorland's Medical Dictionary Online*. Retrieved from [www.dorlandsonline.com](http://www.dorlandsonline.com)
- Zhang, Y., Wu, X., & Zhao, Q. (۲۰۲۴). Effects of mindfulness-based interventions before surgery: A meta-analysis of randomized controlled trials. *Journal of Psychosomatic Research*, 170, ۱۱۱۲۵۹. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2024.111259>
- Zhou, S., Chen, L., & Wang, L. (۲۰۲۳). Meditation for perioperative pain and anxiety: A systematic review. *Complementary Therapies in Medicine*, 75, ۱۰۲۹۶۵. <https://doi.org/10.1016/j.ctim.2023.102965>